

ترجیحات سیاسی ایرانیان در ۱۴۰۳

گزارش تحلیلی یافته‌های نظرسنجی گمان

عمار ملکی



موسسه گمان از همکاری داوطلبانه تیم سایفون (Psiphon) که در انتشار عمومی پرسشنامه و نمونه‌گیری نظرسنجی ما را یاری کردند، قدردانی می‌کند. همچنین نویسندگان این گزارش، از تمامی کسانی که به روش‌های مختلف به انجام این پژوهش کمک رساندند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند. این پژوهش سفارش‌دهنده نداشته است و موسسه گمان بطور مستقل آن را انجام داده است.

گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان) یک موسسه پژوهشی غیرانتفاعی، مستقل و ثبت‌شده در کشور هلند است. تمام حقوق مادی و معنوی این پژوهش متعلق به موسسه گمان است و هر نوع استفاده از کل یا بخشی از محتوای این سند تنها با ذکر منبع مجاز است.



سایت: www.gamaan.org ایمیل: info@gamaan.org اینستاگرام: [@gamaanresearch](https://www.instagram.com/gamaanresearch)

تلگرام: t.me/gamaanresearch توئیتر (ایکس): [@gamaanresearch](https://twitter.com/gamaanresearch)

چکیده یافته‌های گزارش

یافته‌های این گزارش بر اساس نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ موسسه گمان است. در این نظرسنجی، ۷۷,۲۱۶ نفر از داخل ایران شرکت کردند. پس از اعمال روش وزن‌دهی، یک نمونه آماری معرف جامعه بزرگسال باسواد ایران، با حجم نمونه مؤثر ۲۰,۴۹۲ نفر، برای استخراج نتایج این گزارش به‌کار گرفته شد.

بخش اول: نظام مستقر و گرایش‌های سیاسی

- اکثریت قابل توجهی از ایرانیان (حدود ۷۰٪) با ادامه نظام جمهوری اسلامی مخالف هستند. بالاترین سطح مخالفت (۸۱٪) در زمان خیزش «زن، زندگی، آزادی» بوده است.
- گرایش اصلی سیاسی در جامعه «براندازی نظام جمهوری اسلامی» (حدود ۴۰٪) و سپس «گذار ساختاری از جمهوری اسلامی» است. گرایش به براندازی در میان جوانان و افراد تحصیلکرده بیشتر است.
- حمایت از «حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب و سیاست‌های نظام» به‌طور چشمگیری کاهش یافته است (از ۱۸٪ در ۱۴۰۰ به ۱۱٪ در ۱۴۰۳).
- مخالفت با جمهوری اسلامی در جوانان، شهرنشینان و افراد تحصیل‌کرده بیشتر است.

بخش دوم: شیوه اداره کشور

- اکثریت قاطع ایرانیان (۸۹٪) خواهان ساختار سیاسی دموکراتیک هستند.
- حدود نیمی از جامعه (۴۳٪) پذیرای حکمرانی اقتدارگرایی فردی هستند؛ این دیدگاه در میان روستاییان و افراد با تحصیلات کم رایج‌تر است.
- شیوه اداره کشور توسط قوانین دینی و نظامیان با مخالفت گسترده مواجه است (به‌ترتیب ۶۶٪ و ۷۱٪ مخالف).

بخش سوم: نظام و ساختار سیاسی مطلوب

- فقط حدود ۲۰٪ ایرانیان حامی تداوم جمهوری اسلامی‌اند؛ در مقابل، اکثریت جامعه خواهان تغییر نظام جمهوری اسلامی و استقرار شکل و ساختار متفاوتی مانند جمهوری (سکولار)، پادشاهی (مشروطه)، یا ساختارهایی با تمرکز کمتر هستند.
- درباره ترجیح نظام جایگزین جمهوری اسلامی، حدود ۲۶٪ خواهان نظام جمهوری (سکولار) هستند و حدود ۲۱٪ نیز از نظام پادشاهی حمایت می‌کنند. برای ۱۱٪ جامعه هم شکل نظام جایگزین تفاوتی ندارد. حدود ۲۲٪ هم می‌گویند برای انتخاب نظام سیاسی جایگزین، اطلاعات کافی ندارند.
- حدود ۱۵٪ جامعه از ساختار فدرال حمایت می‌کنند، چه در قالب جمهوری فدرال (۱۰٪) و چه پادشاهی فدرال (۵٪). حمایت از ساختار فدرال به‌خصوص در مناطق قومیتی/اتنیکی مانند کردستان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان بالاست.

- حمایت از نظام جمهوری و ساختار غیرمتمرکز در میان جوانان و افراد تحصیلکرده بیشتر است. حمایت از نظام پادشاهی در میان مردان بیش از زنان، و در میان افراد فاقد تحصیلات عالی بیش از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی مشاهده می‌شود.
- طرفداران نظام جمهوری اسلامی و نظام پادشاهی (غیر فدرال) تمایل بیشتری به حکومت اقتدارگرای فردی دارند. در مقابل، طرفداران نظام جمهوری، جمهوری فدرال و پادشاهی فدرال به‌طور معناداری بیشترین میزان مخالفت با ایده اقتدارگرایی فردی را نشان داده‌اند.

بخش چهارم: گرایش به احزاب و ایدئولوژی‌های سیاسی

- مردم ایران بیش از همه به احزابی گرایش دارند که آزادی‌های فردی و حقوق بشر را در اولویت قرار می‌دهند (۳۷٪)؛ به دنبال عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق کارگران هستند (۳۳٪)؛ یا بر غرور ملی و ایران‌گرایی تأکید دارند (۲۶٪).
- گرایش به احزاب با تمرکز بر محیط زیست (۱۰٪)، اقتصاد بازار آزاد (۹٪) و تمرکززدایی و حقوق اقلیت‌ها (۸٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارد. تنها حدود ۵٪ از جامعه از احزابی حمایت کرده‌اند که ارزش‌های سنتی و دینی را در اولویت قرار می‌دهند.
- جوانان و تحصیل‌کردگان بیشترین حمایت را از احزاب حقوق بشری، محیط زیستی و اقتصاد بازار آزاد دارند.
- گرایش به عدالت اجتماعی در میان زنان (۳۵٪) بالاتر از مردان (۳۱٪) است؛ در مقابل، مردان بیشتر از زنان از احزابی حمایت کرده‌اند که بر ایران‌گرایی تأکید دارند (۲۹٪ در برابر ۲۳٪).
- آزادی‌های فردی و حقوق بشر پرتعدادترین گرایش حزبی در میان حامیان نظام جمهوری (۵۱٪)، نظام جمهوری فدرال (۵۰٪) و نظام پادشاهی فدرال (۵۳٪) است.
- حمایت از ایدئولوژی سیاسی ایران‌گرایی در میان طرفداران پادشاهی (۴۳٪) برجسته است.
- رویکردهای حزبی با تأکید بر آزادی و حقوق بشر، محیط زیست، بازار آزاد و تمرکززدایی کمترین میزان حمایت را در میان طرفداران نظام جمهوری اسلامی دارند.

بخش پنجم: اقبال به شخصیت‌های مدنی و سیاسی

- در میان افراد منتسب به حکومت، علی خامنه‌ای (۹٪)، محمود احمدی‌نژاد (۹٪) و محمدجواد ظریف (۶٪) بیشترین حمایت را دارند. در میان مخالفان حکومت، رضا پهلوی (۳۱٪)، توماج صالحی (۶٪) و نرگس محمدی (۵٪) بیشترین میزان محبوبیت را دارند.
- محبوبیت رضا پهلوی نسبت به سالهای گذشته کاهش اندکی داشته که نشان‌دهنده ثبات نسبی پایگاه اجتماعی اوست. در همین حال اقبال به چهره‌هایی مانند توماج صالحی، نرگس محمدی و فاطمه سپهری افزایش داشته است.
- حدود ۱۵٪ از جامعه به هیچ‌کدام از چهره‌های سیاسی مطرح تمایلی ندارند و این عدد در سالهای گذشته افزایش داشته است.

- میزان حمایت از رضا پهلوی در میان مردان (۳۶٪) بیشتر از زنان (۲۷٪)، در میان افراد مسن (۳۴٪) بیشتر از جوانان (۲۹٪) و در میان افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی (۳۳٪) بیش از تحصیل‌کردگان (۲۷٪) است.
- رضا پهلوی بیشترین حمایت را در میان طرفداران نظام پادشاهی (۸۱٪) و پادشاهی فدرال (۷۴٪) دارد. در میان کسانی که نوع نظام جایگزین برایشان تفاوتی ندارد نیز ۳۰٪ او را برمی‌گزینند. این در حالی است که میزان حمایت از او در میان جمهوری‌خواهان حدود ۲۰٪ است.
- بالاترین میزان محبوبیت رضا پهلوی در استان‌های گیلان (۴۲٪)، البرز (۴۰٪)، و خراسان شمالی (۳۸٪) مشاهده می‌شود، در حالی که کمترین حمایت مربوط به استان‌های کردستان (۱۵٪)، آذربایجان غربی (۱۷٪) و آذربایجان شرقی (۲۰٪) است.
- خوشه‌بندی شخصیت‌های سیاسی بر مبنای افکار عمومی نشان می‌دهد که ۱۱ گروه متفاوت قابل شناسایی هستند: ۱- اصولگرایان (خامنه‌ای‌ها و احمدی‌نژاد)، ۲- اصلاح‌طلبان (موسوی، خاتمی، ظریف، تاجزاده، فائزه هاشمی)، ۳- پهلوی‌گرایان (رضا پهلوی، امیر طاهری و علی کریمی)، ۴- ملی‌گرایان لیبرال (حسین رونقی، مجید توکلی و بهاره هدایت)، ۵- فعالان حقوق بشری و مدنی (نرگس محمدی، شیرین عبادی، نسرين ستوده، کاوه مدنی، رضا علیجانی، فرج سرکوهی)، ۶- شورای همبستگی (اسماعیلیون، علی‌نژاد، مهتدی و بنیادی)، ۷- فعالان زندانی (فاطمه سپهری و محمد نوری‌زاد)، ۸- فعالان کارگری و هنرمندان معترض (سپیده قلیان، اسماعیل بخشی، توماج صالحی و مهدی یراحی)، ۹- سازمان مجاهدین (رجوی)، ۱۰- نماینده اهل سنت (مولوی عبدالحمید) و ۱۱- طرفداران افراد دیگر

جمع‌بندی: جامعه‌ای با تکرار سیاسی-ایدئولوژیک، با اکثریت ناخشنود از نظام دینی و خواهان گذار ساختاری

- جامعه ایران از منظر سیاسی و ایدئولوژیک متکثر و به شدت دگرگون شده است.
- اکثریت جامعه مخالف حکومت دینی و حکومت نظامیان هستند؛ مطالبه یک حکومت دموکراتیک در میان ایرانیان فراگیر است اما همزمان، گرایش به اقتدارگرایی فردی هم در بخش قابل توجهی از جامعه وجود دارد.
- اکثریت جامعه مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند و خواهان تغییر نظام و ساختار سیاسی‌اند.
- ایدئولوژیهای سیاسی حامی آزادی فردی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی بیشترین طرفدار را دارند.
- گرایش‌های ملی‌گرایانه و ایران‌گرایی مورد اقبال است؛ اما همزمان مطالبه تمرکززدایی در کشور، و به ویژه در میان اقوام و اتنیک‌های ایرانی، بالاست.
- هیچ شخصیت سیاسی یا مدنی در حال حاضر از حمایت اکثریت جامعه برخوردار نیست. هر یک از خوشه‌های سیاسی موجود، امکان نمایندگی بخش‌هایی (بین ۵ تا ۳۵ درصد) از جامعه را دارند و هیچ جریان سیاسی مخالف، به‌تنهایی امکان نمایندگی تکرار موجود در کشور را ندارد.

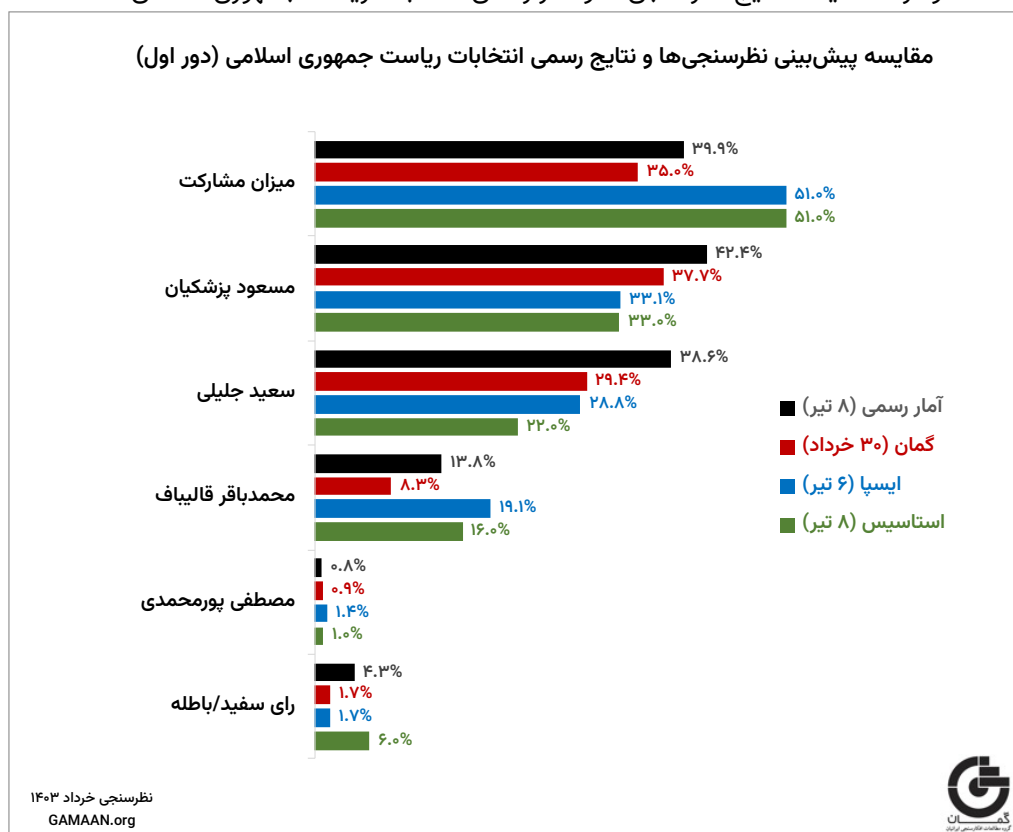
مقدمه

در خرداد ۱۴۰۳، انتخابات زودهنگام برای تعیین جانشین ابراهیم رئیسی، که در حادثه سقوط هلیکوپتر جان باخته بود، برگزار شد. یک هفته پیش از دور اول این انتخابات، در روزهای ۲۸ تا ۳۰ خرداد، مؤسسه گمان با اجرای یک نظرسنجی، میزان تمایل شهروندان به شرکت در انتخابات، اقبال به نامزدها و دلایل حضور یا عدم حضور در انتخابات را بررسی کرد. یافته‌های این نظرسنجی در [گزارشی مستقل](#) منتشر شد.

نتایج نظرسنجی گمان نشان می‌داد که میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی بین ۲۲ تا ۳۵ درصد خواهد بود. این بازه به این دلیل ارائه شده بود که بخشی از پاسخ‌دهندگان هنوز در تصمیم خود برای شرکت یا عدم شرکت مردد بودند. در همان زمان، سایر مؤسسات نظرسنجی (چه در داخل و چه در خارج کشور) که از روش‌های سنتی (تلفنی یا حضوری) استفاده می‌کردند، پیش‌بینی مشارکت بالای ۵۰ درصد را داشتند.

بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده از سوی نهادهای حکومتی، مشارکت در انتخابات کمتر از ۴۰ درصد بوده است. اگرچه این آمار به دلیل نبود شفافیت و استقلال در نهادهای برگزارکننده و ناظر بر انتخابات و نیز [تجربه‌های پیشین](#) از دستکاری در نتایج، به طور کامل قابل اعتماد نیست، اما حتی همین آمار رسمی نیز نشان می‌دهد که پیش‌بینی نظرسنجی گمان، مشروط بر اینکه فرض شود اکثریت افراد مردد در نهایت رأی داده‌اند، در مقایسه با دیگر نظرسنجی‌ها به واقعیت نزدیک‌تر بوده است (نمودار ۱).

نمودار ۱: مقایسه نتایج نظرسنجی‌ها و آمار رسمی انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ۱۴۰۳



از سوی دیگر در همان نظرسنجی، پرسشهای دیگری پیرامون ترجیحات سیاسی ایرانیان شامل دیدگاه آنها درباره نظام مستقر، گرایشات سیاسی، شیوه اداره کشور، نظام و ساختار سیاسی مطلوب، گرایش به احزاب و ایدئولوژیهای سیاسی و همچنین اقبال به شخصیتهای مدنی و سیاسی در یک انتخابات آزاد پرسیده شد.

گزارش پیش رو، به بررسی یافته‌ها و تحلیل نتایج آن پرسشها می‌پردازد تا تصویری عمیق‌تر از ترجیحات سیاسی ایرانیان را در سال ۱۴۰۳ به خوانندگان ارائه دهد. همچنین در موارد متعددی با مقایسه نتایج نظرسنجی‌های سالهای اخیر گمان، تغییرات در دیدگاهها و گرایشات سیاسی ایرانیان در طول زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های این گزارش، تکثر موجود در جامعه ایران و تفاوت دیدگاهها در گروههای مختلف جمعیتی را نشان می‌دهد و می‌تواند مبنایی باشد برای فهم بهتر جامعه‌ای که آبستن تغییرات بنیادین است.

لازم به ذکر است که این یافته‌ها بر مبنای نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ است و تحولات و تغییرات یک سال گذشته، ممکن است تغییراتی در نگرش ایرانیان نسبت به بعضی از این موضوعات ایجاد کرده باشد.

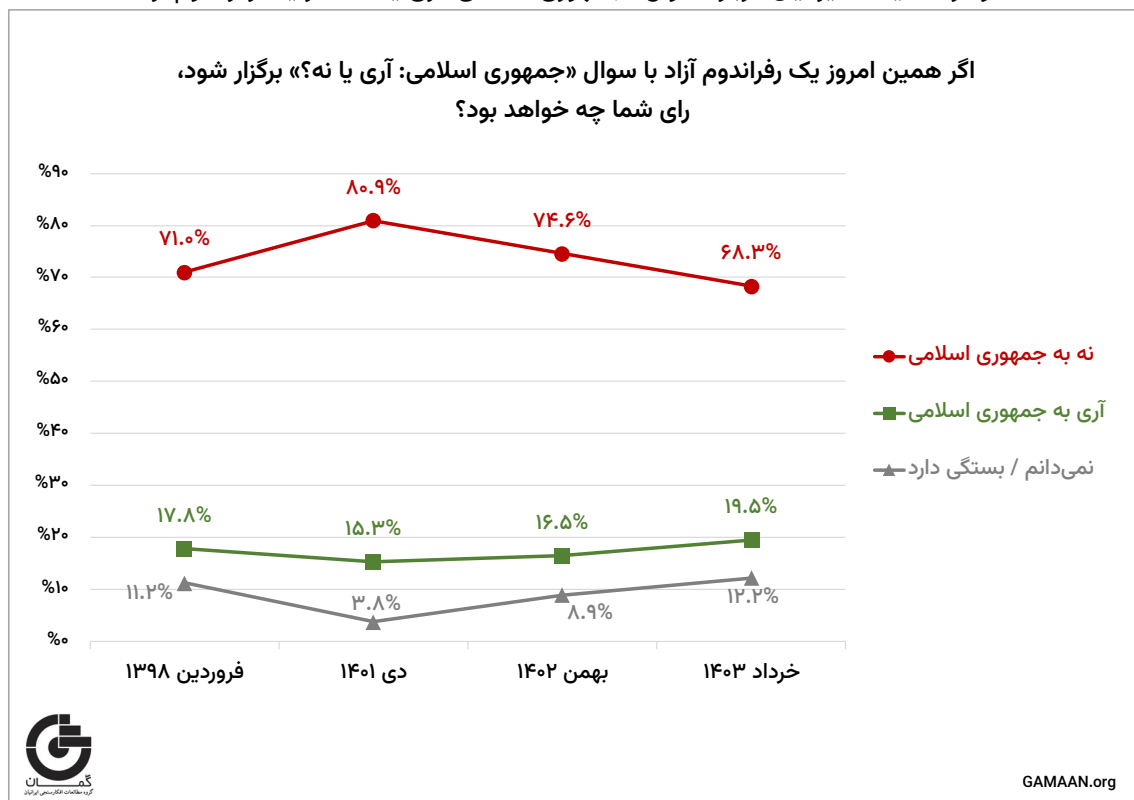
موسسه گمان تلاش میکند تا در نظرسنجی‌های آینده، باز هم گرایشات و ترجیحات سیاسی ایرانیان را مورد پرسش قرار دهد تا تغییر در نگرش‌ها مورد شناخت و ارزیابی قرار گیرد.

بخش اول: نظام مستقر و گرایشهای سیاسی

۱-۱ دیدگاه ایرانیان درباره جمهوری اسلامی

در نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ همانند نظرسنجی‌های سالهای قبل، یک سوال درباره میزان محبوبیت نظام جمهوری اسلامی در میان ایرانیان به پرسش گذاشته شد. در این سوال از شرکت‌کنندگان نظرسنجی پرسیده شد که اگر یک رفراوند آزاد با سوال «جمهوری اسلامی: آری یا نه» برگزار شود، رای آنها چه خواهد بود.

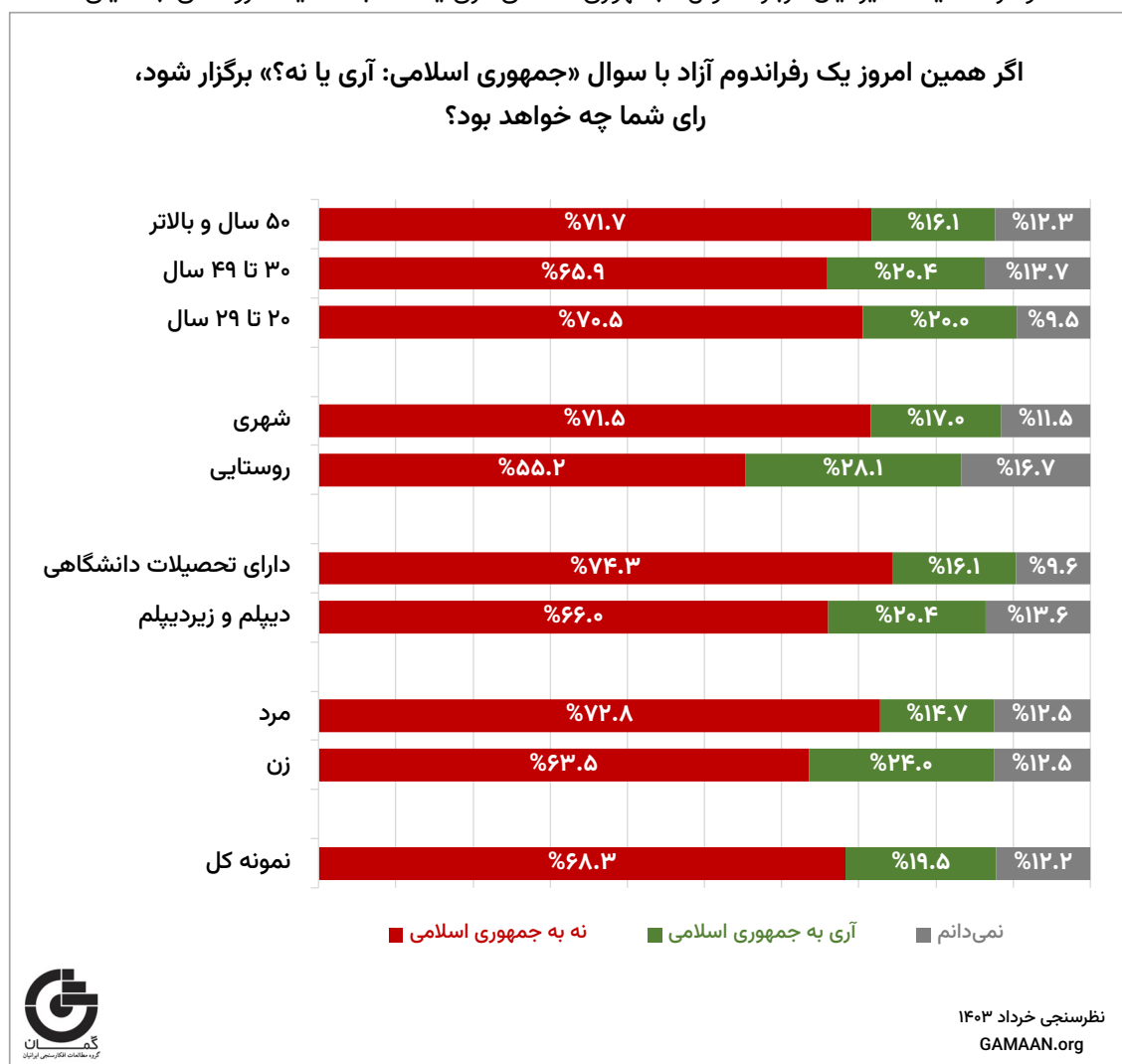
نمودار ۲: دیدگاه ایرانیان درباره سوال «جمهوری اسلامی: آری یا نه؟» در یک رفراوند آزاد



نمودار ۲ میزان حمایت از جمهوری اسلامی را در چهار نظرسنجی سالهای گذشته نشان می‌دهد. نتایج این نمودار نشان می‌دهد که میزان حمایت از جمهوری اسلامی، یعنی کسانی که رای «آری» می‌دهند، تغییر زیادی نداشته و بین ۱۵ تا ۱۹ درصد بوده است. در مقابل میزان رای «نه» به جمهوری اسلامی نوسانات بیشتری داشته است؛ همانطور که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان رای «نه» به جمهوری اسلامی، در دوران اعتراضات معروف به خیزش «زن، زندگی، آزادی» با حدود ۸۱٪ بوده است. نکته قابل توجه این است که کاهش میزان رأی «نه»، به افزایش چندان در رأی «آری» منجر نشده، بلکه بیشتر باعث افزایش سهم کسانی شده که مردد هستند و اعلام کرده‌اند بسته به شرایط تصمیم خواهند گرفت.

نمودار ۳ میزان حمایت از نظام «جمهوری اسلامی» را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد. در میان گروه‌های سنی، جوان‌ترین گروه یعنی افراد ۲۰ تا ۲۹ ساله با ۷۱٪ میزان مخالفت زیادی با جمهوری اسلامی نشان می‌دهند، در حالی که گروه ۳۰ تا ۴۹ سال با حدود ۶۶٪ کمترین میزان مخالفت را نشان داده‌اند. همچنین افراد ۵۰ سال به بالا با ۷۲٪ در سطحی مشابه جوانان قرار دارند. جوانان همچنین کمترین میزان تردید را در پاسخ‌گویی داشته‌اند (نزدیک به ۹٪) و این تردید در میان میانسالان بیشتر بوده است (۱۴٪). این الگو حاکی از نوعی قاطعیت سیاسی در نسل جوان و تمایل بیشتر میانسالان به احتیاط یا تردید در ابراز موضع است.

نمودار ۳: دیدگاه ایرانیان درباره سوال «جمهوری اسلامی: آری یا نه؟» به تفکیک گروه‌های جمعیتی



از نظر منطقه سکونت، مخالفت با جمهوری اسلامی در شهرها نزدیک به ۷۲٪ است، در حالی که این رقم در روستاها به حدود ۵۵٪ کاهش می‌یابد. در مقابل، میزان رأی مثبت در روستاها (۲۸٪) نزدیک به دو برابر مناطق شهری (۱۷٪) است. همچنین میزان تردید در روستاها بیشتر است (۱۷٪) در برابر ۱۱٪ (در شهرها). این شکاف منطقه‌ای می‌تواند ناشی از تفاوت در دسترسی به اطلاعات، وابستگی اقتصادی به نهادهای دولتی، یا فرهنگ سیاسی محافظه‌کارانه‌تر در جوامع کوچکتر باشد.

در تحلیل بر اساس سطح تحصیلات، افراد دارای مدرک دانشگاهی بیشترین میزان رای «نه» به جمهوری اسلامی (حدود ۷۴٪)، کمترین میزان رأی مثبت (۱۶٪) و کمترین تردید (۱۰٪) را دارند. در مقابل، در میان کسانی که فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند، میزان رای «نه» پایین‌تر (۶۶٪) و تردید بیشتر (۱۴٪) است.

در نهایت، از نظر جنسیتی، مردان با ۷۳٪ رأی «نه» بیش از زنان (۶۴٪) با جمهوری اسلامی مخالفت کرده‌اند. در مقابل، ۲۴٪ از زنان از جمهوری اسلامی حمایت کرده‌اند که در مقایسه با ۱۵٪ از مردان اختلاف معناداری دارد. در دوران خیزش «زن، زندگی، آزادی» و به دلیل فضای انقلابی حاکم بر جامعه و نقش محوری زنان در آن، میزان مخالفت زنان با جمهوری اسلامی به‌طور چشمگیری افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که تنها حدود ۱۳٪ از آنان از رأی «آری» به جمهوری اسلامی دفاع می‌کردند. اگرچه تغییر فضای جامعه و تحولات اجتماعی-سیاسی بی‌تردید بر دیدگاه افراد اثرگذار است، بااین‌حال به نظر می‌رسد این میزان تغییر در نگرش زنان نسبت به جمهوری اسلامی نیازمند بررسی دقیق‌تر است تا مشخص شود چه بخشی از آن ناشی از تغییرات فضای جامعه بوده و چه بخشی می‌تواند ناشی از چالش‌های مربوط به تفاوت در روش‌های نمونه‌گیری باشد.

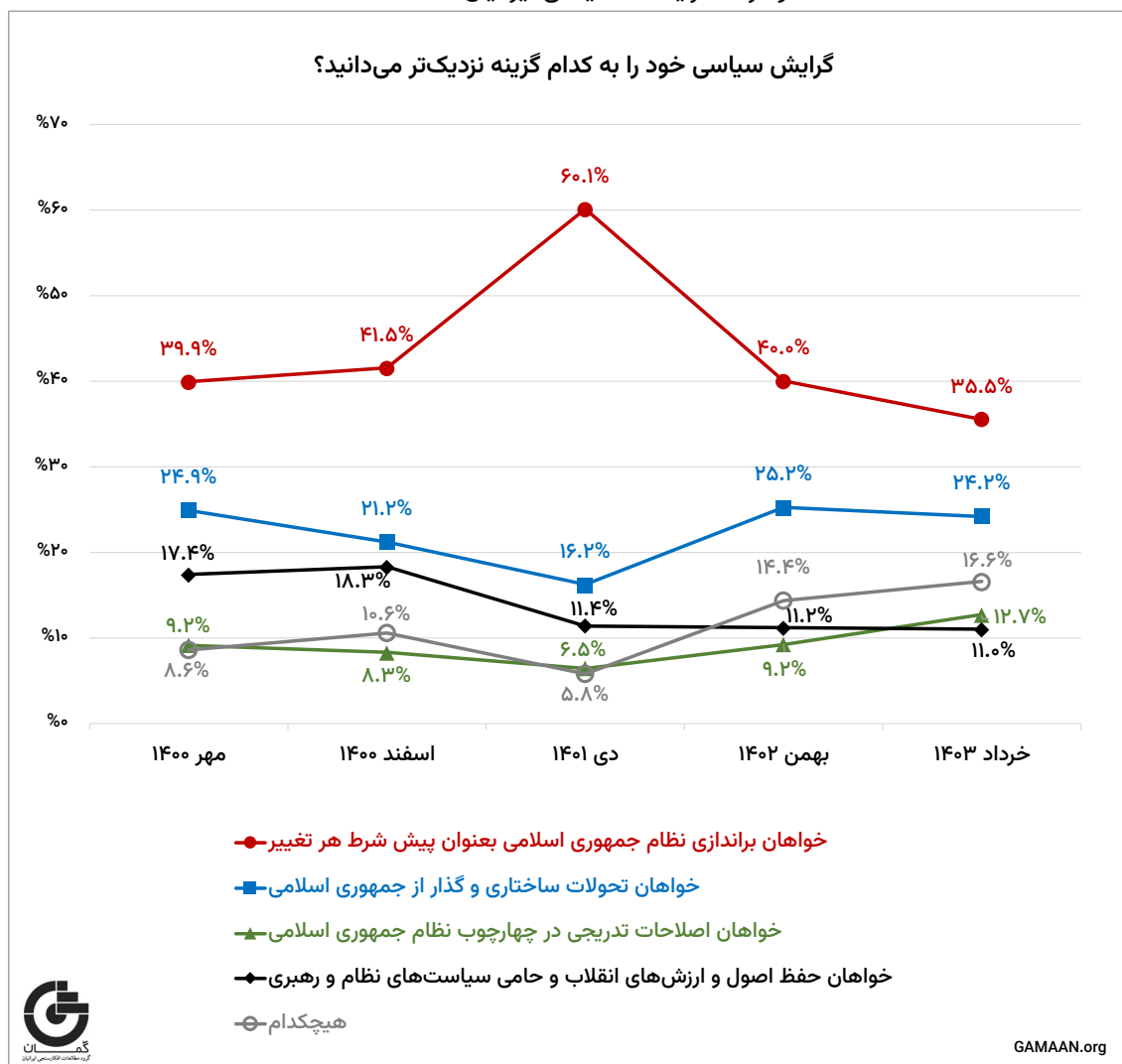
در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد که گرچه اکثریت جامعه با جمهوری اسلامی مخالف است، اما شدت این مخالفت در میان گروه‌های مختلف تفاوت دارد و به‌ویژه تحت تأثیر سن، محل سکونت، سطح تحصیلات و جنسیت قرار می‌گیرد.

۲-۱ گرایش‌ات سیاسی ایرانیان

نمودار ۴ گرایش‌ات سیاسی ایرانیان در طول سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود بیشترین سهم بطور نسبی به کسانی تعلق دارد که خواهان «براندازی نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان پیش‌شرط هر تغییر» هستند؛ میزان حمایت از این گرایش در طول سالهای گذشته و با توجه به اتفاقات سیاسی در جامعه دارای تغییرات زیادی بوده است و در دوران خیزش «زن، زندگی، آزادی» به بالاترین سطح (۶۰٪) رسیده بود. در مرتبه دوم، گرایشی قرار دارد که خواهان «تحولات ساختاری و گذار از جمهوری اسلامی» است. در شرایط عادی، یک چهارم جامعه حامی این گرایش هستند اما در دوران خیزش مهسا این حمایت به ۱۶٪ کاهش پیدا کرد که بنظر می‌رسد بخشی از حامیان آن به طرفداران براندازی پیوستند. «اصلاحات تدریجی در چهارچوب نظام» هم در این سالها از حدود ۷ تا ۱۳ درصد حمایت برخوردار بوده است. طرفداران «حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب و سیاست‌های نظام و رهبری» در این سالها دارای ریزش نسبتاً قابل توجهی بوده‌اند و از حدود ۱۸٪ در سال ۱۴۰۰ به ۱۱٪ در سال ۱۴۰۳ رسیده است.

نکته قابل توجه میزان کسانی است که اعلام کرده‌اند طرفدار «هیچ‌کدام» از این گرایش‌های سیاسی نیستند. این گروه در دوران خیزش «زن، زندگی، آزادی» تنها حدود ۶٪ جامعه را تشکیل می‌داد اما سال گذشته و در دوران انتخابات تعیین جانشین ریسی، حدوداً سه برابر شد (۱۷٪). این نوسانات نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جامعه در دوران جنبش‌های اجتماعی با مطالبه تغییر همراه می‌شوند و پس از آن دچار سرخوردگی سیاسی و بی‌تفاوتی می‌شوند.

نمودار ۴: گرایش‌های سیاسی ایرانیان ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳

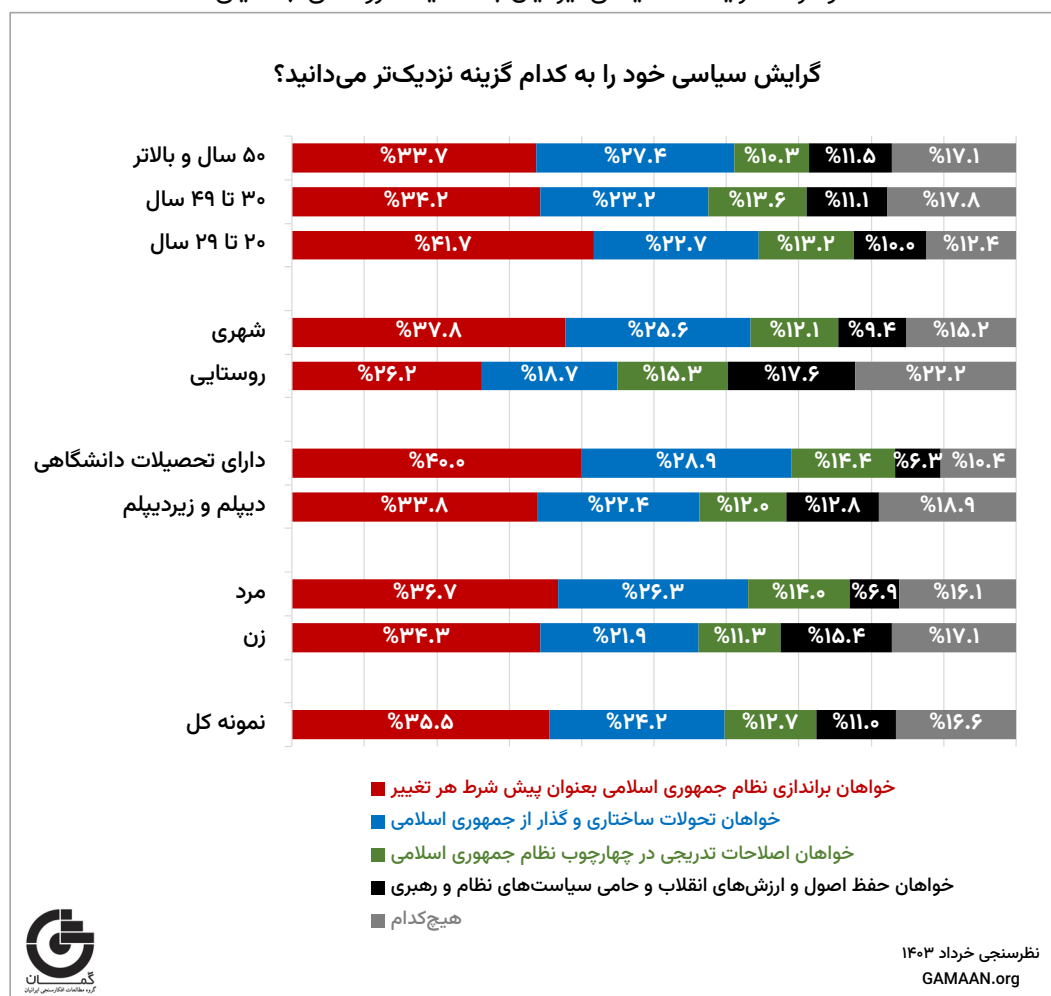


نمودار ۵ گرایش‌های سیاسی ایرانیان در خرداد ۱۴۰۳ را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد. از منظر جنسیت، مردان نسبت به زنان گرایش بیشتری به براندازی دارند (۳۷٪ در برابر ۳۴٪) و سهم بیشتری نیز در میان حامیان گذار ساختاری دارند (۲۶٪ در برابر ۲۲٪). در مقابل، زنان بیش از مردان به گزینه «حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب» گرایش نشان داده‌اند (۱۵٪ در برابر ۷٪). این موضوع ممکن است بازتاب‌دهنده سطح بالاتر دینداری در میان زنان باشد، چرا که در همین نظرسنجی نسبت بیشتری از زنان در مقایسه با مردان خود را شیعه معرفی کرده‌اند (۴۵٪ در برابر ۳۳٪). **یک مطالعه** مبتنی بر یافته‌های گمان نشان می‌دهد که حمایت از سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی در میان کسانی که خود را شیعه معرفی کرده‌اند بیشتر است.

از نظر منطقه سکونت، در شهرها، ۳۸٪ از پاسخ‌دهندگان طرفدار براندازی هستند، در حالی که در روستاها این میزان تنها ۲۶٪ است. سهم حامیان اصولگرایی نظام در روستاها ۱۸٪ است که تقریباً دو برابر نسبت به شهرها (۹٪) به نظر می‌رسد. به‌طور مشابه، درصد کسانی که هیچ‌یک از گزینه‌ها را انتخاب نکرده‌اند نیز در روستاها بالاتر است (۲۲٪ در برابر ۱۵٪).

از لحاظ سنی، جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله بیشترین گرایش به براندازی را دارند (۴۲٪)، که با افزایش سن، سهم براندازان نیز کاهش می‌یابد (۳۴٪ در میانسالان و همچنین رده سنی ۵۰ سال به بالا). جالب آن‌که افراد بالای ۵۰ سال، گرایش بیشتری به «گذار ساختاری» دارند (۲۷٪) و بیشترین سهم «اصلاح‌طلبی درون نظام» نیز در میانسالان دیده می‌شود (۱۴٪). جوانان همچنین نسبت به دیگر گروه‌های سنی کمترین میزان انتخاب گزینه «هیچ‌کدام» را دارند.

نمودار ۵: گرایش‌های سیاسی ایرانیان به تفکیک گروه‌های جمعیتی



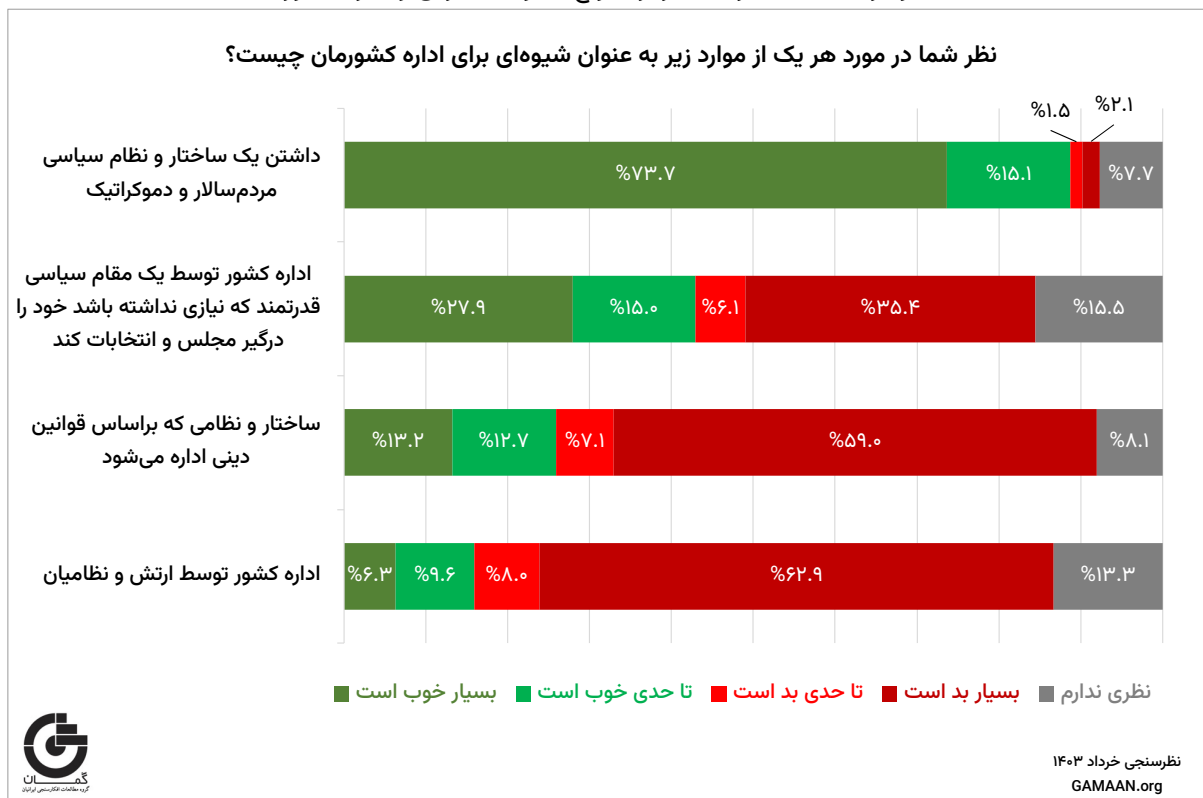
تحصیلات نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در گرایش سیاسی اشخاص است. افراد دارای مدرک دانشگاهی به‌وضوح بیشترین گرایش را به براندازی دارند (۴۰٪) و همچنین در میان حامیان گذار ساختاری (۲۹٪) پیش‌تازند. در مقابل، در میان کسانی که تحصیلاتشان در سطح دیپلم یا پایین‌تر است، سهم حامیان «حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب» بیشتر است (۱۳٪) و میزان انتخاب هیچ‌کدام نیز بالاتر است (۱۹٪ در برابر ۱۰٪). این روند نشان می‌دهد که سطح تحصیلات بالا با موضع‌گیری سیاسی شفاف‌تر و تمایل به تغییرات اساسی همراه است.

بخش دوم: شیوه اداره کشور

در این بخش دیدگاه ایرانیان نسبت به شیوه‌های مختلف حکمرانی و اداره کشور بررسی و تحلیل می‌شود. سؤالات به‌کاررفته در این بخش همان‌هایی هستند که به‌طور دوره‌ای در بسیاری از کشورها در قالب پیمایش ارزش‌های جهانی مطرح می‌شوند.

نمودار ۶ میزان اقبال به روش‌های مختلف حکمرانی و شیوه اداره کشور بر مبنای روش دموکراتیک، حکومت اقتدارگرای فردی، حکومت دینی، و حکومت نظامیان را در جامعه نشان می‌دهد.

نمودار ۶: دیدگاه ایرانیان درباره انواع شیوه حکمرانی و اداره کشور



بر اساس داده‌های این نمودار، روشن است که جامعه تمایل آشکاری به داشتن یک ساختار و نظام سیاسی مردم‌سالار و دموکراتیک دارد. حدود ۸۹٪ از پاسخ‌دهندگان چنین نظامی را «بسیار یا تا حدی خوب» ارزیابی کرده‌اند، در حالی که تنها حدود ۴٪ آن را «بسیار یا تا حدی بد» دانسته‌اند و نزدیک به ۸٪ نیز نظری نداشته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که اجماع گسترده‌ای بر سر مردم‌سالاری و دموکراسی در این جامعه وجود دارد.

از سوی دیگر، نکته جالب توجه دوپاره بودن دیدگاه‌ها نسبت به اداره کشور توسط یک مقام سیاسی اقتدارگرا است. حدود ۴۳٪ از جامعه چنین ساختاری را «بسیار یا تا حدی خوب» ارزیابی کرده‌اند، اما تقریباً به همان میزان (۴۲٪) با آن مخالف‌اند. همچنین حدود ۱۵٪ نظری نداشته‌اند. این وضعیت

نشان می‌دهد که علیرغم تمایل اکثریت به داشتن ساختار دموکراتیک، بخش قابل توجهی از جامعه ممکن است پذیرای شکلی از اقتدارگرایی فردی هم باشند.

نتایج در مورد ساختار و نظامی که براساس قوانین دینی اداره شود نیز حاکی از نگاه انتقادی جامعه به این نوع حاکمیت است. تنها حدود ۲۶٪ چنین ساختاری را «بسیار یا تا حدی خوب» دانسته‌اند، در حالی که ۶۶٪ مخالف آن بوده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که اکثریت جامعه با شیوه حکمرانی مستقر مخالفت دارند.

همچنین، اداره کشور توسط ارتش و نظامیان کمترین محبوبیت را داشته است. تنها حدود ۱۶٪ از پاسخ‌دهندگان این نوع ساختار را «بسیار یا تا حدی خوب» می‌دانند، در حالی که بیش از ۷۱٪ آن را «بسیار یا تا حدی بد» ارزیابی کرده‌اند. این نشان می‌دهد که رویکردهای نظامی و مداخله‌محور در سیاست، از حمایت بسیار محدودی برخوردارند.

۲-۱ نگرش به روش حکمرانی دموکراتیک به تفکیک گروه‌های جمعیتی

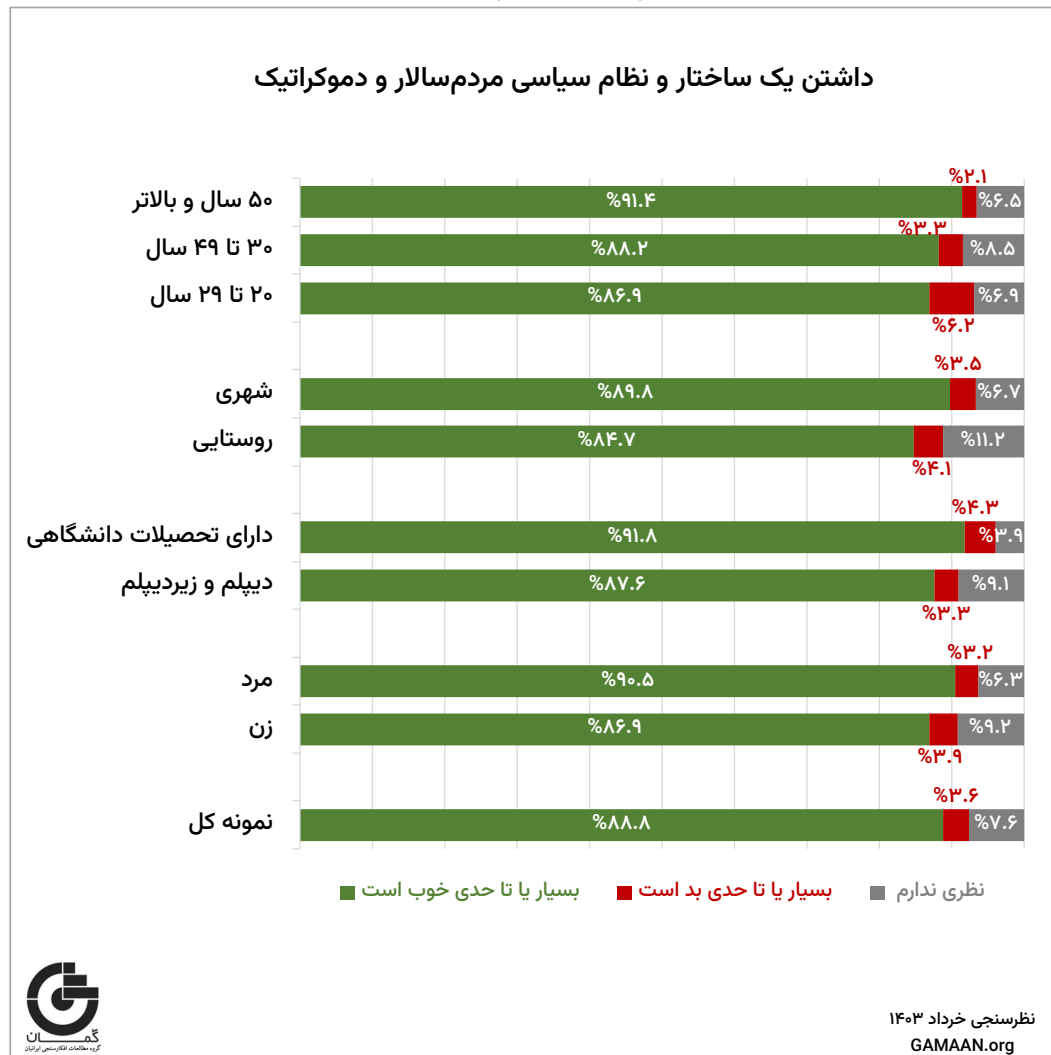
نمودار ۷ نگرش جامعه به « داشتن یک ساختار و نظام سیاسی مردم‌سالار و دموکراتیک » را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد.

تفکیک رده‌های سنی نشان می‌دهد که حمایت از نظام دموکراتیک در همه گروه‌های سنی بسیار بالاست. در گروه ۵۰ سال و بالاتر این حمایت به ۹۱٪ رسیده که بالاترین میزان در میان گروه‌های سنی است و تنها ۲٪ آن را بد ارزیابی کرده‌اند. در گروه‌های میانسال (۳۰ تا ۴۹ سال) این حمایت ۸۸٪ و در گروه جوانان (۲۰ تا ۲۹ سال) نیز ۸۷٪ است. در نگاه اول، این ارقام حاکی از آن است که افراد مسن‌تر تا حدی بیشتر از سایر گروه‌های سنی از دموکراسی حمایت می‌کنند، اما یافته‌های بعدی دربارهٔ حکومت اقتدارگرا نشان می‌دهد این صرفاً یک برداشت ظاهری است.

از نظر جنسیت، مردان با ۹۰٪ بیشترین میزان حمایت را نشان داده‌اند و تنها ۳٪ آن را بد دانسته‌اند. همچنین سهم کسانی که نظری نداشته‌اند در میان زنان (۹٪) بالاتر از مردان (۶٪) است.

تحلیل داده‌ها بر اساس سطح تحصیلات بیانگر این است که هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، گرایش مثبت به دموکراسی نیز بیشتر می‌شود. افراد دارای تحصیلات عالی با ۹۲٪ حمایت و تنها ۴٪ مخالفت، بالاترین سطح تمایل را به این نوع نظام نشان داده‌اند. همچنین، افراد فاقد تحصیلات عالی هم با ۸۸٪ حمایت بالایی از این شکل حکمرانی دارند و در میان این گروه، کسانی که نظری نداشته‌اند (۹٪) حدود دو برابر افراد دارای تحصیلات عالی (۴٪) است.

نمودار ۷: نگرش ایرانیان به «ساختار و نظام سیاسی مردم‌سالار و دموکراتیک» به تفکیک گروه‌های جمعیتی

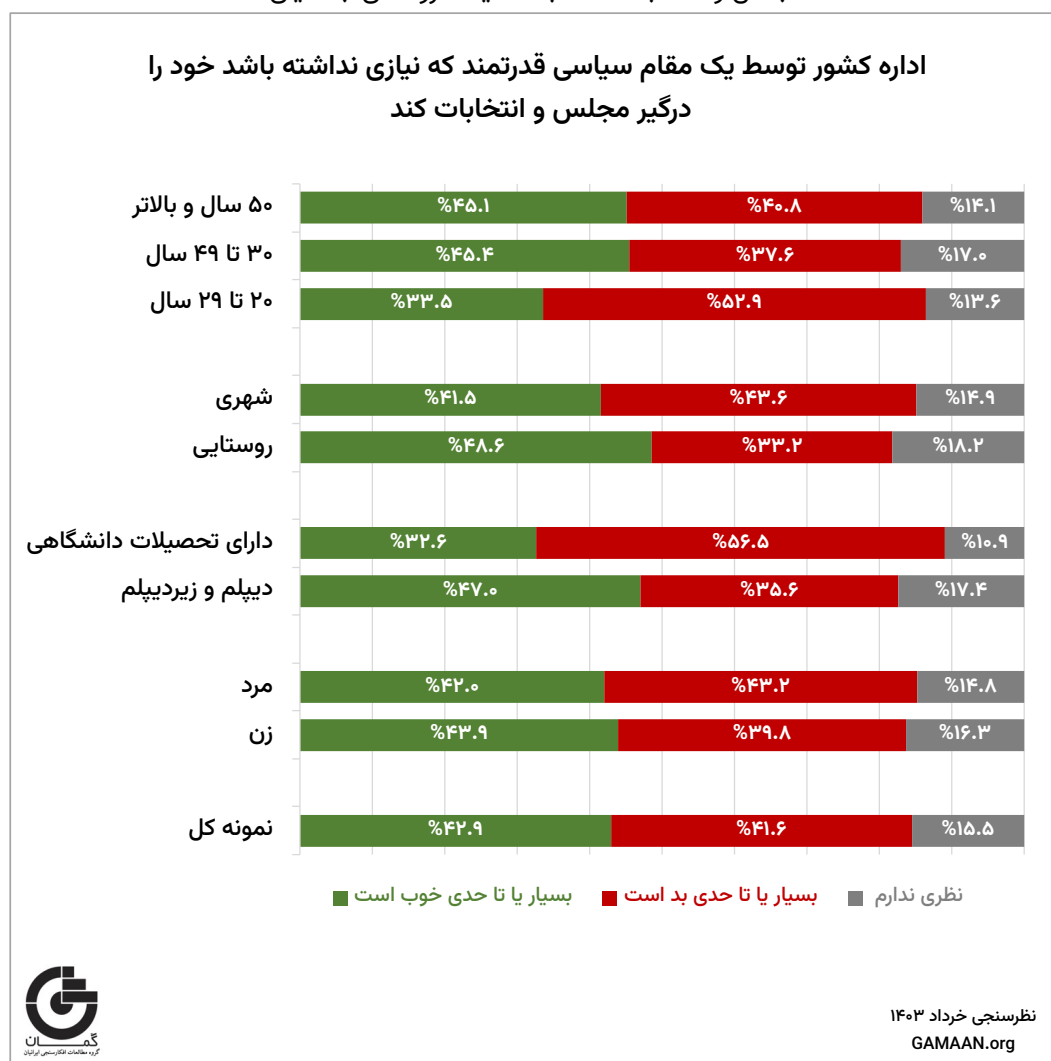


نتایج به تفکیک محل سکونت نیز حاکی از آن است که شهرنشینان با حدود ۹۰٪ حمایت و تنها ۳٪ مخالفت، گرایش قوی‌تری به نظام مردم‌سالار دارند. این در حالی است که در میان روستاییان، اگرچه حمایت همچنان بسیار بالاست (۸۵٪)، اما کمی پایین‌تر از شهرنشینان بوده و مخالفت نیز با ۴٪ اندکی بیشتر است. همچنین سهم کسانی که نظری نداشته‌اند در روستاها (۱۱٪) قابل توجه است.

۲-۲ نگرش به حکومت اقتدارگرایی فردی به تفکیک گروه‌های جمعیتی

نمودار ۸ نگرش جامعه به شیوه «اداره کشور توسط یک مقام سیاسی قدرتمند که نیازی نداشته باشد خود را درگیر مجلس و انتخابات کند» یا همان «حکومت اقتدارگرایی فردی» را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد.

نمودار ۸: نگرش ایرانیان به شیوه «اداره کشور توسط یک مقام سیاسی قدرتمند که نیازی نداشته باشد خود را درگیر مجلس و انتخابات کند» به تفکیک گروه‌های جمعیتی



با نگاهی به تفاوت‌های سنی مشاهده می‌شود که در گروه ۲۰ تا ۲۹ سال، تمایل به مخالفت با چنین ساختاری بسیار بالاتر است؛ به‌طوری که بیش از نیمی از آنها (۵۳٪) آن را نامطلوب دانسته‌اند و تنها حدود ۳۴٪ نظر مساعدی داشته‌اند. در مقابل، در گروه‌های سنی بالاتر یعنی ۳۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال و بالاتر، درصد حمایت به حدود ۴۵٪ می‌رسد و مخالفت‌ها در حدود ۳۸ تا ۴۱ درصد قرار دارد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، پذیرش نسبت به ایده حکومت فردمحور و اقتدارگرا کمی بیشتر می‌شود، هرچند همچنان بخش قابل توجهی در این گروه‌ها نیز با چنین ساختاری مخالفت می‌کنند.

از منظر جنسیت، نتایج نشان می‌دهد که تفاوت قابل توجهی میان مردان و زنان وجود ندارد. حدود ۴۲٪ از مردان و ۴۴٪ از زنان با این مدل حکمرانی موافق‌اند، در حالی که سطح مخالفت در میان مردان اندکی بالاتر است (۴۳٪ در برابر ۴۰٪). همچنین سهم کسانی که نظری نداشته‌اند در میان زنان کمی

بیشتر بوده است. این ارقام بیانگر آن است که هرچند تفاوت معناداری در رویکردهای مردان و زنان به این موضوع وجود ندارد، زنان کمی بیشتر تمایل به ابراز بی‌نظری داشته‌اند.

تحلیل بر اساس تحصیلات نشان می‌دهد که افراد دارای تحصیلات عالی بیش از سایر گروه‌ها با ایده حکومت اقتدارگرا مخالفت می‌کنند. در میان این گروه، تنها ۳۳٪ ساختار مبتنی بر یک رهبر سیاسی اقتدارگرا را مطلوب دانسته‌اند، در حالی که بیش از ۵۶٪ با آن مخالفت کرده‌اند. در مقابل، در میان افرادی که تحصیلات عالی ندارند، نسبت موافقان به حدود ۴۷٪ افزایش یافته و مخالفان به ۳۶٪ کاهش یافته است. این شکاف نشان می‌دهد که هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، تمایل به پذیرش تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد کاهش می‌یابد.

بررسی بر اساس منطقه سکونت نیز بیانگر آن است که ساکنان روستاها بیش از شهرنشینان به این ساختار گرایش دارند. در میان روستاییان، حدود ۴۹٪ از چنین مدلی حمایت کرده‌اند، در حالی که این رقم در شهرها حدود ۴۲٪ است. همچنین سطح مخالفت در شهرها بالاتر است (۴۴٪ در مقابل ۳۳٪ در روستاها). سهم کسانی که نظری نداشته‌اند نیز در روستاها بیشتر است (۱۸٪) که می‌تواند نشان‌دهنده نوعی بی‌تفاوتی یا کم‌اطلاعی باشد.

در مجموع، می‌توان گفت که نگرش جامعه به اداره کشور توسط یک مقام سیاسی اقتدارگرا، برخلاف نگرش تقریباً فراگیر نسبت به دموکراسی، دوپاره و به نوعی قطبی شده است. هرچند در برخی گروه‌ها مانند افراد فاقد تحصیلات عالی و روستاییان گرایش به این شیوه حکمرانی بیشتر است، اما در گروه‌های جوان‌تر، تحصیل‌کرده‌تر و شهرنشین‌تر، مخالفت بیشتری با این نوع حکومت وجود دارد.

۲-۳ نگرش به حکومت دینی به تفکیک گروه‌های جمعیتی

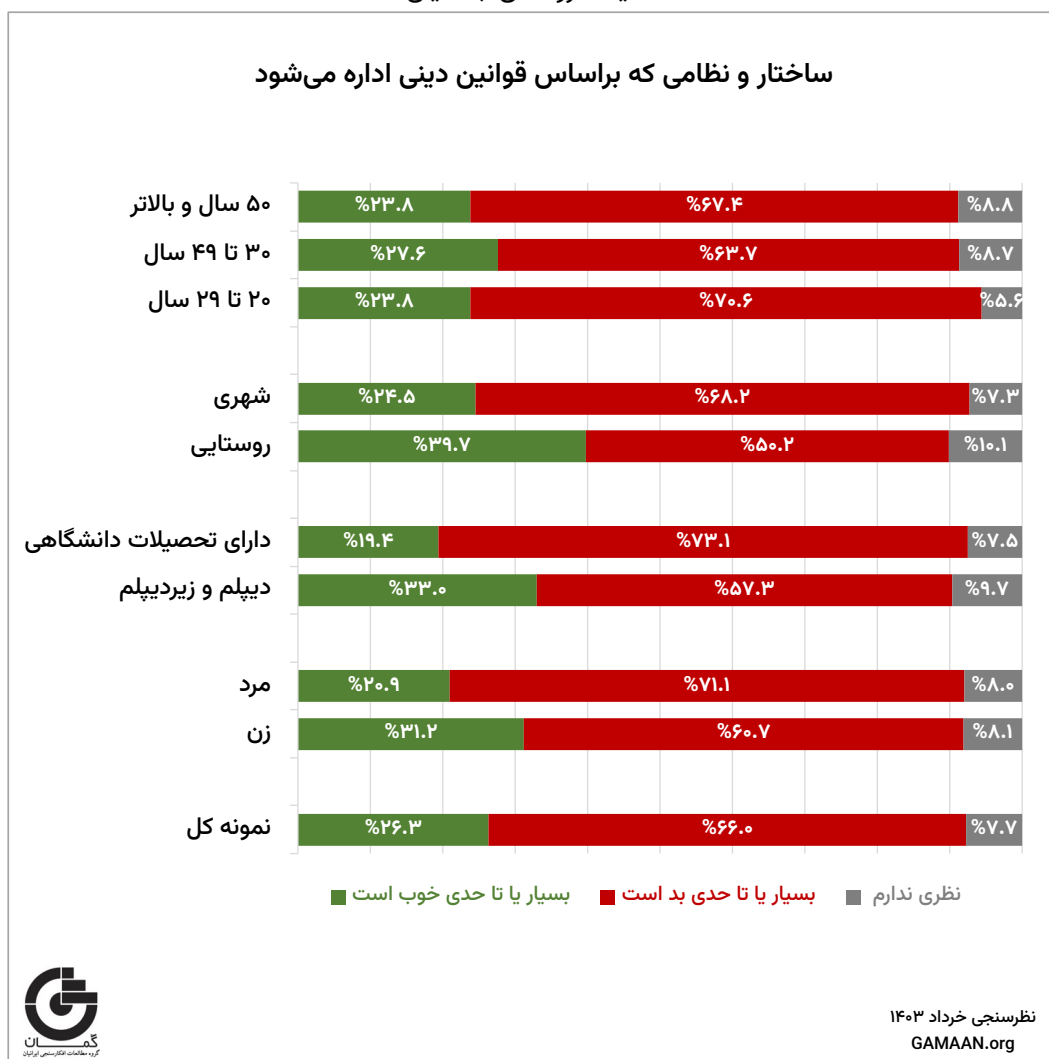
نمودار ۹ نگرش جامعه به «ساختار و نظامی که براساس قوانین دینی اداره شود» را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد.

تفکیک این نتایج بر اساس گروه‌های سنی بیانگر آن است که در هر سه بازه سنی (۲۰ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۴۹ سال، و ۵۰ سال به بالا) اکثریت قابل توجهی مخالف چنین نظامی هستند. بیشترین میزان نارضایتی از چنین ساختار حکمرانی در میان گروه سنی جوانتر (۲۰ تا ۲۹ سال) با حدود ۷۱٪ مخالفت بوده است و کمترین میزان مخالفت در میان رده سنی میانسالان (۶۴٪) بوده است. با این وجود، حتی در میان میانسالان نیز حمایت از چنین شیوه حکمرانی گسترده نیست.

از منظر جنسیتی، زنان نسبت به مردان حمایت بیشتری از نظام دینی نشان می‌دهند: ۳۱٪ از زنان آن را مثبت ارزیابی کرده‌اند، در حالی که تنها ۲۱٪ مردان از نظام دینی حمایت کرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، این امر ممکن است با سطح بالاتر دینداری در میان زنان مرتبط باشد. یافته‌های پیمایش ارزش‌های جهانی در سال ۲۰۲۰ در خصوص همین شیوه حکمرانی، تفاوتی مشابه میان زنان و مردان

را نشان میدهد. با این حال، در هر دو گروه زنان و مردان، اکثریت قاطع با حکومت دینی مخالفاند (به‌ویژه در میان مردان که بیش از ۷۱٪ مخالفت خود را اعلام کرده‌اند).

نمودار ۹: نگرش ایرانیان به شیوه اداره کشور با استفاده از «ساختار و نظامی که براساس قوانین دینی اداره می‌شود» به تفکیک گروه‌های جمعیتی



تحلیل داده‌ها بر اساس میزان تحصیلات حاکی از آن است که با افزایش سطح تحصیلات، مخالفت با ساختار مبتنی بر قوانین دینی افزایش می‌یابد. در میان افراد دارای تحصیلات عالی، تنها ۱۹٪ از این نوع نظام حمایت کرده‌اند، در حالی که در گروه فاقد تحصیلات عالی این رقم به ۳۳٪ می‌رسد. این یافته نشان می‌دهد تحصیل‌کردگان نگرش انتقادی‌تری به حکومت دینی دارند.

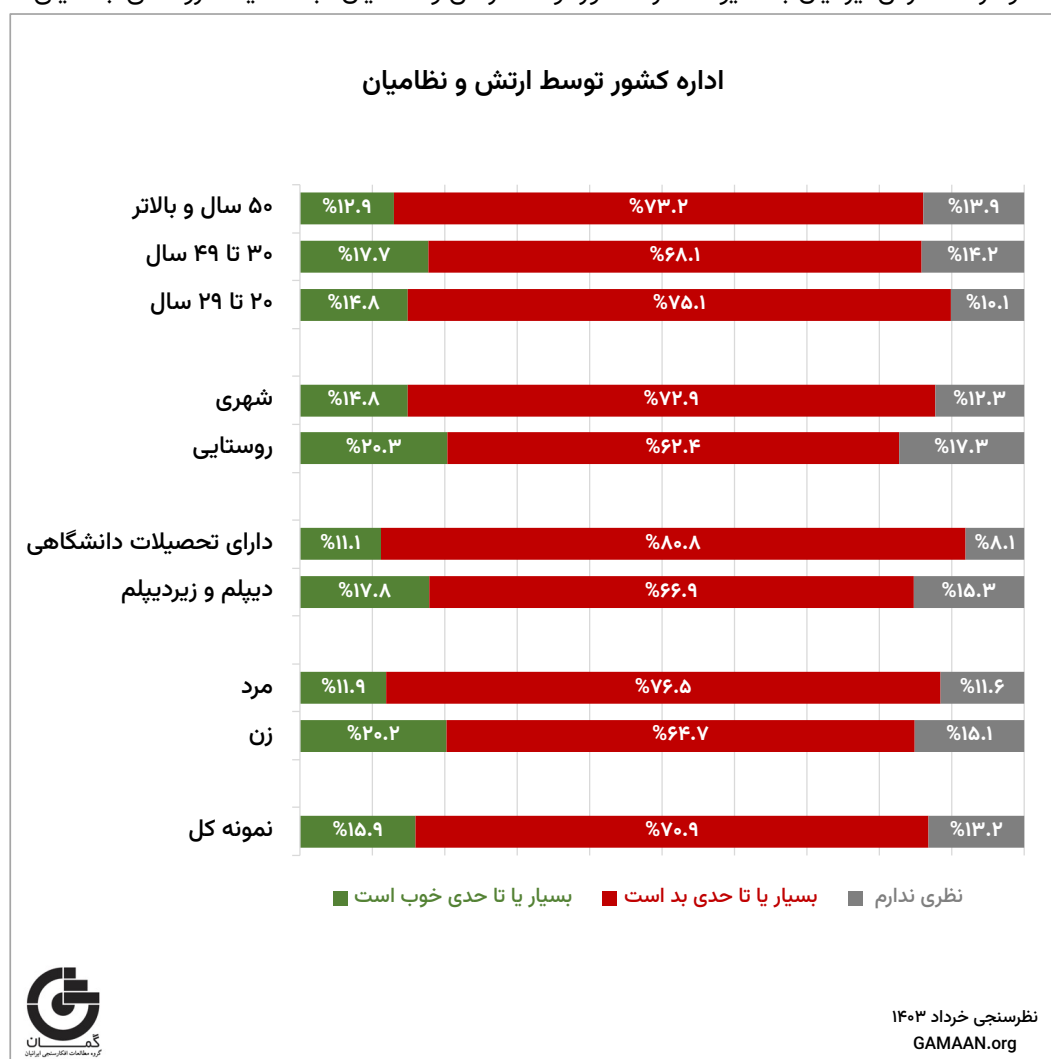
در نهایت، بررسی نتایج به تفکیک منطقه سکونت نشان می‌دهد که تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان شهرنشینان و روستاییان وجود دارد. در مناطق شهری تنها ۲۴٪ از چنین نظامی حمایت کرده‌اند، در حالی که در مناطق روستایی این میزان به حدود ۴۰٪ رسیده است. با این حال، حتی در روستاها نیز نیمی از پاسخ‌دهندگان مخالف اداره کشور بر اساس قوانین دینی هستند.

به طور کلی، این نتایج حاکی از آن است که حاکمیت مبتنی بر قوانین دینی در میان جامعه ایران محبوبیت کمی دارد و تنها در برخی گروه‌های خاص، مانند روستاییان و افراد با تحصیلات پایین‌تر، از حمایت نسبی بیشتری برخوردار است.

۴-۲ نگرش به حکومت نظامیان به تفکیک گروه‌های جمعیتی

نمودار ۱۰ نگرش جامعه به شیوه «اداره کشور توسط ارتش و نظامیان» یا همان «حکومت نظامیان» را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد.

نمودار ۱۰: نگرش ایرانیان به شیوه «اداره کشور توسط ارتش و نظامیان» به تفکیک گروه‌های جمعیتی



با نگاهی به تفاوت‌های سنی، مشخص می‌شود که در تمامی گروه‌های سنی گرایش به مخالفت با این ایده غالب است. در میان جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله، تنها ۱۵٪ با این مدل حکمرانی موافقت و در مقابل، ۷۵٪ آن را نامطلوب می‌دانند. در گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال نیز حدود ۱۸٪ نظر مثبت داشته‌اند و ۶۸٪

مخالفت نشان داده‌اند. در افراد ۵۰ سال و بالاتر، میزان حمایت به ۱۳٪ کاهش یافته و مخالفت به ۷۳٪ رسیده است. این روند نشان می‌دهد که در هر سه رده سنی، گرایش قوی به مخالفت با حکومت نظامیان وجود دارد، هرچند جوانان کمی بیشتر از دیگر رده‌های سنی با این شیوه حکمرانی مخالفت کرده‌اند.

از منظر جنسیت، مردان با ۱۲٪ حمایت و ۷۶٪ مخالفت، بیش از زنان با چنین ساختاری مخالفند. در مقابل، در میان زنان ۲۰٪ از این نوع حکومت حمایت کرده‌اند و ۶۵٪ مخالفت نشان داده‌اند. همچنین درصد کسانی که نظری نداشته‌اند در میان زنان کمی بیشتر از مردان است. نتایج پیمایش ارزش‌های جهانی در سال ۲۰۲۰ در مورد همین پرسش، الگوی مشابهی را میان زنان و مردان نشان داده است. میزان حمایت بیشتر زنان نسبت به مردان از حکومت نظامیان می‌تواند موضوع قابل توجهی برای تحقیقات بیشتر باشد.

بررسی براساس سطح تحصیلات نشان می‌دهد که هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، مخالفت با حکومت نظامیان نیز افزایش می‌یابد. در میان افراد دارای تحصیلات عالی، تنها ۱۱٪ چنین مدلی را مطلوب دانسته‌اند و ۸۱٪ مخالفت کرده‌اند. این در حالی است که در میان کسانی که فاقد تحصیلات عالی‌اند، حمایت به ۱۸٪ رسیده و سطح مخالفت به ۶۷٪ کاهش یافته است. این تفاوت معنادار نشان می‌دهد که تحصیل‌کردگان نگرش انتقادی‌تری به اداره کشور توسط ارتش و نظامیان دارند.

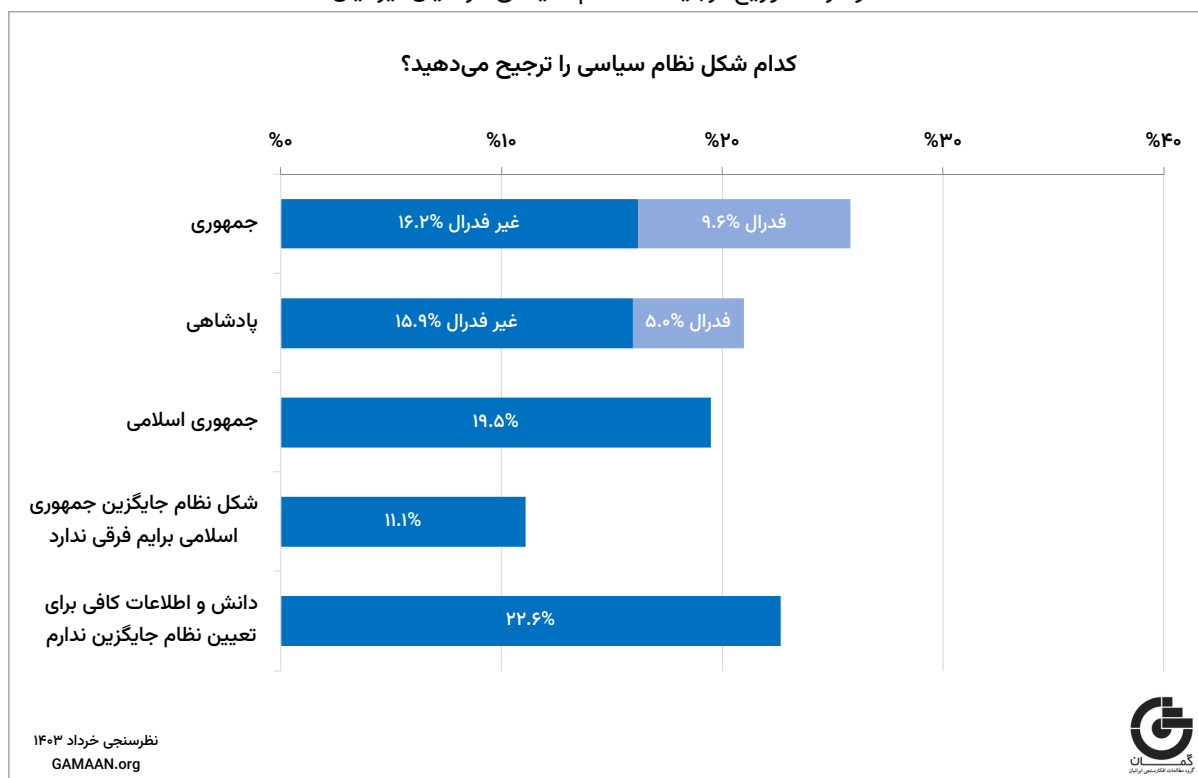
از حیث منطقه سکونت نیز تفاوت محسوسی مشاهده می‌شود. در روستاها، حدود ۲۰٪ از حکومت نظامیان حمایت کرده‌اند و حدود ۶۲٪ مخالفت نشان داده‌اند، در حالی که در شهرها این میزان حمایت به ۱۵٪ کاهش یافته و مخالفت به ۷۳٪ رسیده است. همچنین سهم کسانی که نظری نداشته‌اند در روستاها با ۱۷٪ بیشترین میزان را دارد و بطور قابل توجهی از شهرها (۱۲٪) بیشتر است.

در مجموع، این یافته‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که ایده اداره کشور توسط ارتش و نظامیان در سطح جامعه به‌طور گسترده‌ای نامحبوب است.

بخش سوم: نظام و ساختار سیاسی مطلوب

در این بخش دیدگاه ایرانیان درباره انواع نظامها و ساختارهای سیاسی برطبق نتایج نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمودار ۱۱ ترجیحات جامعه در مورد شکل نظام سیاسی کشور را نشان می‌دهد.

نمودار ۱۱: توزیع ترجیحات نظام سیاسی در میان ایرانیان



نتایج این نمودار نشان می‌دهد که تنها حدود یک‌پنجم (۱۹.۵٪) از جامعه ترجیح می‌دهند نظام جمهوری اسلامی ادامه یابد. در مقابل، اکثریت پاسخ‌دهندگان خواهان تغییر نظام جمهوری اسلامی هستند، و خواهان شکل و ساختار متفاوتی مانند جمهوری (سکولار)، پادشاهی (مشروطه)، یا ساختارهایی با تمرکز کمتر هستند.

حدود ۲۶٪ خواهان نظام جمهوری (سکولار) هستند (جمهوری ۱۶٪ + جمهوری فدرال ۱۰٪)، و حدود ۲۱٪ نیز از نظام پادشاهی حمایت می‌کنند (پادشاهی ۱۶٪ + پادشاهی فدرال ۵٪).

گروهی که گفته‌اند «شکل نظام جایگزین برایم فرقی ندارد»، یعنی ۱۱٪ جامعه آماری، نیز در واقع خواهان تغییر هستند، اما ترجیح خاصی بین گزینه‌های جایگزین ندارند.

بیش از ۲۲٪ از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که اطلاعات کافی برای پاسخ دادن به سوال «شکل نظام سیاسی مطلوب جایگزین جمهوری اسلامی» ندارند، که می‌تواند ناشی از بی‌تفاوتی یا عدم دانش عمومی کافی درباره مشخصات انواع نظام‌های سیاسی و مزایا و چالش‌های هر کدام باشد.

همچنین حدود ۱۵٪ از پاسخ‌دهندگان از ساختار فدرال حمایت کرده‌اند، چه در قالب جمهوری فدرال (۱۰٪) و چه پادشاهی فدرال (۵٪). این میزان نشان‌دهنده‌ی حمایت قابل‌توجهی از تمرکززدایی و توزیع قدرت در سطح کشور است.

۳-۱ ترجیحات نظام سیاسی به تفکیک گروه‌های جمعیتی

نمودار ۱۲ توزیع ترجیحات نظام سیاسی به تفکیک گروه‌های جمعیتی را نشان می‌دهد. در نتایج به‌دست‌آمده از ترجیحات نظام سیاسی جایگزین جمهوری اسلامی، شکاف‌های معناداری در میان گروه‌های جمعیتی مختلف مشاهده می‌شود. این شکاف‌ها نه تنها نشان‌دهنده تفاوت‌های نگرشی در جامعه هستند، بلکه می‌توانند بازتابی از عوامل اجتماعی-فرهنگی، تاریخی و تجربه‌های زیسته متفاوت هر گروه باشند.

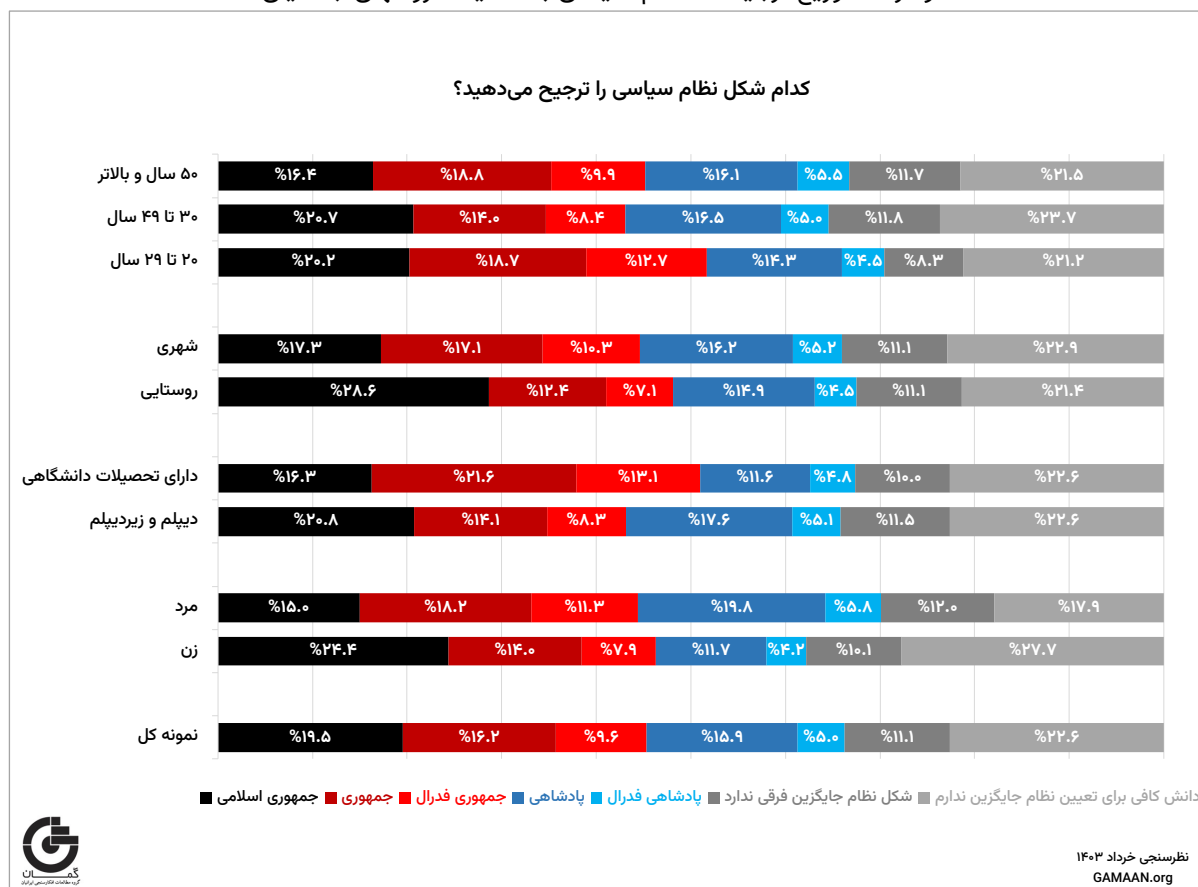
در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، حدود ۳۱٪ از پاسخ‌دهندگان ترجیح خود را برای نوعی از جمهوری (غیرفدرال یا فدرال) اعلام کرده‌اند، که بالاتر از میانگین کل جامعه است. همچنین، میزان کسانی که گفته‌اند شکل نظام برایشان فرقی ندارد، در این گروه از همه کمتر است. این نشان می‌دهد که جوان‌ترها انتخاب‌های سیاسی مشخص‌تری دارند.

توزیع ترجیحات نظام سیاسی در رده سنی ۳۰ تا ۴۹ سال، شباهت زیادی به میانگین کل جامعه دارد. این گروه را می‌توان بازتابی از تصویر کلی جامعه در نظر گرفت. در عین حال، میزان بی‌اطلاعی یا عدم تمایل به پاسخ نیز در این گروه بالاتر از سایر رده‌های سنی است.

رده سنی ۵۰ سال به بالا، کمترین حمایت را از نظام جمهوری اسلامی دارند (حدود ۱۶٪). این ممکن است به دلیل آشنایی مستقیم افراد مسن‌تر با دوره پیش از انقلاب ۵۷ و امکان مقایسه تاریخی باشد. از سوی دیگر، در میان این گروه سنی میزان حمایت از نظام جمهوری بالاتر از میانگین جامعه است (۱۹٪) که شاید آن هم به دلیل تجربه زیستن بخشی از این گروه در نظام پادشاهی و شناخت نسبی از مشکلات آن در ایران باشد.

از منظر جغرافیای محل سکونت، تفاوتی معنادار بین پاسخ‌دهندگان شهری و روستایی دیده می‌شود. ساکنان مناطق روستایی با ۲۹٪ بالاترین سطح حمایت از جمهوری اسلامی را ابراز کرده‌اند؛ در حالی که این میزان در مناطق شهری حدود ۱۷٪ است. در مقابل، تمایل به نظام‌های جایگزین سکولار و غیرمتمرکز در مناطق شهری محسوس‌تر است.

نمودار ۱۲: توزیع ترجیحات نظام سیاسی به تفکیک گروههای جمعیتی



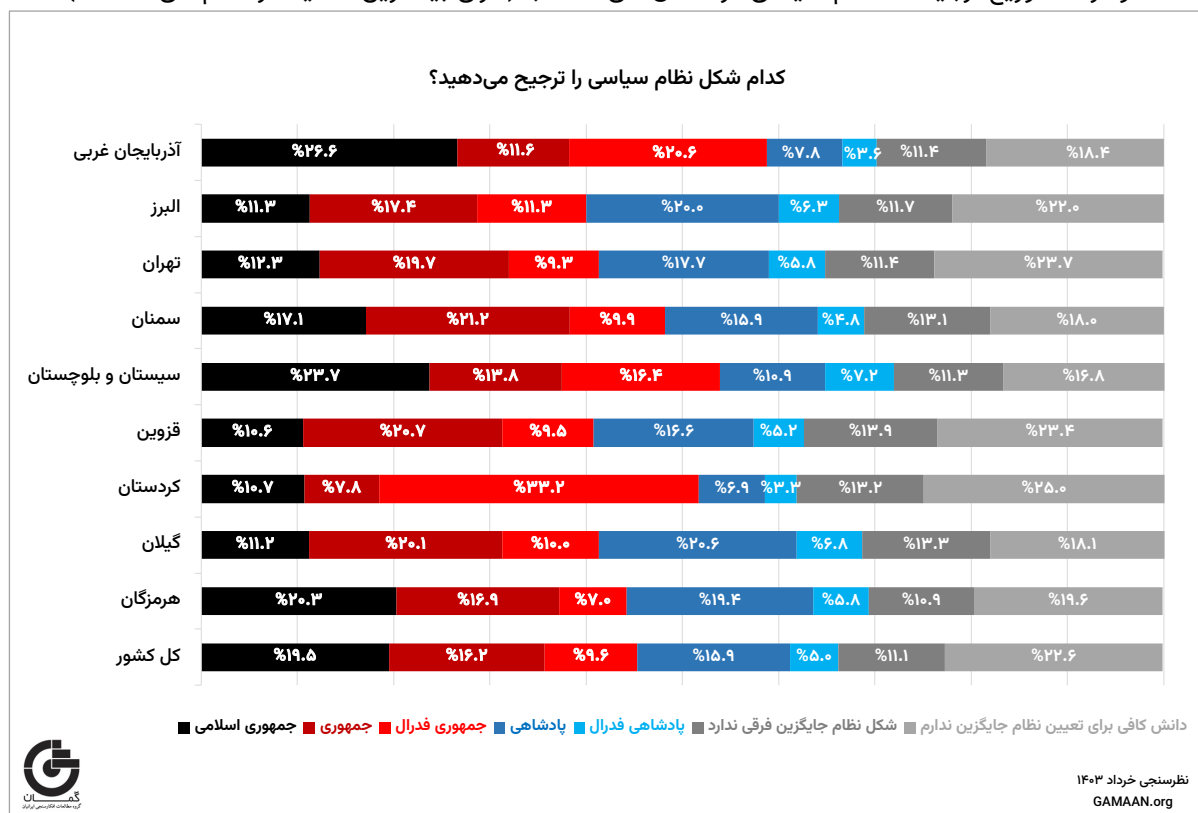
تحصیلات نیز از عوامل بسیار تعیین‌کننده در ترجیح نظام سیاسی است. همانطور که در نمودار ۱۲ دیده می‌شود، افراد دارای تحصیلات عالی (دارای مدرک دانشگاهی) بیشتر از دیگران از جمهوری خواهی (۲۲٪) و ساختارهای فدرال (۱۳٪) حمایت می‌کنند و کمترین میزان حمایت از نظام پادشاهی را دارند (۱۲٪). در مقابل، کسانی که فاقد تحصیلات عالی هستند گرایش بیشتری به جمهوری اسلامی (۲۱٪) و نظام پادشاهی دارند (۱۸٪).

از سوی دیگر، جنسیت هم نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجیح نظام سیاسی دارد. مردان بطور قابل توجهی بیش از زنان از نظام پادشاهی حمایت می‌کنند (۲۰٪ در برابر ۱۲٪). از سوی دیگر، زنان بطور قابل توجهی بیش از مردان (۲۸٪ در برابر ۱۸٪) اظهار داشتند که دانش و اطلاعات کافی برای تصمیم درباره نظام جایگزین ندارند. این امر ممکن است نشان دهد که زنان، در مقایسه با مردان، فرصت‌های کمتری برای دسترسی به اطلاعات داشته‌اند، یا شاید نشان دهد که زنان راحت‌تر می‌پذیرند که درباره این موضوع پیچیده، آگاهی کافی ندارند.

۳-۲ ترجیحات نظام سیاسی بر اساس محل سکونت

نمودار ۱۳ مقایسه‌ای است میان ترجیحات سیاسی مردم در ۹ استان که بیشترین میزان طرفداری از شکل‌ها و ساختارهای سیاسی مختلف را دارند.

نمودار ۱۳: توزیع ترجیحات نظام سیاسی در استان‌های منتخب (دارای بیشترین حمایت از نظام‌های مختلف)



در نمودار ۱۴ نظام‌های دارای ویژگی مشترک تجمیع شده‌اند؛ در این نمودار، جمهوری و پادشاهی شامل مجموع هر دو شکل غیرفدرال و فدرال شده‌اند، و ساختار فدرال نیز مجموع طرفداران جمهوری فدرال و پادشاهی فدرال را در بر می‌گیرد.

نتایج این نمودارها نشان می‌دهد که بالاترین میزان حمایت از نظام جمهوری (غیر فدرال) در استان‌های سمنان (۲۱٪)، قزوین (۲۱٪)، گیلان (۲۰٪) و تهران (۲۰٪) دیده می‌شود. حمایت از نظام جمهوری فدرال، در استان کردستان بیشترین میزان را دارد (۳۳٪) و بعد از آن، استانهای آذربایجان غربی (۲۱٪) و سیستان و بلوچستان (۱۶٪) قرار دارند.

بالاترین حمایت از نظام جمهوری (غیرفدرال یا فدرال) در استان کردستان با ۴۱٪ دیده می‌شود. پس از آن، آذربایجان غربی (۳۲٪) و سمنان (۳۱٪)، سیستان و بلوچستان (۳۰٪) و گیلان (۳۰٪) قرار دارند.

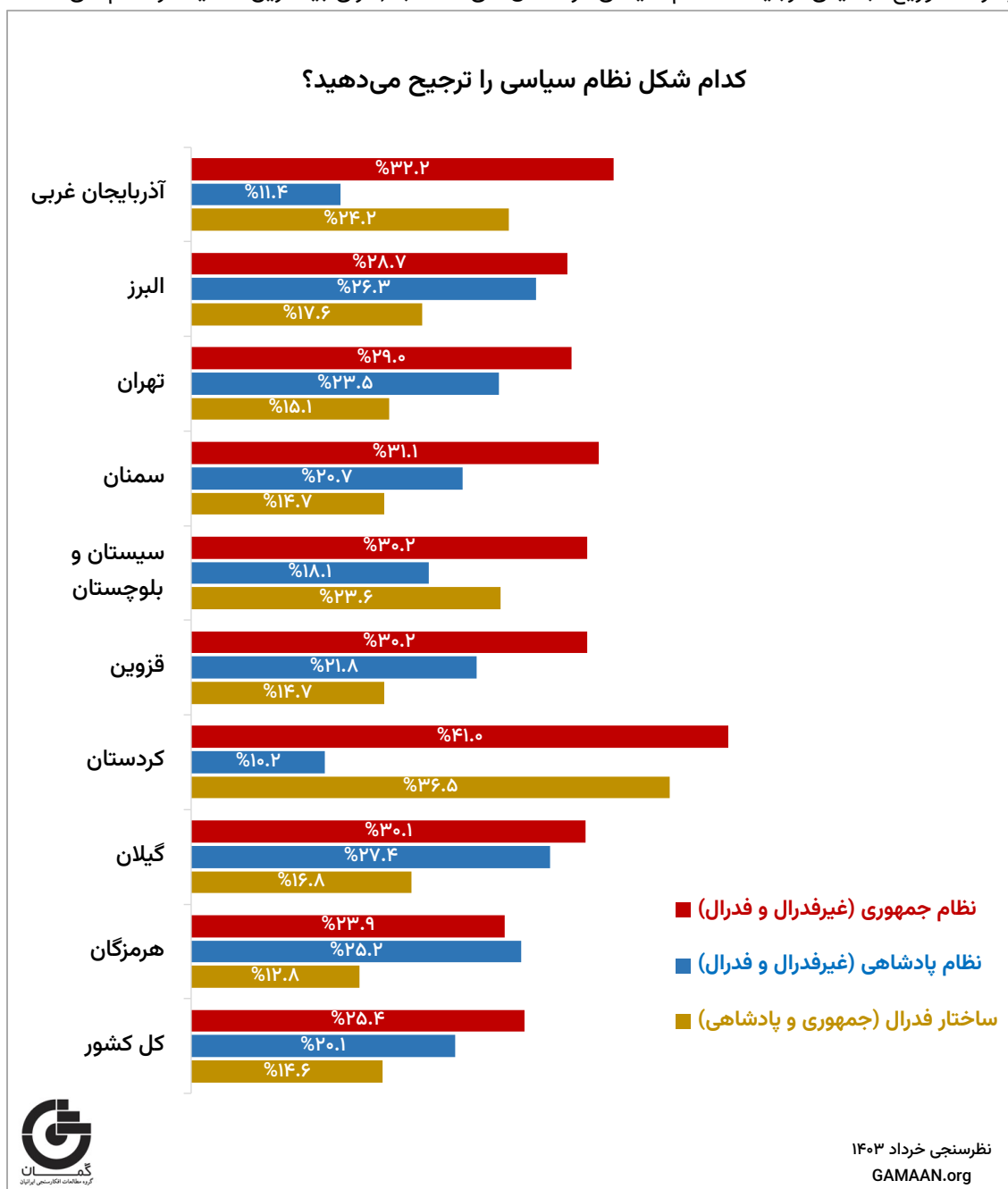
میزان حمایت از نظام پادشاهی (غیر فدرال) در استان‌های گیلان (۲۱٪)، البرز (۲۰٪) و هرمزگان (۱۹٪) بیشتر از دیگر استانهاست. همچنین با در نظر گرفتن حمایت از نظام پادشاهی فدرال، باز هم بیشترین حمایت از نظام پادشاهی (غیرفدرال یا فدرال) در استان گیلان با ۲۷٪ ثبت شده است، و بعد از آن البرز (۲۶٪) و هرمزگان (۲۵٪) قرار دارند. در مقابل، کمترین میزان حمایت از نظام پادشاهی، در استانهای کردستان (۱۰٪) و آذربایجان غربی (۱۱٪) مشاهده می‌شود.

حمایت از ساختار فدرال (صرفنظر از شکل نظام) نیز در کردستان با ۳۷٪ بالاترین سطح را دارد. استان‌های آذربایجان غربی (۲۴٪) و سیستان و بلوچستان (۲۴٪) نیز در رتبه‌های بعدی حمایت از ساختار فدرال قرار دارند.

کمترین میزان حمایت از جمهوری اسلامی در استانهای قزوین، کردستان، گیلان، البرز و تهران مشاهده می‌شود.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که ترجیحات سیاسی در سطح استانی تا حد زیادی متنوع است.

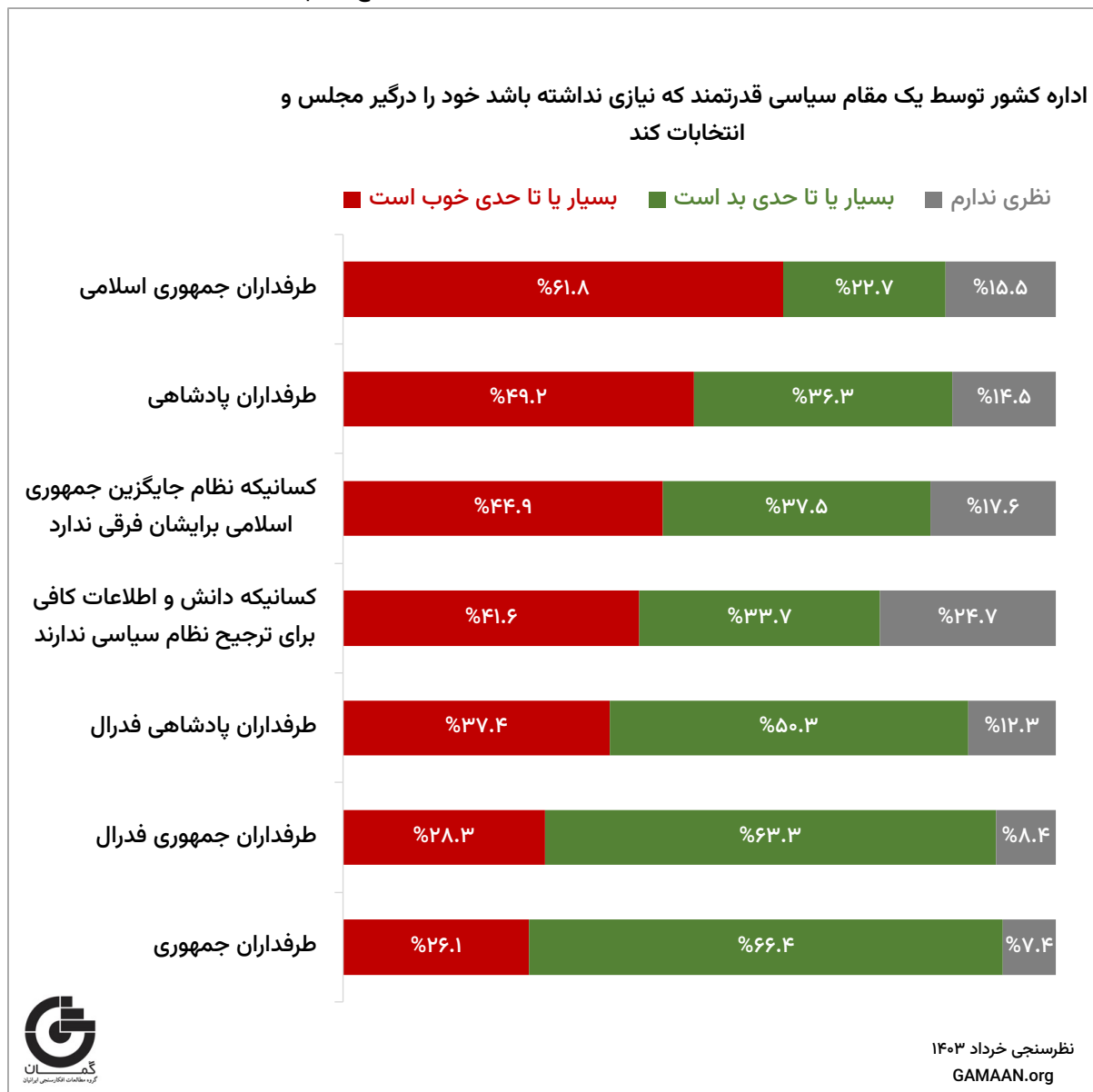
نمودار ۱۴: توزیع تجمیعی ترجیحات نظام سیاسی در استان‌های منتخب (دارای بیشترین حمایت از نظام‌های مختلف)



۳-۳ رابطه میان ترجیح نظام سیاسی و شیوه حکمرانی اقتدارگرا

نمودار ۱۵ نشان می‌دهد که در میان طرفداران هر یک از انواع نظام‌های سیاسی، چه میزان تمایل به شیوه حکمرانی اقتدارگرای فردمحور وجود دارد.

نمودار ۱۵: گرایش به اقتدارگرایی فردی در میان طرفداران انواع نظام‌های سیاسی



داده‌های این نمودار نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان ترجیح نوع نظام سیاسی و نگرش به ایده «اقتدارگرایی فردی» وجود دارد. در بالای نمودار، طرفداران جمهوری اسلامی با اختلاف قابل توجهی، بالاترین سطح حمایت از چنین ساختاری را نشان داده‌اند؛ به‌طوری که حدود ۶۲٪ از آنان، شیوه حکمرانی اقتدارگرا را «بسیار یا تا حدی خوب» ارزیابی کرده‌اند و تنها ۲۳٪ با آن مخالفت کرده‌اند، در

حالی که ۱۵٪ نیز نظری نداشته‌اند. این ارقام بیانگر تمایل قوی هواداران جمهوری اسلامی به رویکردهای انحصارگرا و اقتدارمحور است.

پس از آن، طرفداران نظام پادشاهی با حدود ۴۹٪ حمایت و ۳۶٪ مخالفت، در جایگاه دوم از نظر تمایل به حکومت اقتدارگرایی فردی قرار دارند. درصد قابل توجهی (حدود ۱۴٪) از آنان نیز نظری نداشته‌اند.

در گروه افرادی که اعلام کرده‌اند «شکل نظام جایگزین جمهوری اسلامی برایشان فرقی ندارد»، گرایش به این شیوه حکمرانی نسبتاً بالا بوده (حدود ۴۵٪)، در حالی که ۳۷٪ ابراز مخالفت داشته‌اند و ۱۸٪ نظری ابراز نکرده‌اند. این اعداد نشان می‌دهد که در میان این گروه نیز تمایل به پذیرش قدرت انحصاری نسبتاً بالاست.

در میان کسانی که دانش و اطلاعات کافی برای پاسخ به پرسش ترجیح نظام سیاسی نداشته‌اند نیز، حدود ۴۲٪ با چنین ساختاری موافقت کرده‌اند، ۳۴٪ مخالفت نشان داده‌اند و درصد بی‌نظران در این گروه به ۲۵٪ رسیده است که بالاترین میزان در میان همه گروه‌هاست. این نتایج حاکی از میزان قابل توجه بی‌اطلاعی و بی‌تفاوتی در این قشر از جامعه است.

در نقطه مقابل، طرفداران نظام جمهوری، جمهوری فدرال و پادشاهی فدرال به‌طور معناداری بیشترین میزان مخالفت با اقتدارگرایی فردی را نشان داده‌اند. در میان طرفداران نظام جمهوری، تنها ۲۶٪ شیوه حکمرانی اقتدارگرایی فردی را مطلوب دانسته‌اند و نزدیک به دوسوم آنان (۶۶٪) با آن مخالفت کرده‌اند. در میان هواداران جمهوری فدرال نیز تنها ۲۸٪ از این شیوه حمایت کرده‌اند، در حالی که ۶۳٪ مخالفت داشته‌اند. طرفداران پادشاهی فدرال نیز با ۳۷٪ حمایت و ۵۰٪ مخالفت، موضع‌گیری میانه‌ای دارند که نشان‌دهنده تضعیف ایده اقتدارگرایی در ساختارهای فدرالی است.

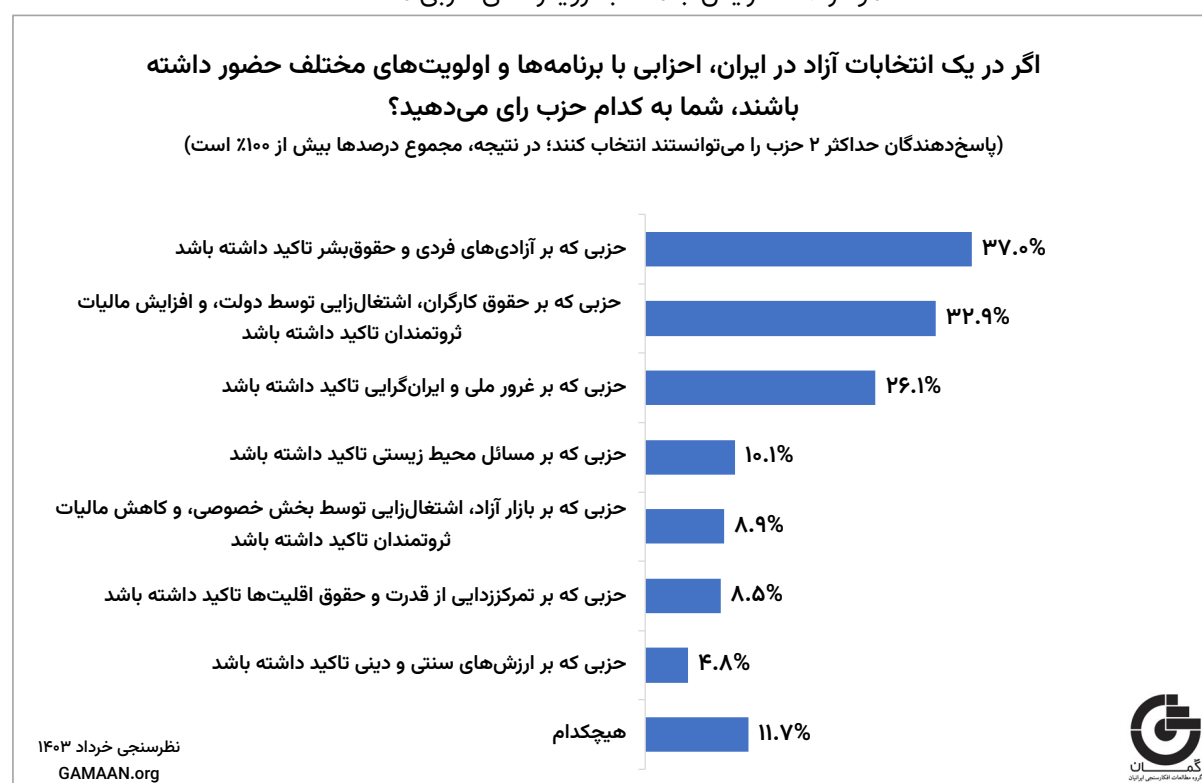
در مجموع، این داده‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که هرچه ترجیح افراد به سمت نظام‌های غیر متمرکز به فرد، دارای توزیع قدرت دموکراتیک‌تر و غیرمتمرکزتر می‌رود (مانند جمهوری، جمهوری فدرال یا پادشاهی فدرال)، سطح مخالفت آنان با ایده حکومت متمرکز فردی نیز افزایش می‌یابد. این در حالی است که در میان طرفداران نظام‌های تمرکزگرا و فردمحور مانند جمهوری اسلامی و پادشاهی، تمایل به پذیرش اقتدارگرایی فردی چشمگیرتر است.

بخش چهارم: گرایش به احزاب و ایدئولوژی‌های سیاسی

در این بخش دیدگاه ایرانیان درباره رویکردهای حزبی و ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ هر پاسخ‌دهنده می‌توانست حداکثر دو گرایش حزبی را انتخاب کند (به همین دلیل مجموع درصدها در نمودار ۱۶ بیش از ۱۰۰٪ است).

نمودار ۱۶ – گرایش جامعه به رویکردهای حزبی مختلف



نمودار ۱۶ نشان می‌دهد که مردم ایران بیش از همه به احزابی گرایش دارند که آزادی‌های فردی و حقوق بشر را در اولویت قرار می‌دهند (۳۷٪)، به دنبال عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق کارگران هستند (۳۳٪)، و بر غرور ملی و ایران‌گرایی تأکید دارند (۲۶٪).

گرایش به احزاب با تمرکز بر محیط زیست (۱۰٪)، اقتصاد بازار آزاد (۹٪) و حقوق اقلیت‌ها (۸٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارد. در این میان، تنها حدود ۵٪ از جامعه از احزابی حمایت کرده‌اند که ارزش‌های سنتی و دینی را در اولویت قرار می‌دهند که پایین‌ترین میزان حمایت در میان گزینه‌های مطرح شده است.

این توزیع نشان می‌دهد که چشم‌انداز حزبی در جامعه ایران، حقوق‌بشرمحور، عدالت‌طلب و ملی‌گرا است، در حالی که حمایت از گفتمان‌های سنتی و مذهبی به‌طور چشمگیری کمتر است. این نکته هم قابل توجه است که حدود ۱۲٪ جامعه به هیچ‌یک از این گرایش‌های حزبی اقبالی ندارند.

۴-۱ رویکردهای حزبی بر اساس مشخصات جمعیتی

نتایج نمودار ۱۷ نشان می‌دهد که گرایش‌های حزبی پاسخ‌دهندگان تحت تأثیر مستقیم ویژگی‌های جمعیتی آن‌ها از جمله سن، سطح تحصیلات، و جنسیت قرار دارد.

نمودار ۱۷: گرایش به رویکردهای حزبی به تفکیک سن، تحصیلات و جنسیت

نمونه کل	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹ سال	۲۰-۲۹ سال	دارای تحصیلات دانشگاهی	بدون تحصیلات دانشگاهی	زن	مرد	
حزبی که بر آزادی‌های فردی و حقوق بشر تأکید داشته باشد	۳۷.۰٪	۴۲.۷٪	۳۳.۶٪	۳۸.۶٪	۴۳.۰٪	۳۷.۵٪	۳۶.۵٪	
حزبی که بر حقوق کارگران، اشتغال‌زایی توسط دولت، و افزایش مالیات ثروتمندان تأکید دارد	۳۲.۹٪	۲۸.۰٪	۳۵.۲٪	۳۳.۱٪	۲۹.۴٪	۳۴.۷٪	۳۱.۲٪	
حزبی که بر غرور ملی و ایران‌گرایی تأکید دارد	۲۶.۱٪	۲۷.۰٪	۲۶.۰٪	۲۵.۲٪	۲۴.۱٪	۲۲.۶٪	۲۹.۳٪	
حزبی که بر مسائل محیط زیستی تأکید دارد	۱۰.۱٪	۱۰.۳٪	۹.۶٪	۱۱.۲٪	۱۳.۷٪	۱۱.۴٪	۹.۰٪	
حزبی که بر بازار آزاد، اشتغال‌زایی توسط بخش خصوصی، و کاهش مالیات ثروتمندان تأکید دارد	۸.۹٪	۴.۸٪	۷.۵٪	۱۸.۲٪	۱۶.۳٪	۷.۶٪	۱۰.۱٪	
حزبی که بر تمرکززدایی از قدرت و حقوق اقلیت‌ها تأکید دارد	۸.۵٪	۹.۱٪	۸.۳٪	۸.۲٪	۹.۶٪	۶.۹٪	۹.۹٪	
حزبی که بر ارزش‌های سنتی و دینی تأکید دارد	۴.۸٪	۵.۰٪	۴.۵٪	۵.۶٪	۴.۱٪	۶.۶٪	۳.۲٪	

با نگاهی به الگوی گرایش‌های حزبی در میان گروه‌های مختلف سنی مشاهده می‌شود که جوانان (۲۰-۲۹ سال) گرایش بیشتری به آزادی‌های فردی و حقوق بشر (۳۹٪) و عدالت اجتماعی (۳۳٪) دارند. همچنین حمایت بالای آن‌ها از بازار آزاد (۱۸٪) قابل توجه است.

عدالت اجتماعی و حمایت از کارگران بیشترین سهم را در میان میانسالان (۳۰ تا ۴۹ سال) دارد. این گروه سنی، که احتمالاً مسئولیت‌های اقتصادی و خانوادگی بیشتری را تجربه می‌کنند، گرایش بالاتری به رویکرد حزبی عدالت‌طلب دارند و کمتر از دیگر گروه‌های سنی بر آزادی‌های فردی تأکید دارند و در سایر رویکردهای حزبی، گرایش منطبق با میانگین جامعه دارند.

از سوی دیگر افراد ۵۰ سال به بالا در میان رده‌های سنی مختلف، بیشترین حمایت را از آزادی‌های فردی و حقوق بشر (۴۳٪) نشان داده‌اند. همچنین گرایش آن‌ها به ایران‌گرایی (۲۷٪) هم کمی از جوان‌ترها بیشتر است. نکته قابل توجه این است که ارزش‌های سنتی و دینی، در تمام گروه‌های سنی میزان پایینی از حمایت دارد.

اگر گرایش‌های حزبی در جامعه را به تفکیک تحصیلات نگاه کنیم، افراد دارای تحصیلات عالی به وضوح گرایش بیشتری به حقوق بشر و آزادی‌های فردی (۴۳٪)، محیط زیست (۱۴٪)، و تمرکززدایی (۱۰٪) دارند. در مقابل، افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی بیشتر به عدالت اجتماعی (۳۴٪) و ایران‌گرایی (۲۷٪) تمایل دارند؛ همچنین میزان حمایت‌شان از ارزش‌های سنتی و دینی کمی بیش از تحصیل‌کرده‌هاست. همچنین تفاوت مشهودی در گرایش به اقتصاد بازار آزاد میان دو گروه دیده می‌شود (۱۶٪ در میان تحصیل‌کرده‌ها در مقابل ۶٪ در میان افراد فاقد تحصیلات عالی).

در تفکیک جنسیتی نیز تفاوت‌هایی در ترجیحات حزبی به چشم می‌خورد که بازتاب‌دهنده نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی متمایز میان زنان و مردان است. گرایش به عدالت اجتماعی در میان زنان با ۳۵٪ بالاتر از مردان (۳۱٪) است؛ این تفاوت می‌تواند بازتاب‌دهنده نگرانی بیشتر زنان نسبت به مسائل معیشتی و نابرابری اقتصادی باشد. همچنین حمایت زنان از احزاب محیط‌زیستی کمی بیشتر است (۱۱٪ زنان در برابر ۹٪ مردان).

نکته قابل توجه این است که زنان بیش از مردان از ارزش‌های سنتی دینی دفاع می‌کنند (۷٪ در مقابل ۳٪). همانطور که پیشتر ذکر شد، این اختلاف با دینداری بالاتر زنان هم‌خوان است، چرا که در همین نظرسنجی، نسبت بیشتری از زنان در مقایسه با مردان خود را شیعه معرفی کرده‌اند.

در مقابل، مردان بیشتر از زنان از احزابی حمایت کرده‌اند که بر ایران‌گرایی تأکید دارند (۲۹٪ در برابر ۲۳٪). همچنین تمایل به احزاب طرفدار اقتصاد بازار آزاد در میان مردان قوی‌تر است (۱۰٪ در برابر ۸٪) که ممکن است با نگرش‌های اقتصادی متفاوت یا نقش‌های اجتماعی-اقتصادی مرتبط باشد. مردان همچنین نسبت به زنان حمایت بیشتری از تمرکززدایی و حقوق اقلیت‌ها نشان داده‌اند (۱۰٪ در برابر ۷٪).

نکته جالب توجه این است که در گرایش به آزادی‌های فردی و حقوق بشر، زنان و مردان تقریباً در سطحی برابر قرار دارند (۳۷٪ زنان در برابر ۳۶٪ مردان). این همگرایی می‌تواند نشان‌دهنده توافق عمومی در جامعه نسبت به اهمیت آزادی‌های بنیادین، صرف‌نظر از تفاوت‌های جنسیتی باشد.

۴-۲ همپوشانی انتخاب گرایش‌های حزبی

با توجه به اینکه هر پاسخ‌دهنده می‌توانسته حداکثر دو رویکرد حزبی را انتخاب کند، نمودار ۱۸ نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان نظرسنجی، چه احزابی را به صورت هم‌زمان انتخاب کرده‌اند. این موضوع تا حدی نشان می‌دهد هر یک از گرایش‌های حزبی، از حمایت طرفداران چه احزاب دیگری برخوردارند و میزان اشتراک پایگاه رأی آن‌ها با سایر احزاب چقدر است. همچنین درصد افرادی که فقط یک حزب را انتخاب کرده‌اند (تک‌انتخابی) هم در نمودار مشخص شده است.

در یک نگاه کلی، گرایش آزادی‌های فردی و حقوق بشر نه تنها دارای بیشترین سهم در کل نمونه است، بلکه به عنوان هم‌انتخاب برتر در اغلب احزاب دیگر نیز ظاهر می‌شود. این جایگاه خاص نشان می‌دهد

که ارزش‌های مدنی، حقوق بشر و آزادی‌های فردی نوعی محور مشترک در میان طرفداران گرایش‌های مختلف است.

در میان طرفداران حزب حامی آزادی‌های فردی، ۳۲٪ فقط همین حزب را انتخاب کرده‌اند و ۲۲٪ از آنان، حزب حامی حقوق کارگران را نیز برگزیده‌اند. همچنین حدود ۲۰٪ از آنان حزب حامی ایران‌گرایی را به‌عنوان گزینه دوم خود انتخاب کرده‌اند. این هم‌پوشانی‌ها نشان می‌دهد که نگاه حقوق‌محور می‌تواند با عدالت‌محوری و حتی رویکردهای ملی‌گرایانه هم‌زیستی داشته باشد. در مقابل، تنها ۰.۴٪ از آن‌ها همزمان به رویکرد حزبی دین‌گرایی گرایش دارند.

نمودار ۱۸: همپوشانی احزاب بر اساس هم‌انتخابی

کمترین هم‌انتخابی	پنجمین هم‌انتخابی	چهارمین هم‌انتخابی	سومین هم‌انتخابی	دومین هم‌انتخابی	بیشترین هم‌انتخابی	تک‌انتخابی	
حزب ارزش‌های دینی (۰.۴٪)	حزب بازار آزاد (۷.۶٪)	حزب تمرکززدایی (۷.۹٪)	حزب محیط‌زیست (۹.۹٪)	حزب ملی‌گرایی (۲۰.۵٪)	حزب حقوق کارگران (۲۱.۶٪)	۳۲.۱٪	حزبی که بر آزادی‌های فردی و حقوق بشر تأکید داشته باشد (حزب آزادی و حقوق بشر)
حزب بازار آزاد (۳۰.۸٪)	حزب تمرکززدایی (۴.۲٪)	حزب ارزش‌های دینی (۵.۱٪)	حزب محیط‌زیست (۷.۴٪)	حزب ملی‌گرایی (۱۵.۵٪)	حزب آزادی و حقوق بشر (۲۴.۳٪)	۳۹.۶٪	حزبی که بر حقوق کارگران، اشتغال‌زایی توسط دولت، و افزایش مالیات ثروتمندان تأکید دارد (حزب حقوق کارگران)
حزب تمرکززدایی (۳.۰٪)	حزب ارزش‌های دینی (۴.۲٪)	حزب بازار آزاد (۴.۹٪)	حزب محیط‌زیست (۵.۹٪)	حزب حقوق کارگران (۱۹.۶٪)	حزب آزادی و حقوق بشر (۲۹.۱٪)	۳۳.۴٪	حزبی که بر غرور ملی و ایران‌گرایی تأکید دارد (حزب ملی‌گرایی)
حزب ارزش‌های دینی (۱.۲٪)	حزب تمرکززدایی (۴.۵٪)	حزب بازار آزاد (۶.۲٪)	حزب ملی‌گرایی (۱۵.۱٪)	حزب حقوق کارگران (۲۴.۰٪)	حزب آزادی و حقوق بشر (۳۶.۰٪)	۱۳.۰٪	حزبی که بر مسائل محیط زیستی تأکید دارد (حزب محیط‌زیست)
حزب ارزش‌های دینی (۱.۵٪)	حزب تمرکززدایی (۴.۷٪)	حزب محیط‌زیست (۷.۰٪)	حزب حقوق کارگران (۱۴.۰٪)	حزب ملی‌گرایی (۱۴.۳٪)	حزب آزادی و حقوق بشر (۳۱.۵٪)	۲۶.۹٪	حزبی که بر بازار آزاد، اشتغال‌زایی توسط بخش خصوصی، و کاهش مالیات ثروتمندان تأکید دارد (حزب بازار آزاد)
حزب ارزش‌های دینی (۱.۳٪)	حزب بازار آزاد (۵.۰٪)	حزب محیط‌زیست (۵.۳٪)	حزب ملی‌گرایی (۹.۲٪)	حزب حقوق کارگران (۱۶.۴٪)	حزب آزادی و حقوق بشر (۳۴.۵٪)	۲۸.۴٪	حزبی که بر تمرکززدایی از قدرت و حقوق اقلیت‌ها تأکید دارد (حزب تمرکززدایی)
حزب تمرکززدایی (۲.۲٪)	حزب محیط‌زیست (۲.۶٪)	حزب بازار آزاد (۲.۷٪)	حزب آزادی و حقوق بشر (۳.۰٪)	حزب ملی‌گرایی (۲۲.۵٪)	حزب حقوق کارگران (۳۴.۷٪)	۳۲.۳٪	حزبی که بر ارزش‌های سنتی و دینی تأکید دارد (حزب ارزش‌های دینی)

در مورد حزب حامی حقوق کارگران، بیش از ۳۹٪ از جامعه فقط همین حزب را انتخاب کرده‌اند که بالاترین سطح وفاداری خالص در بین احزاب است. در عین حال، ۲۴٪ از آنان به آزادی‌های فردی و ۱۵٪ به ایران‌گرایی نیز تمایل دارند. در حالی که هم‌پوشانی این حزب با حزب حامی بازار آزاد بسیار پایین است (۴٪)؛ امری که از نظر ایدئولوژیک نیز قابل انتظار است، چرا که عدالت اجتماعی مبتنی بر مداخله دولت و مالیات‌گیری است، در حالی که گرایش حزبی بازار آزاد، به کاهش نقش دولت و کاهش مالیات ثروتمندان تأکید دارد.

در میان طرفداران ایران‌گرایی، ۳۳٪ فقط همین حزب را انتخاب کرده‌اند، و بیشترین هم‌پوشانی آن‌ها با احزاب حامی آزادی‌های فردی (۲۹٪) و عدالت اجتماعی (۲۰٪) بوده است. اما این گرایش پیوند چندانی با تمرکززدایی (۳٪) و محیط زیست (۵٪) ندارد، که می‌تواند نشان‌دهنده اولویت تأکید بر هویت ملی بر مسائل ساختاری یا آینده‌محور باشد.

رویکرد حزبی محیط زیست کمترین میزان وفاداری خالص را دارد (۱۳٪ تک‌انتخابی)، و بیشترین هم‌پوشانی آن با احزاب حامی حقوق بشر (۳۶٪) و عدالت اجتماعی (۲۴٪) است. این پیوند طبیعی به‌نظر می‌رسد، چرا که دغدغه‌های زیست‌محیطی غالباً در کنار ارزش‌های انسانی و عدالت‌طلبانه مطرح

می‌شوند. در مقابل، تنها ۱٪ از حامیان این حزب به سنت‌گرایی نیز گرایش دارند، که شکاف ایدئولوژیک میان این دو رویکرد را نشان می‌دهد.

حزب حامی بازار آزاد، با وفاداری خالص ۲۷٪، بیشتر با احزاب حامی حقوق بشر (۳۱٪) و ایران‌گرایی (۱۴٪) همپوشانی دارد. در عین حال، همپوشانی طرفداران آن با حزب حامی حقوق کارگران بسیار پایین است (۱۴٪)، که باز هم تقابل طبیعی میان دو دیدگاه اقتصادی مداخله‌گر و غیرمداخله‌گر را بازتاب می‌دهد. همپوشانی پایین با حزب حامی سنت‌گرایی (۱۰۵٪) نیز نشان می‌دهد که نگرش اقتصادی آزاد با ارزش‌های سنتی هم‌خوانی چندانی ندارد.

در میان طرفداران تمرکززدایی از قدرت و حقوق اقلیت‌ها، ۲۸٪ فقط همین حزب را انتخاب کرده‌اند، اما ۳۵٪ از آنان همزمان به آزادی‌های فردی، و ۱۶٪ به عدالت اجتماعی نیز گرایش دارند.

رویکرد سنت‌گرایی نیز دارای ۳۲٪ طرفدار مطلق است و دیگر طرفداران آن، بیشترین اشتراک را با احزاب حامی عدالت اجتماعی (۳۵٪) و ایران‌گرایی (۲۳٪) دارند. این همپوشانی می‌تواند ریشه در فرهنگ سنتی طبقات کم‌درآمدتر جامعه داشته باشد که هم به ارزش‌های دینی وفادارند و هم به عدالت‌طلبی اقتصادی. در مقابل، تنها ۳٪ از آن‌ها به آزادی‌های فردی و حقوق بشر گرایش دارند، که تعارض فرهنگی و ارزشی میان سنت‌گرایی و لیبرالیسم مدنی را بازتاب می‌دهد.

۴-۳ ارتباط میان گرایش‌های حزبی و ترجیح نظام سیاسی

نتایج نمودار ۱۹ نشان می‌دهد که ترجیح مردم درباره شکل نظام سیاسی، با گرایش‌های حزبی و ایدئولوژیک آن‌ها ارتباط نزدیکی دارد.

نمودار ۱۹: گرایش به رویکردهای حزبی بر اساس ترجیح نظام سیاسی

نمونه کل	کسانی که دانش کافی برای انتخاب شکل نظام ندارند	کسانی که شکل نظام جایگزین برایشان فرقی ندارد	طرفداران پادشاهی فدرال	طرفداران پادشاهی	طرفداران جمهوری فدرال	طرفداران جمهوری	طرفداران جمهوری اسلامی	
۳۷.۰٪	۳۶.۷٪	۳۹.۲٪	۵۲.۹٪	۴۲.۳٪	۵۰.۳٪	۵۱.۲٪	۹.۲٪	حزبی که بر آزادی‌های فردی و حقوق بشر تأکید داشته باشد
۳۲.۹٪	۳۱.۴٪	۳۲.۱٪	۲۶.۸٪	۲۵.۳٪	۲۹.۹٪	۲۹.۲٪	۴۸.۲٪	حزبی که بر حقوق کارگران، اشتغال‌زایی توسط دولت، و افزایش مالیات ثروتمندان تأکید دارد
۲۶.۱٪	۲۰.۹٪	۲۴.۷٪	۴۰.۳٪	۴۳.۵٪	۱۶.۶٪	۲۴.۰٪	۲۱.۷٪	حزبی که بر غرور ملی و ایران‌گرایی تأکید دارد
۱۰.۱٪	۱۰.۶٪	۹.۸٪	۱۲.۳٪	۱۰.۳٪	۱۱.۹٪	۱۴.۰٪	۴.۹٪	حزبی که بر مسائل محیط زیستی تأکید دارد
۸.۹٪	۷.۲٪	۸.۹٪	۹.۴٪	۷.۶٪	۱۳.۲٪	۱۲.۷٪	۶.۷٪	حزبی که بر بازار آزاد، اشتغال‌زایی توسط بخش خصوصی، و کاهش مالیات ثروتمندان تأکید دارد
۸.۵٪	۶.۶٪	۸.۴٪	۸.۱٪	۵.۷٪	۲۳.۸٪	۱۰.۶٪	۴.۰٪	حزبی که بر تمرکززدایی از قدرت و حقوق اقلیت‌ها تأکید دارد
۴.۸٪	۱.۴٪	۱.۴٪	۱.۱٪	۰.۳٪	۰.۸٪	۰.۷٪	۲۱.۲٪	حزبی که بر ارزش‌های سنتی و دینی تأکید دارد

آزادی‌های فردی و حقوق بشر پرتعدادترین گرایش حزبی در میان حامیان نظام جمهوری (۵۱٪)، نظام جمهوری فدرال (۵۰٪) و نظام پادشاهی فدرال (۵۳٪) است. این گرایش حزبی در میان هواداران پادشاهی نیز درصد قابل توجهی دارد (۴۲٪). در مقابل، این رویکرد حزبی کمترین میزان حمایت را در میان طرفداران نظام جمهوری اسلامی دارد (۹٪).

رویکرد حزبی حامی عدالت اجتماعی و حقوق کارگران، در میان حامیان نظام جمهوری اسلامی، بیشترین میزان طرفدار را دارد (۴۸٪)؛ این رویکرد حزبی در میان حامیان سایر نظام‌های سیاسی، به غیر از پادشاهی‌خواهان، نیز جایگاه دوم محبوبیت را داشته است (با حدود ۳۰٪ طرفدار).

حمایت از گرایش حزبی ایران‌گرایی در میان طرفداران پادشاهی (۴۳٪) و پادشاهی فدرال (۴۰٪) برجسته است. این نشان می‌دهد که هویت ملی برای این گروه‌ها اولویت بیشتری دارد. همچنین محبوبیت این گرایش حزبی در میان طرفداران نظام جمهوری (غیرفدرال) هم زیاد است (۲۴٪). ایران‌گرایی همچنین با ۲۲٪ حمایت، دومین انتخاب طرفداران نظام جمهوری اسلامی بوده است.

حزب حامی محیط زیست در میان طرفداران نظام جمهوری (غیرفدرال) بیشترین میزان حمایت را دارد (۱۴٪). همچنین کمترین میزان حمایت از حزب محیط زیست متعلق به طرفداران نظام جمهوری اسلامی است (۵٪)؛ امری که در واقعیت جاری هم دیده می‌شود که حکومت مستقر و حامیانش، اهمیت چندانی به مسایل محیط زیستی نشان نمی‌دهند.

رویکرد حزبی حامی بازار آزاد، بیشترین حمایت را در میان طرفداران نظام جمهوری (غیرفدرال) و طرفداران جمهوری فدرال دارد (۱۳٪). این حزب در میان طرفداران جمهوری اسلامی، کمترین میزان پایگاه اجتماعی را دارد (۷٪).

حزب حامی تمرکززدایی، بیشترین حمایت (۲۴٪) را در میان طرفداران نظام جمهوری فدرال دارد؛ همچنین طرفداران نظام جمهوری (غیرفدرال) با ۱۱٪ حمایت، بیش از طرفداران سایر نظام‌های سیاسی از رویکرد تمرکززدایی حمایت می‌کنند. حزب حامی تمرکززدایی، در میان طرفداران نظام جمهوری اسلامی (۴٪) و پادشاهی‌خواهان (۶٪) کمترین میزان انتخاب را داشته است.

ارزش‌های سنتی و دینی فقط در میان طرفداران جمهوری اسلامی پایگاه قابل توجهی دارد (۲۱٪) و در میان دیگر گروه‌ها به شدت پایین و کمتر از ۱٪ است.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که نوع ساختار سیاسی مطلوب افراد، تا حد زیادی با رویکردهای حزبی و ایدئولوژیک آن‌ها درهم‌تنیده است: گرایش به نظام‌های سکولار و غیرمتمرکز با حمایت از آزادی، تمرکززدایی، محیط زیست و اقتصاد آزاد همراه است، در حالی که گرایش به نظام‌ها و ساختارهای سنتی، همبستگی بیشتری با ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه و دینی دارد.

بخش پنجم: اقبال به شخصیت‌های مدنی و سیاسی

در این بخش، به بررسی اقبال اجتماعی شخصیت‌های سیاسی و مدنی، میزان هم‌انتخابی آنها و دسته‌بندی این افراد بر حسب انتخاب پاسخ‌دهندگان نظرسنجی پرداخته شده است.

۵-۱ محبوبیت شخصیت‌های سیاسی و مدنی

در نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که «اگر در ایران انتخاباتی آزاد برگزار شود که نمایندگان گرایش‌های سیاسی مختلف مانند افراد زیر بتوانند در آن حضور داشته باشند، به کدامیک از این افراد به‌عنوان کاندیدای مطلوب خود رای می‌دهید؟». در پاسخ به این سوال، لیستی از ۳۴ شخصیت سیاسی و مدنی، با ترتیب تصادفی اسامی، ارائه شده بود و در کنار آن، گزینه «هیچکدام» و «افراد دیگر» هم وجود داشت. هر پاسخ‌دهنده نظرسنجی می‌توانست حداکثر ۲ نفر را انتخاب کند. همچنین در نظرسنجی دی ۱۴۰۱ که در دوران خیزش «زن، زندگی، آزادی» بود، لیست تقریباً مشابهی از فعالان مخالف و منتقد جمهوری اسلامی به پاسخ‌دهندگان ارائه شد و از آنها سوال شد که برای حضور در شورای همبستگی یا ائتلاف اپوزسیون، چه کسی انتخاب اول آنهاست.

جدول ۱ نشان می‌دهد چه درصدی از جامعه آماری در نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳، هر فرد را به‌عنوان یکی از دو انتخاب خود برگزیده است. همچنین میزان انتخاب هر فرد به‌عنوان انتخاب اول برای حضور در ائتلاف اپوزسیون در نظرسنجی دی ۱۴۰۱ نیز نشان داده شده است. ستون آخر، تغییر میزان اقبال به هر فرد در این مدت را نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است که با توجه به اینکه هر پاسخ‌دهنده در نظرسنجی ۱۴۰۳ می‌توانست تا ۲ نفر را انتخاب کند، مجموع درصدها در ستون مربوطه بیش از ۱۰۰٪ است. همچنین بعضی افراد در نظرسنجی ۱۴۰۳ در لیست فعالان مدنی-سیاسی حضور داشتند ولی در نظرسنجی ۱۴۰۱، در لیست پیشنهادی نظرسنجی حضور نداشتند و در نتیجه درصدی برایشان ذکر نشده است. نکته دیگر اینکه در نظرسنجی ۱۴۰۳ امکان انتخاب دو نفر وجود داشت درحالی‌که در نظرسنجی ۱۴۰۱ فقط یک انتخاب امکان‌پذیر بود؛ در نتیجه انتظار می‌رود درصدهای مربوط به نظرسنجی ۱۴۰۳ بیشتر از نظرسنجی ۱۴۰۱ باشد.

نتایج این جدول نشان می‌دهد که میزان اقبال به رضا پهلوی در خرداد ۱۴۰۳ نسبت به دی ۱۴۰۱ با کاهش مواجه بوده است؛ اگر چه میزان این کاهش زیاد نیست و نشان‌دهنده ثبات نسبی پایگاه اجتماعی او در سالهای اخیر است. همچنین میزان اقبال به حامد اسماعیلیون کاهش قابل توجهی داشته است که ممکن است به کاهش فعالیتهای سیاسی او پس از منحل شدن شورای همبستگی مربوط باشد. در مقابل محبوبیت افرادی مثل توماج صالحی، نرگس محمدی و فاطمه سپهری افزایش قابل توجهی داشته است. احتمالاً دریافت جایزه صلح نوبل توسط نرگس محمدی در سال ۱۴۰۲، در افزایش محبوبیت او نقش داشته است. نکته قابل توجه دیگر، میزان افزایش ۶.۵ درصدی انتخاب

گزینه هیچکدام در این دو سال بوده است که می‌تواند نشانه‌ای از افزایش بی‌اعتمادی به چهره‌های مطرح اپوزوسیون باشد.

جدول ۱: میزان انتخاب شخصیت‌های سیاسی-مدنی به‌عنوان گزینه اول یا دوم

نام فرد	انتخاب به‌عنوان گزینه اول یا دوم (%) - خرداد ۱۴۰۳	انتخاب به‌عنوان گزینه اول (%) - دی ۱۴۰۱	تغییر (%)
رضا پهلوی	۳۱.۴	۳۲.۸	-۱.۴
هیچکدام	۱۴.۹	۸.۴	+۶.۵
علی خامنه‌ای	۹.۱	-	-
محمود احمدی‌نژاد	۸.۹	-	-
توماج صالحی	۶.۲	۰.۵	+۵.۷
محمدجواد ظریف	۶.۲	-	-
افراد دیگر	۵.۹	۴.۰	+۱.۹
علی کریمی	۵.۷	۵.۳	+۰.۴
محمد خاتمی	۵.۵	-	-
نرگس محمدی	۵.۴	۰.۷	+۴.۷
فاطمه سپهری	۴.۷	۰.۵	+۴.۲
میرحسین موسوی	۳.۷	۱.۴	+۲.۳
مجتبی خامنه‌ای	۳.۵	-	-
حسین رونقی	۳.۵	۴.۸	-۱.۳
نسرین ستوده	۳.۳	۲.۱	+۱.۲
مولوی عبدالحمید	۳.۰	۱.۱	+۱.۹
مصطفی تاجزاده	۲.۳	-	-
حامد اسماعیلیون	۲.۳	۷.۳	-۵.۰
کاوه مدنی	۲.۱	۰.۴	+۱.۷
محمد نوری‌زاد	۲.۰	۰.۸	+۱.۲
مسیح علی‌نژاد	۱.۹	۱.۹	۰.۰
شیرین عبادی	۱.۷	۰.۶	+۱.۱
فائزه هاشمی	۱.۲	-	-
امیر طاهری	۱.۰	-	-
سپیده قلیان	۰.۹	-	-
نازنین بنیادی	۰.۹	۰.۹	۰.۰
مجید توکلی	۰.۷	۰.۳	+۰.۴
سعید مدنی	۰.۶	-	-
مهدی یراحی	۰.۵	۰.۲	+۰.۳
عبدالله مهتدی	۰.۵	-	-
اسماعیل بخشی	۰.۵	۰.۳	+۰.۲
مریم رجوی	۰.۳	۰.۱	+۰.۲
فرج سرکوهی	۰.۳	۰.۱	+۰.۲
رضا علیجانی	۰.۳	-	-
بهاره هدایت	۰.۲	۰.۰	+۰.۲
علی افشاری	۰.۱	-	-

در جدول ۲، برای هر یک از شخصیت‌های سیاسی و مدنی، و همچنین گزینه «افراد دیگر»، درصد کسانی که فقط همان فرد را انتخاب کرده‌اند (تک‌انتخابی) و همچنین سه فردی که بیشترین هم‌انتخابی با او را داشته‌اند نمایش داده شده است (برای نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳). جدول هم‌انتخابی، الگوهای وفاداری، نزدیکی گفتمانی و تمایز اجتماعی-سیاسی شخصیت‌ها در ذهن پاسخ‌دهندگان را روشن می‌سازد.

این جدول نشان می‌دهد که به‌طور مثال، از میان کسانی که رضا پهلوی را انتخاب کرده‌اند، حدود ۴۳٪ فقط او را انتخاب کرده‌اند و گزینه دومی را انتخاب نکرده‌اند؛ حدود ۸٪ غیر از او، علی کریمی را هم انتخاب کرده‌اند؛ ۷٪ از آنها، فاطمه سپهری را بعنوان گزینه دیگر انتخاب کرده‌اند و حدود ۷٪ توماج صالحی را. با جمع درصدهای بالا مشخص می‌شود که حدود ۳۵٪ دیگر از کسانی که رضا پهلوی را انتخاب کرده‌اند، همزمان افراد دیگری را هم انتخاب کرده‌اند که در جدول نشان داده نشده است.

۵-۱-۱ چهره‌هایی با درصد بالای «تک‌انتخابی»

مواردی که پاسخ‌دهندگان فقط یک نفر را انتخاب کرده‌اند، نشان‌دهنده نوعی وفاداری انحصاری یا تمایز گفتمانی آن شخصیت است. جدول ۲، میزان درصد «تک‌انتخابی» (یا «بدون هم‌انتخابی») را برای هر یک از افراد نشان می‌دهد.

این جدول نشان می‌دهد که حدود ۴۵٪ کسانی که علی خامنه‌ای را انتخاب کرده‌اند و ۴۴٪ کسانی که رضا پهلوی را انتخاب کرده‌اند، فرد دومی را انتخاب نکرده‌اند؛ هر دو چهره دارای جایگاه نمادین برای دو جریان متضاد هستند، که منجر به وفاداری‌های متمرکز و اغلب انحصاری شده است.

همچنین محمود احمدی‌نژاد هم دارای حدود ۴۰٪ تک‌انتخابی است که بیانگر حضور وفاداران مشخص به خود اوست.

مریم رجوی هم با ۳۴٪ تک‌انتخابی، نشان می‌دهد که دارای طرفداران خاص و گفتمان متمایز از دیگر جریان‌ها است.

از سوی دیگر، حدود ۵۸٪ کسانی که گزینه «افراد دیگر» را انتخاب کرده‌اند، انتخاب دومی نداشتند. این مساله به‌وضوح نشان می‌دهد این گزینه برای پاسخ‌دهندگانی است که چهره مورد نظرشان در فهرست نیامده است و اغلب فقط همین گزینه را انتخاب کرده‌اند.

۵-۱-۲ چهره‌هایی با درصد بالای «هم‌انتخابی»

درصد بالای «هم‌انتخابی» نشان‌دهنده نوعی نزدیکی گفتمانی میان بعضی چهره‌ها از نظر افکار عمومی است. بطور مثال بر مبنای جدول ۲، حدود ۷۴٪ کسانی که امیر طاهری را انتخاب کرده‌اند، رضا پهلوی را هم انتخاب کرده‌اند؛ همچنین حدود ۴۷٪ از کسانی که علی کریمی یا فاطمه سپهری را انتخاب کرده‌اند، انتخاب دیگرشان رضا پهلوی بوده است. این هم‌انتخابی نشان‌دهنده نزدیکی خط فکری و

سیاسی این افراد در نظر پاسخ‌دهندگان است و در عمل هم این افراد به جریان موسوم به پادشاهی‌خواه و پهلوی‌گرا نزدیک هستند.

جدول ۲: میزان تک‌انتخابی و هم‌انتخابی شخصیت‌های سیاسی و مدنی

فرد انتخابی	تک‌انتخابی	بیشترین هم‌انتخابی	دومین هم‌انتخابی	سومین هم‌انتخابی
رضا پهلوی	۴۳.۵٪	علی کریمی (۸.۴٪)	فاطمه سپهری (۷.۰٪)	توماج صالحی (۶.۸٪)
علی خامنه‌ای	۴۴.۶٪	مجتبی خامنه‌ای (۲۳.۸٪)	محمود احمدی‌نژاد (۱۴.۵٪)	محمدجواد ظریف (۴.۹٪)
محمود احمدی‌نژاد	۴۰.۵٪	علی خامنه‌ای (۱۴.۸٪)	رضا پهلوی (۹.۴٪)	محمدجواد ظریف (۹.۱٪)
توماج صالحی	۱۲.۴٪	رضا پهلوی (۳۴.۲٪)	علی کریمی (۸.۳٪)	فاطمه سپهری (۶.۷٪)
محمدجواد ظریف	۲۳.۹٪	محمد خاتمی (۲۱.۷٪)	محمود احمدی‌نژاد (۱۳.۱٪)	رضا پهلوی (۷.۶٪)
افراد دیگر	۵۸.۴٪	هیچکدام (۱۲.۴٪)	رضا پهلوی (۹.۵٪)	علی خامنه‌ای (۴.۱٪)
علی کریمی	۱۱.۶٪	رضا پهلوی (۴۶.۵٪)	توماج صالحی (۹.۱٪)	محمود احمدی‌نژاد (۴.۳٪)
محمد خاتمی	۲۰.۹٪	محمدجواد ظریف (۲۴.۳٪)	میرحسین موسوی (۱۲.۰٪)	محمود احمدی‌نژاد (۱۱.۵٪)
نرگس محمدی	۱۰.۱٪	رضا پهلوی (۱۹.۱٪)	نسرین ستوده (۱۳.۳٪)	توماج صالحی (۵.۶٪)
فاطمه سپهری	۸.۶٪	رضا پهلوی (۴۶.۹٪)	توماج صالحی (۸.۸٪)	حسین رونقی (۴.۷٪)
میرحسین موسوی	۱۷.۸٪	محمد خاتمی (۱۸.۰٪)	محمدجواد ظریف (۱۲.۴٪)	رضا پهلوی (۱۲.۰٪)
مجتبی خامنه‌ای	۱۷.۹٪	علی خامنه‌ای (۶۱.۲٪)	محمود احمدی‌نژاد (۶.۹٪)	محمدجواد ظریف (۴.۶٪)
حسین رونقی	۱۰.۶٪	رضا پهلوی (۲۵.۲٪)	توماج صالحی (۹.۷٪)	نرگس محمدی (۸.۷٪)
نسرین ستوده	۹.۳٪	نرگس محمدی (۲۱.۸٪)	رضا پهلوی (۱۷.۲٪)	شیرین عبادی (۶.۷٪)
مولوی عبدالحمید	۲۰.۵٪	رضا پهلوی (۲۵.۹٪)	محمود احمدی‌نژاد (۷.۴٪)	علی کریمی (۷.۰٪)
مصطفی تاجزاده	۱۱.۷٪	رضا پهلوی (۱۵.۳٪)	میرحسین موسوی (۱۳.۰٪)	محمدجواد ظریف (۱۱.۷٪)
حامد اسماعیلیون	۱۲.۶٪	رضا پهلوی (۱۸.۱٪)	نرگس محمدی (۱۰.۴٪)	حسین رونقی (۶.۸٪)
کاوه مدنی	۱۲.۷٪	رضا پهلوی (۲۵.۸٪)	نسرین ستوده (۸.۵٪)	نرگس محمدی (۸.۲٪)
محمد نوریزاد	۹.۸٪	رضا پهلوی (۲۷.۱٪)	نرگس محمدی (۱۱.۵٪)	فاطمه سپهری (۸.۶٪)
مسیح علی‌نژاد	۹.۸٪	رضا پهلوی (۳۱.۰٪)	توماج صالحی (۸.۸٪)	نرگس محمدی (۸.۰٪)
شیرین عبادی	۱۲.۳٪	رضا پهلوی (۲۴.۱٪)	نسرین ستوده (۱۳.۰٪)	نرگس محمدی (۱۲.۰٪)
فائزه هاشمی	۱۵.۲٪	محمود احمدی‌نژاد (۱۲.۵٪)	محمد خاتمی (۱۱.۷٪)	رضا پهلوی (۱۰.۲٪)
امیر طاهری	۴.۷٪	رضا پهلوی (۷۳.۷٪)	فاطمه سپهری (۳.۶٪)	کاوه مدنی (۳.۵٪)
سپیده قلیان	۸.۸٪	توماج صالحی (۱۶.۵٪)	نرگس محمدی (۱۲.۰٪)	رضا پهلوی (۱۱.۳٪)
نازنین بنیادی	۱۱.۲٪	رضا پهلوی (۲۶.۶٪)	نرگس محمدی (۹.۳٪)	توماج صالحی (۷.۱٪)
مجید توکلی	۵.۴٪	رضا پهلوی (۲۹.۶٪)	حسین رونقی (۱۵.۲٪)	کاوه مدنی (۶.۸٪)
سعید مدنی	۸.۴٪	نرگس محمدی (۲۰.۶٪)	کاوه مدنی (۱۴.۸٪)	مصطفی تاجزاده (۱۱.۵٪)
مهدی یراحی	۱۳.۸٪	توماج صالحی (۱۶.۱٪)	رضا پهلوی (۱۱.۸٪)	علی کریمی (۹.۷٪)
عبدالله مهتدی	۱۸.۷٪	رضا پهلوی (۱۲.۸٪)	نرگس محمدی (۱۲.۵٪)	مسیح علی‌نژاد (۹.۲٪)
اسماعیل بخشی	۹.۳٪	توماج صالحی (۱۴.۷٪)	سپیده قلیان (۱۰.۶٪)	رضا پهلوی (۹.۸٪)
مریم رجوی	۳۴.۵٪	رضا پهلوی (۱۳.۲٪)	نرگس محمدی (۷.۴٪)	محمود احمدی‌نژاد (۷.۰٪)
فرج سرکوهی	۹.۸٪	رضا پهلوی (۱۴.۱٪)	نرگس محمدی (۹.۳٪)	توماج صالحی (۸.۹٪)
رضا علیجانی	۱۳.۹٪	رضا پهلوی (۱۴.۶٪)	نرگس محمدی (۱۲.۲٪)	نسرین ستوده (۱۰.۰٪)
بهاره هدایت	۴.۰٪	رضا پهلوی (۱۶.۱٪)	حسین رونقی (۱۲.۲٪)	مصطفی تاجزاده (۱۱.۳٪)
علی افشاری	۲۰.۲٪	نرگس محمدی (۱۶.۳٪)	میرحسین موسوی (۸.۴٪)	مصطفی تاجزاده (۸.۳٪)
هیچکدام	۹۵.۱٪	افراد دیگر (۴.۹٪)	-	-

همچنین حدود ۶۱٪ کسانیکه مجتبی خامنه‌ای را انتخاب کرده‌اند، علی خامنه‌ای را نیز انتخاب کرده‌اند. اما در مقابل حدود ۲۴٪ کسانیکه علی خامنه‌ای را انتخاب کردند، مجتبی خامنه‌ای را نیز برگزیده‌اند.

نکته قابل توجه دیگر از جدول ۲ این است که بخش بزرگی از کسانیکه رضا پهلوی را بعنوان یکی از دو گزینه خود انتخاب کرده‌اند، انتخاب دیگرشان متعلق به جریان فکری پادشاهی‌خواه یا پهلوی‌گرا نبوده است؛ بعبارت دیگر، بیش از ۴۰٪ از کسانیکه رضا پهلوی را بعنوان یکی از دو انتخاب خود برگزیدند، انتخاب دیگرشان افرادی مستقل از جریان سلطنت‌طلب یا پهلوی‌گرا بوده است. بطور مثال، حدود یک سوم از کسانیکه توماج صالحی را انتخاب کرده‌اند و حدود ۳۰٪ از کسانیکه مسیح علی‌نژاد را انتخاب کرده‌اند و حدود ۲۰٪ از کسانیکه نرگس محمدی را انتخاب کرده‌اند، انتخاب دیگرشان رضا پهلوی بوده است.

اگرچه این جدول اطلاعات قابل توجهی را آشکار می‌کند، اما برای درک روابط ساختاری، فاصله‌های ذهنی، و خوشه‌های واقعی در فضای چندبعدی هم‌انتخابی‌ها، تحلیل نمودار درختی ضروری است. نمودار درختی نشان می‌دهد کدام چهره‌ها در یک خوشه مشترک قرار می‌گیرند؛ چه چهره‌هایی در لبه خوشه‌ها قرار می‌گیرند (شخصیت‌های مرزی یا پیوندی) و کدام شخصیت‌ها کاملاً از خوشه‌های اصلی منفصل‌اند.

۵-۲ دسته‌بندی/خوشه‌بندی گروه‌های سیاسی برحسب انتخاب پاسخ‌دهندگان نظرسنجی

نمودار ۲۰ که معروف به نمودار درختی است، خوشه‌بندی شخصیت‌های سیاسی-مدنی موجود در گزینه‌های نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ را نشان می‌دهد. این خوشه‌بندی بر اساس الگوی هم‌انتخابی در میان پاسخ‌دهندگان نظرسنجی به‌دست آمده و هر خوشه، بازتابی از نزدیکی فکری، سیاسی و ایدئولوژیک میان اعضای آن در اذهان عمومی است.

برای تحلیل الگوهای هم‌انتخابی میان شخصیت‌های سیاسی، از روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی (Hierarchical Clustering) استفاده شده است. مراحل انجام تحلیل به این ترتیب انجام گرفت:

- **انتخاب نمونه:** تنها پاسخ‌دهندگانی وارد تحلیل شدند که به پرسش مربوط به ترجیح شخصیت‌های سیاسی پاسخ داده بودند. این زیرنمونه شامل ۷۴,۱۴۲ نفر از کل پاسخ‌دهندگان نظرسنجی بود.
- **ساخت ماتریس داده:** برای هر یک از ۳۶ گزینه (۳۴ شخصیت سیاسی-مدنی + «هیچکدام» + «افراد دیگر»)، متغیرهای باینری (۰ و ۱) در نظر گرفته شد. مقدار ۱ نشان‌دهنده انتخاب آن فرد توسط پاسخ‌دهنده بود.

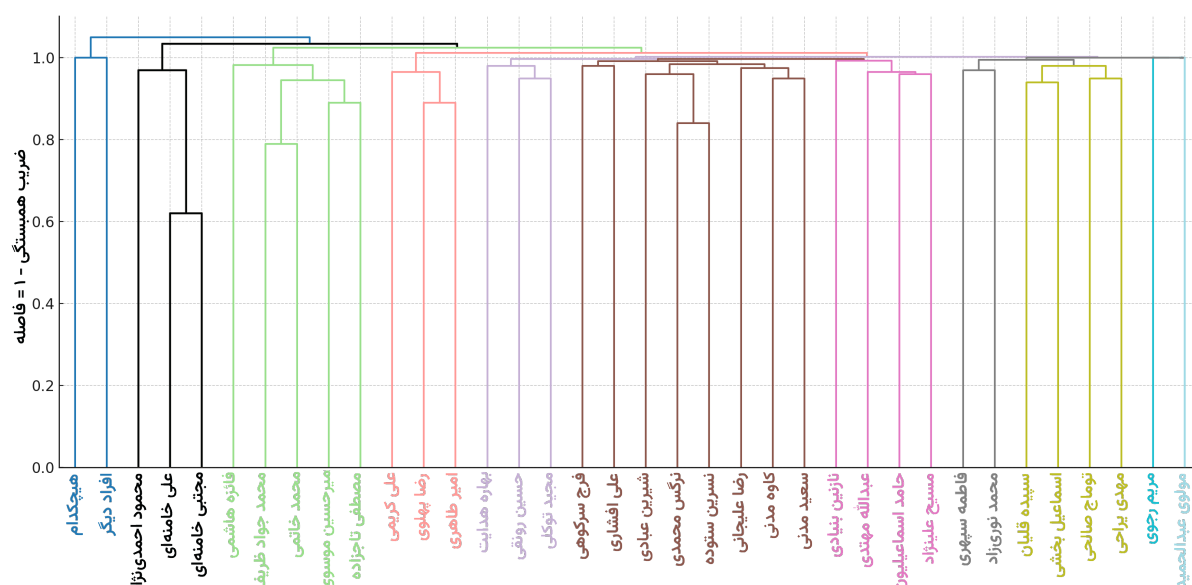
- محاسبه ماتریس همبستگی: بر اساس داده‌های باینری، ماتریس همبستگی (Pearson Correlation Matrix) بین گزینه‌ها محاسبه شد. این ماتریس نشان‌دهنده میزان هم‌انتخابی بین جفت شخصیت‌ها در سطح نمونه بود.
- تبدیل به ماتریس فاصله: برای تحلیل خوشه‌ای، ماتریس همبستگی به ماتریس فاصله تبدیل شد، با استفاده از رابطه: ضریب همبستگی - 1 = فاصله
- خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی (Hierarchical Clustering): بر روی ماتریس فاصله، الگوریتم خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی با روش average linkage اجرا شد.
- استخراج خوشه‌ها: با برش در سطحی از نمودار درختی، تعداد ۱۱ خوشه مستقل از افراد و گزینه‌های موجود استخراج شد.
- محاسبه میزان انتخاب: سپس برای هر خوشه، میزان انتخاب اعضای آن نیز بر مبنای نمونه وزن‌دهی‌شده محاسبه شد؛ به این معنا که چه درصدی از پاسخ‌دهندگان حداقل یکی از اعضای آن خوشه را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۳ خوشه‌های استخراج شده از نمودار درختی، اعضای هر کدام و همچنین میزان انتخاب هر گروه را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که با توجه به امکان انتخاب ۲ نفر توسط هر پاسخ‌دهنده، میزان انتخاب بعضی گروه‌های مختلف دارای همپوشانی است و در نتیجه مجموع درصد انتخاب گروه‌ها بیش از ۱۰۰٪ است.

جدول ۳: خوشه‌های استخراج شده از نمودار درختی بر اساس الگوی هم‌انتخابی پاسخ‌دهندگان نظرسنجی

میزان انتخاب (%)	اعضای خوشه	
۱۷.۸	علی خامنه‌ای، مجتبی خامنه‌ای، محمود احمدی‌نژاد	خوشه ۱: اصولگرایان
۱۵.۳	میرحسین موسوی، محمدجواد ظریف، محمد خاتمی، فائزه هاشمی، مصطفی تاجزاده	خوشه ۲: اصلاح‌طلبان
۳۴.۸	رضا پهلوی، علی کریمی، امیر طاهری	خوشه ۳: پهلوی‌گرایان
۴.۲	حسین رونقی، مجید توکلی، بهاره هدایت	خوشه ۴: ملی‌گرایان لیبرال
۱۱.۸	نرگس محمدی، نسرين ستوده، شیرین عبادی، کاوه مدنی، سعیدمدنی، فرج سرکوهی، رضا علیجانی، علی افشاری	خوشه ۵: فعالان مدنی/حقوق‌بشری
۵.۳	حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، عبدالله مهتدی، نازنین بنیادی	خوشه ۶: شورای همبستگی
۶.۶	فاطمه سپهری، محمد نوری‌زاد	خوشه ۷: فعالان زندانی
۷.۷	توماج صالحی، مهدی یراحی، سپیده قلیان، اسماعیل بخشی	خوشه ۸: فعالان کارگری و هنرمندان معترض
۰.۳	مریم رجوی	خوشه ۹: سازمان مجاهدین
۳.۰	مولوی عبدالحمید	خوشه ۱۰: نماینده اهل سنت
۲۰.۰	هیچکدام، افراد دیگر	خوشه ۱۱: طرفداران افراد دیگر

نمودار ۲۰: نمودار خوشه‌بندی فعالان سیاسی-مدنی با استفاده از ضرایب همبستگی



یازده خوشه استخراج‌شده از نمودار درختی و اعضای هر کدام در ادامه توضیح داده می‌شود.

خوشه ۱: جناح اصولگرایان

اعضای این خوشه شامل علی خامنه‌ای، مجتبی خامنه‌ای و محمود احمدی‌نژاد است. حدود ۱۸٪ از جامعه آماری، حداقل یکی از این سه نفر را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند. این خوشه به‌روشنی جناح سنتی حاکم در جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. همبستگی درون‌خوشه‌ای بین علی خامنه‌ای و مجتبی خامنه‌ای بسیار بالاست و از دیگر خوشه‌ها کاملاً فاصله دارد. اگرچه محمود احمدی‌نژاد در این خوشه قرار دارد، اما شاخه‌ی او با فاصله‌ی بیشتری به شاخه‌ی خامنه‌ای‌ها متصل شده است. این نشان می‌دهد که بخشی از افکار عمومی، او را وابسته به ساختار قدرت می‌داند، اما در عین حال تمایز قابل توجهی در ذهن‌شان میان احمدی‌نژاد و خانواده خامنه‌ای قائل هستند.

خوشه ۲: جناح اصلاح‌طلبان

اعضای این خوشه شامل میرحسین موسوی، مصطفی تاجزاده، محمد جواد ظریف، محمد خاتمی و فائزه هاشمی می‌شود. حدود ۱۵٪ از جامعه آماری، حداقل یکی از این افراد را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

این چهره‌ها اگرچه در جناح حاکم نیستند، اما افرادی هستند که به دنبال اصلاح در چارچوب جمهوری اسلامی شناخته می‌شوند. ساختار درختی نشان می‌دهد که این خوشه به دو زیرخوشه متمایز تقسیم می‌شود:

- زیرخوشه‌ی جنبش سبز

شخصیت‌هایی چون میرحسین موسوی و مصطفی تاج‌زاده و فائزه هاشمی در این زیرگروه قرار دارند. نزدیکی آن‌ها در نمودار، بازتابی از هم‌زمانی انتخاب آن‌ها توسط پاسخ‌دهندگانی است که هنوز به رهبران جنبش سبز و گفتمان انتقادی‌ترش نسبت به ساختار حاکم وفادار مانده‌اند. این گروه بیشتر با روایت‌هایی از تغییر ساختاری، انتخابات ۸۸، و نقد رهبری جمهوری اسلامی شناخته می‌شود.

- زیرخوشه‌ی اصلاح‌طلبان سنتی

چهره‌هایی مانند محمد خاتمی و محمدجواد ظریف در این بخش قرار می‌گیرند. آن‌ها بعنوان چهره‌های رسمی‌تر و نمادین‌تر اصلاح‌طلبی معروفند و در میان قشر اصلاح‌طلبان سنتی پایگاه دارند.

نکته قابل توجه این است که این زیرخوشه‌ها، اگرچه به هم نزدیک‌اند، اما با ارتفاعی بالاتر در نمودار به هم متصل شده‌اند، که این خود نشان‌دهنده‌ی اختلاف نسبی پایگاه اجتماعی یا نوع نگاه رای‌دهندگان به این دو طیف اصلاح‌طلبی است.

خوشه ۳: حامیان سلطنت و پهلوی‌گرایان

این خوشه شامل رضا پهلوی، علی کریمی و امیر طاهری است. حدود ۳۵٪ از جامعه آماری، حداقل یکی از این سه شخص را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

رضا پهلوی به‌عنوان نماد اصلی گفتمان پادشاهی‌خواهی در مرکز این خوشه قرار دارد. علی کریمی نیز از حامیان برجسته جریان پهلوی‌گرا محسوب می‌شود و نزدیکی انتخابی او با رضا پهلوی، هم از منظر هم‌پوشانی اجتماعی و هم از نظر موضع‌گیری‌های رسانه‌ای قابل انتظار است.

خوشه ۴: طیف ملی‌گرای لیبرال

این خوشه شامل حسین رونقی، مجید توکلی و بهاره هدایت است. حدود ۴٪ از جامعه هدف، حداقل یکی از این افراد را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

هر سه نفر از فعالان مدنی و سیاسی هستند که طی سال‌های گذشته، به‌ویژه پس از اعتراضات ۸۸ و ۱۴۰۱، به عنوان فعالان سیاسی جوان‌تر منتقد نظام با گرایش ملی‌گرای لیبرال شناخته می‌شوند.

خوشه ۵: فعالان مدنی و حقوق‌بشری

این خوشه شامل چهره‌هایی مانند نرگس محمدی، نسرين ستوده، شیرین عبادی، کاوه مدنی، سعید مدنی، رضا علیجانی و فرج سرکوهی است. حدود ۱۲٪ از جامعه هدف، حداقل یکی از این افراد را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

ترکیب این افراد نشان‌دهنده تمرکز این خوشه بر گفتمان حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، محیط زیست و عدالت اجتماعی است. اغلب این چهره‌ها به واسطه فعالیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای خود در حوزه‌های حقوق بشری و مدنی شناخته می‌شوند و بسیاری از آن‌ها سابقه‌ی زندان در جمهوری اسلامی را دارند. حضور آن‌ها در یک خوشه و هم انتخابی آن‌ها توسط پاسخ‌دهندگان، نمایانگر شناخت عمومی مردم از این چهره‌ها به عنوان فعالان مدنی دارای گرایشات فکری-سیاسی مشترک است.

تحلیل درختی نشان می‌دهد که این خوشه حداقل دو زیرخوشه‌ی اصلی دارد:

- زیرخوشه حقوق بشری:

شامل چهره‌های سرشناس حقوق بشری مانند نرگس محمدی، شیرین عبادی و نسرين ستوده است که سابقه طولانی در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، زنان و کودکان دارند و به دلیل دریافت جوایز بین‌المللی، در عرصه بین‌المللی شناخته شده‌اند.

- زیرخوشه فعالان محیط زیست و عدالت اجتماعی:

شامل افرادی مانند کاوه مدنی و سعید مدنی است که از حوزه‌هایی چون محیط زیست، جامعه‌شناسی و عدالت اجتماعی وارد فضای عمومی شده‌اند. همچنین در این زیرخوشه فعالان سیاسی همچون فرج سرکوهی، رضا علیجانی و علی افشاری هم دیده می‌شوند که همچون دیگر اعضای این خوشه به گفتمان‌های سوسیال دموکراسی و جمهوری‌خواهی نزدیک‌اند.

خوشه ۶: اعضای شورای همبستگی

این خوشه شامل چهره‌هایی چون حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد، عبدالله مهتدی و نازنین بنیادی است. حدود ۵٪ از جامعه، حداقل یکی از این افراد را به عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

اشتراک مهم میان این افراد، عضویت یا همکاری آن‌ها در گروه معروف به «شورای همبستگی» بود که در سال ۱۴۰۱ و دوران خیزش «زن، زندگی، آزادی» با حضور رضا پهلوی و شیرین عبادی در کنار این افراد شکل گرفت. اگرچه این شورا بعد از مدت کوتاهی با خروج رضا پهلوی و سپس کناره‌گیری حامد اسماعیلیون عملاً منحل شد و فعالیت مشترکی میان اعضای باقی‌مانده ادامه نیافت، با این حال، هم‌زمانی انتخاب این افراد توسط پاسخ‌دهندگان، بازتاب همان تصویر ذهنی از پیوندشان در افکار عمومی است.

خوشه ۷: فعالان مدنی زندانی

این خوشه متشکل از فاطمه سپهری و محمد نوری‌زاد است. حدود ۷٪ از جامعه هدف، حداقل یکی از این افراد را به عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

هر دو شخصیت، در سال‌های اخیر از سرسخت‌ترین منتقدان نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند و به دلیل مواضع صریح‌شان، بارها دستگیر و زندانی شده‌اند. جای گرفتن این دو چهره در یک خوشه مستقل در نمودار، نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان، آن‌ها را نمادهای اعتراض شجاعانه و مستقل می‌شناسند.

فاصله این خوشه از خوشه‌های سازمان‌یافته‌تر و ساختارمندتر نیز گویای موقعیت مستقل آنان در ذهن افکار عمومی است.

خوشه ۸: فعالان کارگری و هنرمندان معترض

این خوشه شامل چهار چهره شناخته‌شده در داخل ایران است: سپیده قلیان، اسماعیل بخشی، توماج صالحی، و مهدی یراحی. ترکیب اعضای این خوشه نشان‌دهنده پیوند میان جنبش‌های کارگری، اعتراضات مدنی و هنر اعتراضی در سال‌های اخیر است. حدود ۸٪ از جامعه، حداقل یکی از این افراد را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب کرده‌اند.

ساختار نمودار درختی نشان می‌دهد که این خوشه دارای دو زیرخوشه‌ی مشخص است:

- زیرخوشه فعالان کارگری:

شامل سپیده قلیان و اسماعیل بخشی است که هر دو از چهره‌های شاخص اعتراضات کارگری در سالهای اخیر شناخته می‌شوند. حضور آن‌ها در یک زیرخوشه نمایانگر درک عمومی از آن‌ها به‌عنوان فعالان صنفی و کارگری منتقد است.

- زیرخوشه هنرمندان معترض:

توماج صالحی (رپر اعتراضی) و مهدی یراحی (خواننده پاپ اعتراضی) در شاخه‌ی دوم این خوشه قرار دارند. این دو هنرمند با استفاده از رسانه و موسیقی، به بازنمایی صدای معترض نسل جوان، زنان و بازماندگان اعتراضات خیابانی پرداخته‌اند. بازداشت‌ها و هزینه‌هایی که بابت فعالیت خود متحمل شده‌اند، باعث شده در ذهن افکار عمومی در کنار فعالان میدانی و اجتماعی دیده شوند.

ترکیب این گروه و هم‌انتخابی آنها توسط پاسخ‌دهندگان گویای آن است که فعالان کارگری و هنرمندان معترض، در ذهن بخشی از مردم به‌عنوان یک جبهه مشترک دیده می‌شوند.

خوشه ۹: سازمان مجاهدین خلق

تنها عضو این خوشه، مریم رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق است که حضورش در یک خوشه مستقل، نشان‌دهنده فاصله فکری و ایدئولوژیک با دیگر چهره‌هاست.

خوشه ۱۰: نماینده اهل سنت

این خوشه هم دارای یک عضو است. مولوی عبدالحمید به‌عنوان چهره برجسته اهل سنت در ایران، به‌ویژه در جریان خیزش ۱۴۰۱، در سطح ملی مطرح شد. با این حال، انتخاب او به‌صورت هم‌زمان با دیگر چهره‌ها در میان پاسخ‌دهندگان بسیار محدود بوده است. جای‌گیری او در خوشه‌ای کاملاً جداگانه در نمودار، نشان‌دهنده استقلال هویتی و پایگاه اجتماعی خاص او در افکار عمومی است.

خوشه ۱۱: طرفداران افراد دیگر

این خوشه شامل کسانی است که گزینه «هیچکدام» یا «افراد دیگر» را انتخاب کردند. حدود ۲۰٪ جامعه این گزینه‌ها را انتخاب کرده‌اند؛ یعنی حدود یک پنجم جامعه هدف، هیچ‌کدام از شخصیت‌های عنوان‌شده در نظرسنجی را انتخاب نکرده‌اند یا افراد دیگری را پیشنهاد داده‌اند. حضور این گزینه‌ها در یک خوشه مستقل، نشانه‌ای از سرخوردگی سیاسی از چهره‌های مدنی-سیاسی ذکر شده و گرایش به افرادی متفاوت از آنهاست.

۵-۳ آنالیز پایگاه اجتماعی رضا پهلوی

نتایج نظرسنجی خرداد ۱۴۰۳ مؤسسه گمان نشان می‌دهد که حدود ۳۱٪ جامعه آماری، در صورت برگزاری یک انتخابات آزاد، رضا پهلوی را به‌عنوان گزینه اول یا دوم خود انتخاب می‌کنند. در پرسش مشابهی در نظرسنجی دی ۱۴۰۱، حدود ۳۳٪ از جامعه آماری او را به‌عنوان گزینه اول خود برگزیده بودند. این نتایج حاکی از آن است که میزان انتخاب رضا پهلوی، کاهش اندکی داشته اما تقریباً ثابت مانده است.

اگرچه نه رضا پهلوی و نه هیچ شخصیت سیاسی یا مدنی دیگری در ایران از حمایت اکثریت جامعه برخوردار نیست، با این حال او در سالهای اخیر، به‌طور نسبی از میزان حمایت بیشتری نسبت به سایر چهره‌های سیاسی و مدنی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، برخوردار بوده است. بخشی از این موقعیت احتمالاً به دلیل شهرت خانوادگی و جایگاه ویژه او به‌عنوان تنها وارث نهاد پادشاهی در ایران است. از این‌رو، بررسی و تحلیل پایگاه اجتماعی او می‌تواند مفید و قابل توجه باشد.

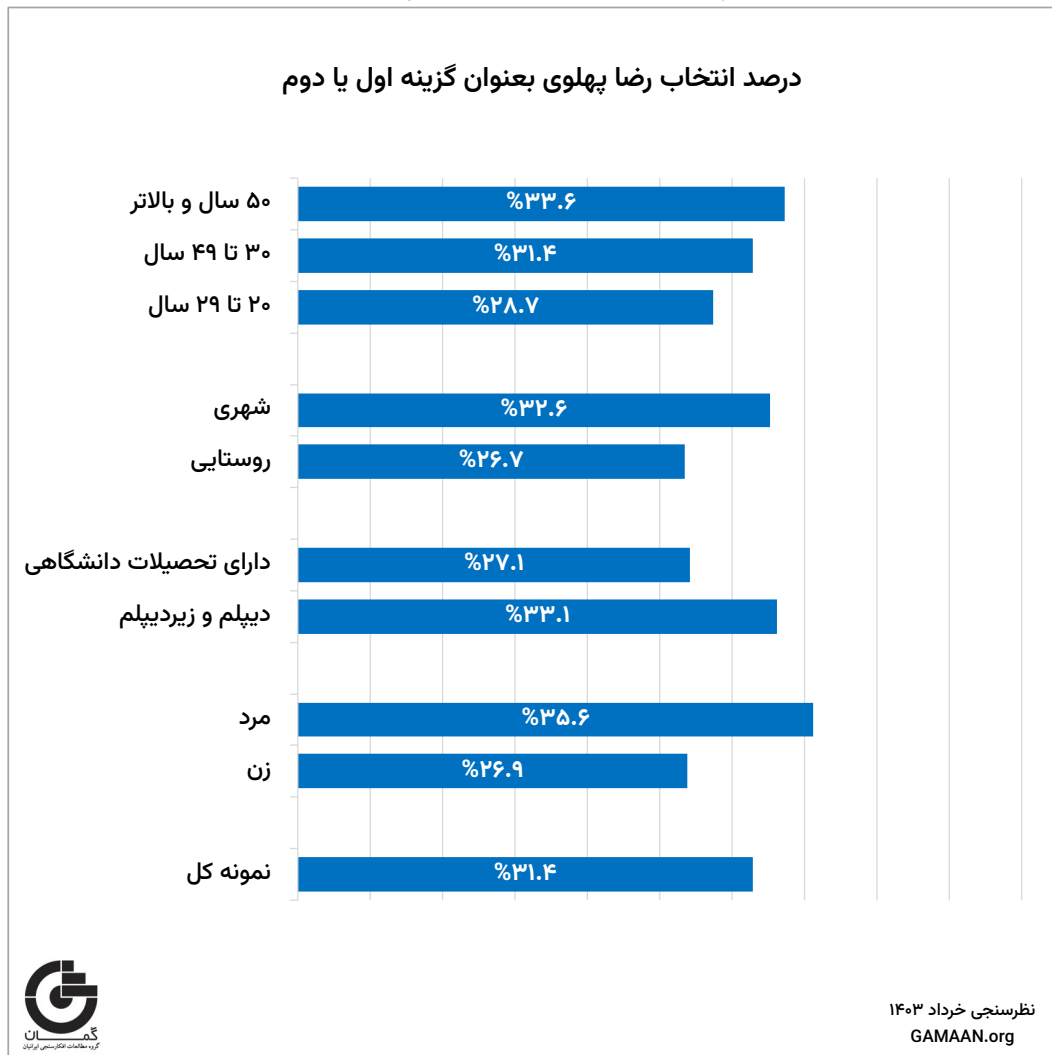
۵-۳-۱ پایگاه اجتماعی رضا پهلوی به تفکیک گروه‌های جمعیتی

نمودار ۲۱ میزان اقبال به رضا پهلوی را به تفکیک گروه‌های جمعیتی نشان می‌دهد.

تفکیک جنسیتی پایگاه رای رضا پهلوی بیانگر این است که مردان (۳۶٪) در مقایسه با زنان (۲۷٪) حمایت بیشتری از او نشان داده‌اند.

از سوی دیگر، حمایت از رضا پهلوی با افزایش سن روندی افزایشی دارد. بالاترین سطح حمایت در گروه سنی ۵۰ سال به بالا (۳۴٪) و کمترین در گروه سنی زیر ۲۹ سال (۲۹٪) مشاهده می‌شود. این امر می‌تواند ناشی از تجربه زیست نسل‌های مسن‌تر از دوران پیش از انقلاب ۵۷، یا برآمده از نگاهی نوستالژیک باشد.

نمودار ۲۱: میزان انتخاب رضا پهلوی به عنوان گزینه اول یا دوم در میان گروه های مختلف جمعیتی

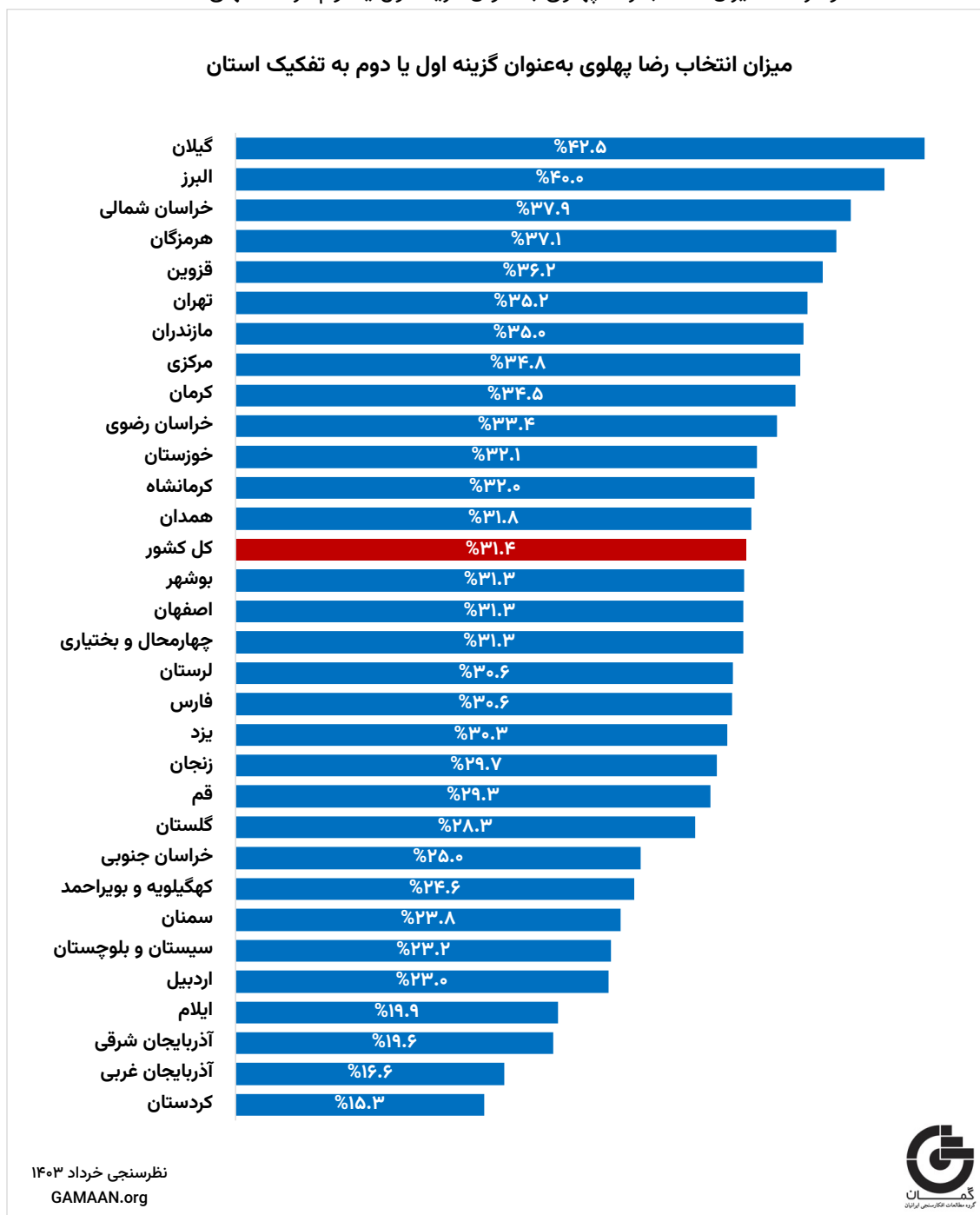


همچنین افراد فاقد مدارک دانشگاهی (۳۳٪) بیش از افراد دارای تحصیلات عالی (۲۷٪) از رضا پهلوی حمایت کرده اند. با توجه به اینکه افراد تحصیل کرده تمایل بیشتری به نظام جمهوری دارند (نمودار ۱۲)، و با توجه به اینکه رضا پهلوی بعنوان نماد جریان پادشاهی خواهی شناخته می شود، به همین دلیل احتمالاً پایگاه اجتماعی او در میان افراد تحصیل کرده تر کمتر است.

ساکنان مناطق شهری با حدود ۳۳٪ حمایت، در مقایسه با ساکنان روستایی (۲۷٪)، تمایل بیشتری به حمایت از رضا پهلوی نشان داده اند. این تفاوت می تواند ناشی از گرایش بیشتر طبقات سنتی و مذهبی ساکن در مناطق روستایی به حمایت از نظام مستقر باشد؛ گرایشی که موجب کاهش اقبال آن ها به چهره های اپوزیسیون می شود.

نمودار ۲۲ میزان حمایت از رضا پهلوی در استان های مختلف را نشان می دهد. این نمودار نشان می دهد که محبوبیت رضا پهلوی در میان پاسخ دهندگان نظرسنجی بسته به استان محل سکونت شان تفاوت قابل توجهی دارد.

نمودار ۲۲: میزان انتخاب رضا پهلوی به عنوان گزینه اول یا دوم در استانهای مختلف



استانهای گیلان (۴۲٪)، البرز (۴۰٪)، خراسان شمالی (۳۸٪)، هرمزگان (۳۷٪) و قزوین (۳۶٪) بالاترین درصد حمایت از رضا پهلوی را نشان می‌دهند.

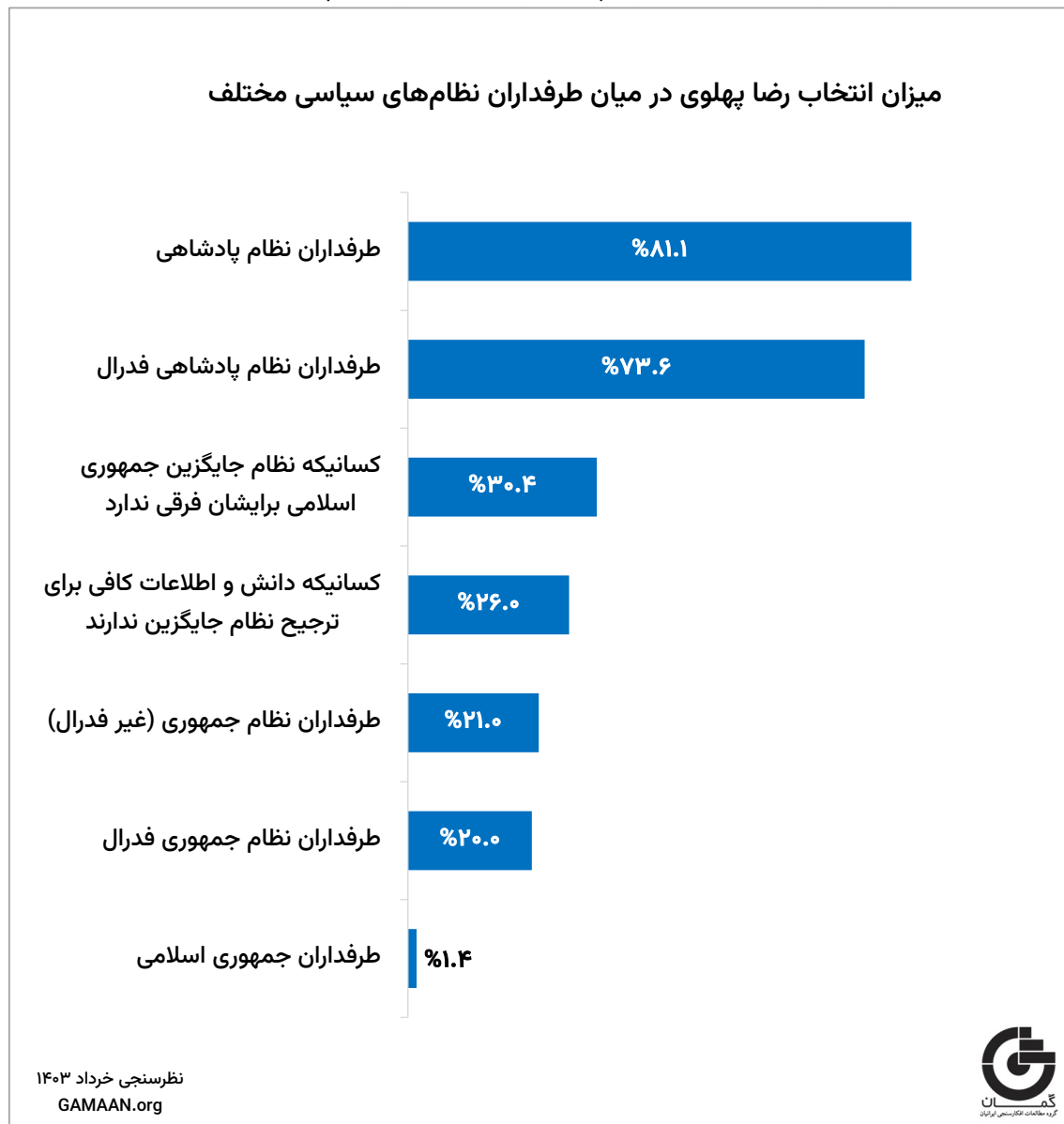
در مقابل، استانهای کردستان (۱۵٪)، آذربایجان غربی (۱۷٪)، آذربایجان شرقی (۲۰٪)، ایلام (۲۰٪)، اردبیل (۲۳٪) و سیستان و بلوچستان (۲۳٪) کمترین سطح حمایت از رضا پهلوی را نشان می‌دهند.

این امر احتمالاً به دلایل هویتی-اتنیکی، تاریخی یا حساسیت‌های محلی نسبت به نظام سلطنتی و گرایش‌های مرکزگرایانه است.

۵-۳-۲ پایگاه اجتماعی رضا پهلوی در میان طرفداران نظام‌های سیاسی مختلف

نمودار ۲۳ میزان محبوبیت رضا پهلوی در میان طرفداران نظام‌های سیاسی مختلف را نشان می‌دهد.

نمودار ۲۳: درصد میزان انتخاب رضا پهلوی در میان طرفداران نظام‌های سیاسی مختلف



این نمودار نشان می‌دهد که اکثریت حامیان نظام پادشاهی (۸۱٪) و طرفداران نظام پادشاهی فدرال (۷۴٪) به‌طور طبیعی بیشترین سطح حمایت از رضا پهلوی را دارند. چرا که رضا پهلوی نماد اصلی جریان پادشاهی‌خواهی در ایران محسوب می‌شود.

همچنین در میان کسانی که گفته‌اند «شکل نظام جایگزین جمهوری اسلامی برایشان فرقی ندارد» نیز حمایت نسبتاً قابل توجهی (۳۰٪) از رضا پهلوی وجود دارد که نشان می‌دهد حدود یک سوم از این افراد، به پهلوی گرایش دارند.

کسانی که گفته‌اند «دانش و اطلاعات کافی برای پاسخ به سوال [درباره ترجیح شکل نظام جایگزین] ندارند» نیز به میزان ۲۶٪ از رضا پهلوی حمایت می‌کنند که می‌تواند بازتابی از معروفیت او در میان بخشی از جمعیت باشد.

از سوی دیگر، محبوبیت رضا پهلوی در میان کسانی که «نظام جمهوری» یا «نظام جمهوری فدرال» را ترجیح می‌دهند، به‌طور قابل توجهی پایین‌تر است (حدود ۲۰ تا ۲۱ درصد). این امر نشان می‌دهد که بخش بزرگی از جمهوری‌خواهان تمایل کمتری به حمایت از چهره‌ای دارند که بعنوان نماد سلطنت‌طلبی شهرت دارد.

در نهایت، همانطور که انتظار می‌رود، در میان کسانی که همچنان به «جمهوری اسلامی» تمایل دارند، تنها حدود ۱٪ رضا پهلوی را انتخاب کرده‌اند.

۵-۳-۳ گرایش به احزاب مختلف در میان طرفداران رضا پهلوی

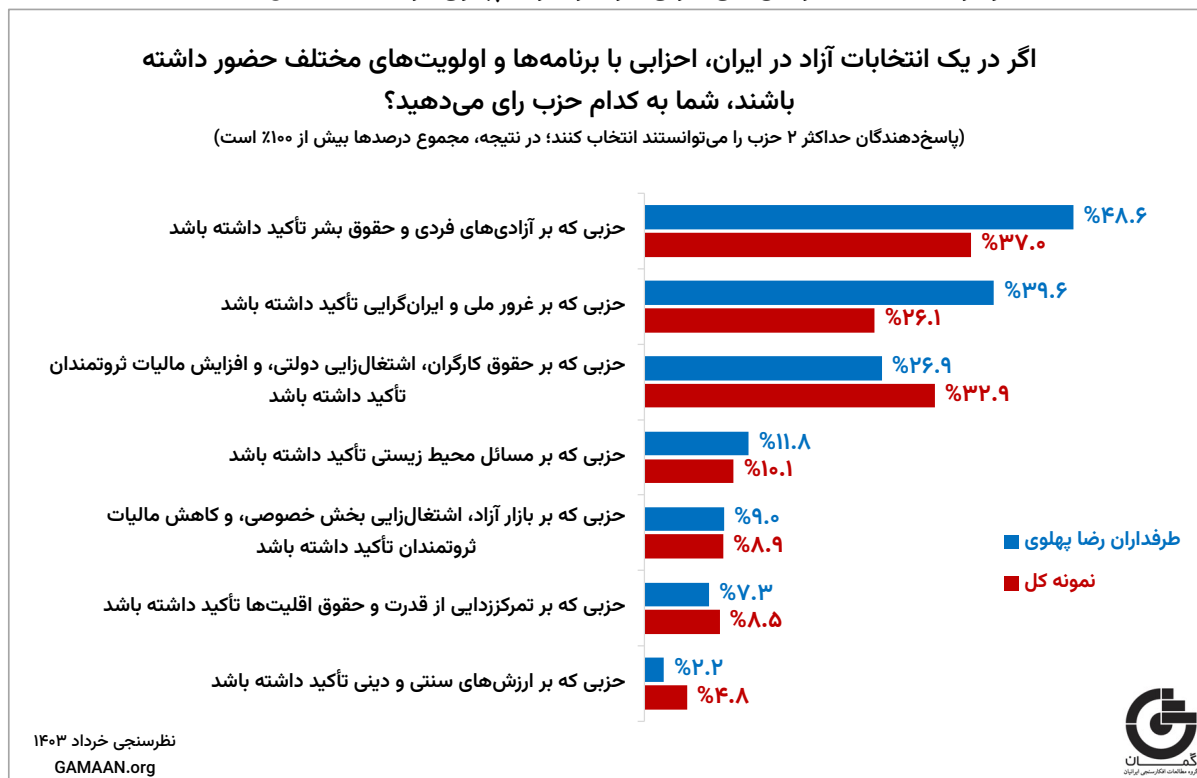
نمودار ۲۴ میزان گرایش به احزاب مختلف در میان طرفداران رضا پهلوی را در مقایسه با کل جامعه نشان می‌دهد. همانطور که پیش‌تر گفته شد، هر پاسخ‌دهنده امکان انتخاب حداکثر دو رویکرد حزبی را داشته است (و به همین دلیل مجموع درصدها بیش از ۱۰۰٪ است).

داده‌های نمودار نشان می‌دهند که گرایش به رویکرد حزبی با تأکید بر هویت ملی و ایران‌گرایی در میان این گروه بسیار قوی است؛ ۴۰٪ از آنان چنین احزابی را ترجیح داده‌اند، در حالی که این رقم در کل جامعه حدود ۲۶٪ است. این تفاوت ۱۴ درصدی نشان‌دهنده پیوند قوی هواداران پهلوی با مفاهیم ملی‌گرایانه است.

همچنین حدود ۴۹٪ از رأی‌دهندگان به رضا پهلوی، حزبی با تأکید بر آزادی‌های فردی را ترجیح داده‌اند، که این میزان ۱۲ درصد بیشتر از میانگین کل جامعه است.

در مقابل، میزان گرایش به حزبی که بر حمایت از حقوق کارگران، دخالت دولت در اشتغال‌زایی، و افزایش مالیات ثروتمندان تأکید دارد، در میان طرفداران پهلوی کمتر از کل جامعه است. حدود ۲۷٪ طرفداران او چنین گرایشی دارند که ۶٪ پایین‌تر از میانگین کل جامعه است.

نمودار ۲۴: مقایسه گرایش‌های حزبی طرفداران رضا پهلوی در مقایسه با کل جامعه



دیگر گرایش‌ها مانند تأکید بر مسائل محیط زیستی (۱۲٪ در برابر ۱۰٪)، گرایش به حزب حامی تمرکززدایی و حقوق اقلیت‌ها (۷٪ در برابر ۸٪) و بازار آزاد تفاوت‌های کمتری با کل جامعه دارند.

در نهایت، کمترین محبوبیت در میان طرفداران رضا پهلوی متعلق به احزاب با تأکید بر ارزش‌های سنتی و دینی است: تنها ۲.۲٪ از آن‌ها این نوع احزاب را انتخاب کرده‌اند، که حدود نصف میزان حمایت از این رویکرد حزبی در کل جامعه است.

به‌طور خلاصه، رویکرد حزبی طرفداران رضا پهلوی را می‌توان دارای دو ویژگی کلیدی دانست: گرایش به آزادی‌های فردی و تأکید بر هویت ملی و غرور ایرانی. در مقابل، تمایل به ارزش‌های دینی، تمرکززدایی، و همچنین عدالت‌محوری اقتصادی در این گروه در درجه اهمیت پایین‌تری قرار دارد.

بخش ششم: روش‌شناسی نظرسنجی

۶-۱ روش نمونه‌گیری

نظرسنجی «نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۳» توسط «گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان)» از تاریخ ۲۸ تا ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ به مدت ۳ روز انجام گرفت. این نظرسنجی به صورت آنلاین و نمونه‌گیری آن با استفاده از یک پلتفرم تخصصی و ایمن انجام شد.

موسسه گمان با استفاده از روش‌های نوآورانه تلاش کرده تا دیدگاه‌ها و نظراتی را که با روش‌های متداول نظرسنجی در جوامع تحت حکومت‌های استبدادی نمی‌توانند بطور علنی مورد پرسش و اندازه‌گیری قرار گیرند، به طریقی روشمند و علمی اندازه‌گیری کرده و به ثبت برساند.

پرسش‌نامه آنلاین این نظرسنجی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از طریق پلتفرم فیلترشکن پرمخاطب سایفون، و همچنین اشتراک‌گذاری پاسخ‌دهندگان در شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ و توییتر) به دست اقشار مختلف مردم در سراسر ایران رسید.

بر طبق آخرین آمار اتحادیه بین‌المللی مخابرات (International Telecommunication Union)، حدود ۸۲٪ جمعیت ایران کاربر اینترنت هستند. همچنین نتایج یک گزارش تحقیقی توسط «اندیشکده حکمرانی دانشگاه شریف» نشان می‌دهد که ۸۴٪ کاربران اینترنت در ایران از فیلترشکن استفاده میکنند. در این میان، روزی ۵ تا ۱۱ میلیون نفر روزانه در ایران از فیلترشکن سایفون استفاده می‌کنند. برای کاهش اثر شبکه‌ای در نظرسنجی آنلاین (یعنی احتمال نزدیکی فکری شرکت‌کنندگان با برگزارکنندگان)، تلاش شد که این نظرسنجی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی در میان کسانی که به فیلترشکن پرمخاطب سایفون متصل می‌شوند به اشتراک گذاشته شود.

از سوی دیگر آمار اتحادیه بین‌المللی مخابرات نشان می‌دهد که در ایران، فقط حدود ۵۵٪ خانوارها دارای خط تلفن ثابت هستند. این بدین معناست که نمونه‌گیری تصادفی با استفاده از اینترنت و فیلترشکن‌ها، در مقایسه با نظرسنجی تلفنی (از طریق خطوط تلفن ثابت)، می‌تواند بخش‌های بزرگتری از جامعه را پوشش دهد.

نمودار ۲۵ توزیع نحوه دسترسی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه این نظرسنجی را نشان می‌دهد. نتایج یکی از سوالات نظرسنجی نشان داد که تنها ۲۶٪ پاسخ‌دهندگان پیش‌تر هم در نظرسنجی‌های موسسه گمان شرکت کرده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که روش نمونه‌گیری تصادفی با استفاده از فیلترشکن برای پخش پرسش‌نامه در میان گروه‌های مختلف جمعیتی و طیف‌های گوناگون فکری و اجتماعی، توانسته است نظرسنجی را به دست گروه‌های بسیار وسیعی خارج از شبکه آشنایان با موسسه گمان برساند.



۲-۶ مشخصات پرسش‌نامه و نمونه آماری

در این نظرسنجی، علاوه بر پرسش‌های اصلی، سوال‌هایی درباره مشخصات عمومی و جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان (جنسیت، رده سنی، میزان تحصیلات، استان محل سکونت، منطقه شهری یا روستایی، وضعیت شغلی، سطح درآمد خانوار، زبان محاوره‌ای در خانه، نوع بیمه درمانی) و همچنین گرایش سیاسی و رفتار انتخاباتی در پرسشنامه قرار گرفت.

از آن‌جا که پاسخ‌دهندگان به‌طور ناشناس و بدون ذکر اطلاعات فردی در نظرسنجی شرکت کرده‌اند، برآورد می‌شود که این افراد برای ابراز نظرات واقعی خود احساس امنیت بیشتری داشته‌اند.

بیش از ۸۳ هزار پاسخ‌دهنده از داخل و خارج کشور پرسش‌نامه نظرسنجی را به‌طور کامل پر کردند. با توجه به توزیع پرسش‌نامه از طریق پلتفرم فیلترشکن سایفون که فقط برای کاربران داخل ایران ارسال می‌شود و همچنین برطبق آنچه پاسخ‌دهندگان درباره محل سکونت خود اظهار کرده‌اند، ۹۷٪ پاسخ‌دهندگان ساکن ایران بوده‌اند. ایرانیان داخل کشور از تمامی ۳۱ استان و از مناطق شهری و روستایی در این نظرسنجی شرکت کردند (جدول ۸).

۳-۶ پالایش نمونه

در این نظرسنجی یک پرسش جهت شناسایی پاسخ‌های تصادفی یا وارد شده توسط ربات قرار داده شد. پاسخ‌های نادرست به این پرسش و همچنین موارد متناقض (مانند کسانی که اظهار داشتند در سال ۱۳۹۶ یا ۱۴۰۰ هنوز به سن رای دادن نرسیده بودند اما رده سنی خود را بیش از ۳۰ سال ذکر کرده‌اند، یا کسانی که گفته بودند در انتخابات ۱۴۰۲ به سن رای دادن نرسیده‌اند اما در سال ۱۴۰۰ رای داده بودند) از نمونه آماری حذف شدند.

بعد از پالایش‌های انجام گرفته، حجم نمونه آماری نهایی از داخل ایران ۷۷،۲۱۶ پاسخ‌دهنده بوده است. در این گزارش هر جا از عبارت «نمونه خام» استفاده شود، منظور نمونه پالایش‌شده داخل کشور است. با لحاظ کردن رده‌های سنی استاندارد موجود در مشخصات سرشماری و آماری موجود در کشور، نمونه نهایی مورد استفاده در این تحلیل فقط شامل پاسخ‌دهندگان بالای ۱۹ سال می‌شود.

۴-۶ روش استخراج نمونه معرف از نمونه آماری

نمونه آماری نظرسنجی‌های آنلاین معمولاً با مشخصات جمعیت آماری هدف انطباق کامل ندارد؛ در نتیجه برای داشتن یک نمونه آماری معرف (representative sample)، از شیوه‌های مختلف متوازن‌سازی مانند وزن‌دهی (weighting) یا روش تطبیق نمونه (sample matching method) استفاده می‌شود تا بتوان نمونه آماری را متوازن کرده و آنرا با مشخصات اصلی جمعیت هدف انطباق داد. **جمعیت آماری هدف** این نظرسنجی، افراد بالای ۱۹ سال و باسواد ساکن ایران هستند (کسانی که امکان استفاده از اینترنت و خواندن سوالات نظرسنجی را دارند که شامل ۹۰٪ جمعیت بزرگسال ایران می‌شود). در این گزارش، هر جا از عبارت «**جامعه**» استفاده می‌شود، منظورم **جامعه آماری هدف** است.

در این پژوهش، برای استخراج یک نمونه معرف (representative sample) از نمونه خام آماری، از روش وزن‌دهی – raking – استفاده شد. بر اساس تحقیق جامع موسسه تحقیقاتی-نظرسنجی پیو (Pew Research Center) این روش وزن‌دهی، با در نظر گرفتن متغیرهای مناسب جمعیتی، از موثرترین و قابل‌اطمینان‌ترین روش‌های متوازن‌سازی نمونه‌های نظرسنجی‌های آنلاین به‌شمار می‌رود.

در این گزارش برای اینکه نمونه آماری پاسخ‌دهندگان داخل کشور به یک نمونه آماری معرف جمعیت (representative sample) تبدیل شود، از روش وزن‌دهی (raking) بر مبنای پنج متغیر جمعیتی شامل رده سنی، جنسیت، سطح تحصیلات، منطقه سکونت (شهری یا روستایی)، و جمعیت استانی استفاده شد. همچنین با بررسی پاسخ به سوال درباره گرایش سیاسی پاسخ‌دهندگان، مشخص شد که در نمونه آماری این نظرسنجی، درصد کسانی که گزینه «خواهان حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب و حامی سیاست‌های نظام و رهبری» را انتخاب کردند، بیش از پایگاه اجتماعی این گروه (حدود ۱۱٪) بر مبنای نتایج نظرسنجی‌های پیشین گمان و همچنین نظرسنجی‌های اخیر دیگر موسسات بوده است که علت آن می‌تواند انگیزه بیشتر آنها به مشارکت در انتخابات و نظرسنجی‌های مربوطه باشد. از اینرو برای وزن‌دهی، متغیر گرایش‌های سیاسی برای این گروه هم منظور شد تا پایگاه اجتماعی گرایش‌های مختلف سیاسی در نمونه نهایی متوازن باشد.

با توجه به اینکه روش نمونه‌گیری با استفاده از پلتفرم فیلترشکن، مشابه شیوه نمونه‌گیری تصادفی است، نمونه این نظرسنجی از توزیع متوازن و کیفیت بالایی برخوردار بوده است. پس از انجام محاسبات وزن‌دهی، **حجم نمونه موثر (effective sample size)** برابر با ۲۰،۴۹۲ نمونه شد که حجم نمونه بسیار بالایی برای سطح اعتبار ۹۵٪ (credibility level) و فاصله اعتبار ۵٪ (credibility interval) است.

محاسبات وزن‌دهی نمونه آماری با استفاده از ابزار تخصصی شرکت هلندی Sample Weighting انجام گرفت. برای تعیین به‌روزترین مشخصات جمعیتی ایران، از آمار جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال ایران، استخراج شده توسط طرح آمارگیری نیروی کار ۱۴۰۱، استفاده شد.

۵-۶ مشخصات نمونه آماری

جداول ۴ تا ۸ توزیع متغیرهای جمعیتی را در نمونه خام نظرسنجی، نمونه متوازن شده و جمعیت هدف نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که مشخصات جمعیتی نمونه متوازن شده با جمعیت هدف کاملاً همخوان شده است.

جدول ۴: توزیع جنسیت

جنسیت	نمونه خام نظرسنجی (تعداد نمونه)	نمونه متوازن شده	جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال (آمار نیروی کار ۱۴۰۱)
زن	۲۳.۱٪ (۱۷۸۳۵)	۴۷.۹٪	۴۷.۹٪
مرد	۷۶.۹٪ (۵۹۳۸۱)	۵۲.۱٪	۵۲.۱٪

جدول ۵: توزیع منطقه جغرافیایی

منطقه جغرافیایی	نمونه خام نظرسنجی (تعداد نمونه)	نمونه متوازن شده	جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال (آمار نیروی کار ۱۴۰۱)
روستایی	۶.۴٪ (۴۹۲۶)	۱۹.۷٪	۱۹.۷٪
شهری	۹۳.۶٪ (۷۲۲۹۰)	۸۰.۳٪	۸۰.۳٪

جدول ۶: توزیع رده‌های سنی

رده‌های سنی	نمونه خام نظرسنجی (تعداد نمونه)	نمونه متوازن شده	جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال (آمار نیروی کار ۱۴۰۱)
بین ۲۰ تا ۲۹ سال	۵.۶٪ (۴۳۰۲)	۱۹.۹٪	۱۹.۹٪
بین ۳۰ تا ۴۹ سال	۵۶.۹٪ (۴۳۹۵۷)	۵۳.۹٪	۵۳.۹٪
مساوی یا بالاتر از ۵۰ سال	۳۷.۵٪ (۲۸۹۵۷)	۲۶.۲٪	۲۶.۲٪

جدول ۷: توزیع میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	نمونه خام نظرسنجی (تعداد نمونه)	نمونه متوازن شده	جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال (آمار نیروی کار ۱۴۰۱)
دیپلم و زیردیپلم	۲۹.۲٪ (۲۲۵۴۰)	۷۲.۳٪	۷۲.۳٪
تحصیلات دانشگاهی	۷۰.۹٪ (۵۴۶۷۶)	۲۷.۷٪	۲۷.۷٪

جدول ۸: توزیع محل سکونت

محل سکونت	نمونه خام نظرسنجی (تعداد نمونه)	نمونه متوازن شده	جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال (آمار نیروی کار ۱۴۰۱)
آذربایجان شرقی	۴۰۹٪ (۳۷۸۹)	۴۰۸٪	۴۰۸٪
آذربایجان غربی	۲۰۲٪ (۱۷۰۸)	۳۰۷٪	۳۰۷٪
اردبیل	۱۰۳٪ (۹۷۲)	۱۰۴٪	۱۰۴٪
اصفهان	۹۰۵٪ (۷۲۹۸)	۶۰۹٪	۶۰۹٪
البرز	۴۰۴٪ (۳۳۷۴)	۳۰۸٪	۳۰۸٪
ایلام	۵۰۸٪ (۶۴۸)	۵۰۷٪	۵۰۷٪
بوشهر	۱۰۲٪ (۸۹۸)	۱۰۴٪	۱۰۴٪
تهران	۲۷۰۷٪ (۲۱۴۱۳)	۱۸۰۷٪	۱۸۰۷٪
چهار محال و بختیاری	۱۰۲٪ (۹۱۹)	۱۰۱٪	۱۰۱٪
خراسان جنوبی	۱۰۱٪ (۸۶۳)	۵۰۹٪	۵۰۹٪
خراسان رضوی	۶۰۸٪ (۵۲۷۴)	۸۰۵٪	۸۰۵٪
خراسان شمالی	۵۰۸٪ (۵۸۶)	۵۰۹٪	۵۰۹٪
خوزستان	۳۰۲٪ (۲۵۰۶)	۵۰۵٪	۵۰۵٪
زنجان	۱۰۵٪ (۷۷۱)	۱۰۳٪	۱۰۳٪
سمنان	۵۰۶٪ (۴۵۸)	۱۰۵٪	۱۰۵٪
سیستان و بلوچستان	۵۰۷٪ (۵۴۴)	۲۰۴٪	۲۰۴٪
فارس	۸۰۶٪ (۶۶۲۴)	۶۰۲٪	۶۰۲٪
قزوین	۱۰۵٪ (۷۳۹)	۱۰۶٪	۱۰۶٪
قم	۱۰۵٪ (۷۹۸)	۱۰۶٪	۱۰۶٪
کردستان	۱۰۸٪ (۱۳۷۲)	۱۰۸٪	۱۰۸٪
کرمان	۲۰۵٪ (۱۵۸۴)	۳۰۹٪	۳۰۹٪
کرمانشاه	۲۰۲٪ (۱۶۹۰)	۲۰۳٪	۲۰۳٪
کهگیلویه و بویراحمد	۵۰۹٪ (۶۷۱)	۵۰۸٪	۵۰۸٪
گلستان	۲۰۲٪ (۱۶۶۰)	۲۰۱٪	۲۰۱٪
گیلان	۳۰۱٪ (۲۴۳۰)	۳۰۴٪	۳۰۴٪
لرستان	۲۰۱٪ (۱۶۱۲)	۲۰۵٪	۲۰۵٪
مازندران	۲۰۶٪ (۲۰۰۱)	۴۰۵٪	۴۰۵٪
مرکزی	۱۰۳٪ (۱۰۱۶)	۱۰۸٪	۱۰۸٪
هرمزگان	۱۰۱٪ (۸۳۳)	۲۰۱٪	۲۰۱٪
همدان	۱۰۳٪ (۹۸۷)	۲۰۵٪	۲۰۵٪
یزد	۱۰۵٪ (۱۱۷۸)	۱۰۵٪	۱۰۵٪

۶-۶ آزمون‌های اعتبارسنجی نمونه متوازن شده

۶-۶-۱ مقایسه توزیع آمارهای اقتصادی و اجتماعی

یکی از روش‌هایی که می‌توان به کمک آن درجه اعتماد و معرف بودن نمونه متوازن شده و تعمیم‌پذیری آن را سنجید، میزان تطبیق نتایج نمونه متوازن شده با شواهد بیرونی است.

جدول ۹ وضعیت درصد افراد شاغل در نمونه متوازن شده را در مقایسه با جمعیت هدف در دو سطح شهری و روستایی برای جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال بر مبنای گزارش سالانه نیروی کار نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود نسبت اشتغال برای نمونه متوازن شده با جمعیت هدف همخوانی قابل قبولی دارد.

جدول ۹: توزیع نسبت اشتغال

نسبت اشتغال	نمونه خام نظرسنجی	نمونه متوازن شده	آمار نیروی کار جمعیت باسواد بالای ۱۹ سال (۱۴۰۱)
کل	۵۶.۲٪	۴۰.۱٪	۴۲.۲٪
مناطق شهری	۵۷.۱٪	۴۰.۷٪	۴۰.۸٪
مناطق روستایی	۴۳.۰٪	۳۷.۴٪	۴۷.۸٪

همچنین در این نظرسنجی، از شرکت‌کنندگان درباره وضعیت درآمد خانوار پرسش شد تا بتوانیم توزیع وضعیت اقتصادی نمونه آماری را با جامعه هدف مقایسه کنیم. جدول ۱۰ وضعیت توزیع درآمد خانوار را نشان می‌دهد. طبق تعریف، در هر دهک درآمدی، ده درصد خانوارهای کشور قرار می‌گیرند. همانطور که مشاهده می‌شود توزیع درآمد خانوار برای سه گروه کم‌درآمد (شامل سه دهک اول)، سطح درآمد متوسط (شامل سه دهک میانی) و سطح درآمد بالا (شامل چهار دهک بالا) در نمونه متوازن شده، به میزان قابل قبولی منطبق با آمارهای رسمی اعلام شده درباره دهک‌های درآمدی در جامعه است.

جدول ۱۰: توزیع میزان درآمد خانوار

گروه‌های مختلف درآمدی بر حسب اطلاعات موجود از مرکز آمار ایران (۱۴۰۲)	نمونه خام نظرسنجی	نمونه متوازن شده	توزیع درآمد در جامعه
خانوارهای با سطح درآمد سه دهک پایین (درآمد ماهانه خانوار کمتر از ۷ میلیون تومان)	۱۳.۶٪	۲۵.۸٪	۳۰٪
خانوارهای با سطح درآمد سه دهک میانی (درآمد ماهانه خانوار بین ۷ تا ۱۳ میلیون تومان)	۳۲.۳٪	۴۰.۴٪	۳۰٪
خانوارهای با سطح درآمد چهار دهک بالا (درآمد ماهانه خانوار بیش از ۱۳ میلیون تومان)	۵۴.۰٪	۳۳.۸٪	۴۰٪

در این نظرسنجی همچنین از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که معمولاً در خانه به چه زبانی صحبت می‌کنند. همانطور که جدول ۱۱ نشان می‌دهد، توزیع زبان‌های محاوره‌ای در نمونه متوازن‌شده با آمار موجود در دانشنامه «اتنولوگ» برای ایران تطابق بالایی دارد.

جدول ۱۱: توزیع زبان محاوره‌ای

معمولاً در خانه به چه زبانی صحبت می‌کنید؟	نمونه خام نظرسنجی	نمونه متوازن‌شده	آمار دانشنامه اتنولوگ (۲۰۲۱)
فارسی	٪۷۳.۲	٪۶۷.۱	٪۶۰.۱
ترکی / آذری	٪۱۰.۶	٪۱۲.۰	٪۱۲.۹
کردی	٪۴.۸	٪۵.۵	٪۵.۷
لری / بختیاری	٪۴.۴	٪۴.۹	٪۴.۸
بلوچی	٪۰.۴	٪۱.۳	٪۱.۴
گیلیکی	٪۱.۳	٪۱.۷	٪۲.۹
مازنی	٪۱.۰	٪۱.۷	٪۲.۷
عربی	٪۰.۵	٪۱.۰	٪۱.۸
لکی	٪۰.۹	٪۱.۱	٪۱.۴
قشقایی	٪۰.۵	٪۰.۴	٪۱.۱
ترکمنی	٪۰.۳	٪۰.۴	٪۰.۹
دری (فارسی افغانستان)	٪۰.۱	٪۰.۲	٪۰.۴
تاتی / تالشی	٪۰.۲	٪۰.۳	٪۰.۶
لاری / اچمی	٪۰.۳	٪۰.۴	٪۰.۱
ارمنی	٪۰.۱	٪۰.۱	٪۰.۱
زبان دیگر	٪۱.۵	٪۱.۹	٪۳.۱

توزیع نوع بیمه درمانی پاسخ‌دهندگان یکی دیگر از شواهد بیرونی جهت اعتبارسنجی نمونه متوازن‌شده است. در این نظرسنجی از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که تحت پوشش چه نوع بیمه [درمانی] هستند. این سوال در ابتدای سال ۱۴۰۱ توسط موسسه نظرسنجی دولتی ایسپا از طریق نظرسنجی تلفنی مورد پرسش قرار گرفته بود. از آنجایی که نوع پوشش بیمه افراد یک سوال غیرحساس تلقی می‌شود، مقایسه با نتایج آن می‌تواند معیاری برای اعتبارسنجی نمونه متوازن‌شده باشد.

همانطور که در جدول ۱۲ دیده می‌شود، توزیع پوشش بیمه درمانی در نمونه متوازن‌شده با آمار ارایه شده توسط نظرسنجی ایسپا همخوانی بالایی دارد.

جدول ۱۲: توزیع پوشش بیمه درمانی

نظرسنجی ایسپا (فروردین ۱۴۰۱)	نمونه متوازن شده	نمونه خام نظرسنجی	شما تحت پوشش چه نوع بیمه‌ای هستید؟
٪۵۰.۷	٪۴۸.۵	٪۵۲.۷	تامین اجتماعی
٪۷.۲	٪۱۰.۹	٪۹.۲	بیمه سلامت
٪۷.۸	٪۹.۸	٪۱۵.۲	خدمات درمانی
٪۹.۸	٪۶.۲	٪۲.۳	بیمه روستایی و عشایر
٪۳.۴	٪۳.۱	٪۳.۰	نیروهای مسلح
٪۲.۹	٪۱.۳	٪۱.۷	بیمه دیگر
٪۱۷.۶	٪۲۰.۲	٪۱۵.۸	بیمه نیستم

۶-۶-۲ اعتبارسنجی با بهره‌گیری از نظرسنجی پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS)

نهاد بین‌المللی [World Values Survey \(WVS\)](#) یا «پیمایش ارزش‌های جهانی»، در بهار ۱۳۹۹ یک نظرسنجی در ایران با روش مصاحبه حضوری انجام داده است. در «نظرسنجی نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۳» تعدادی از سوالات پرسیده‌شده در نظرسنجی WVS در میان پرسش‌ها قرار داده شد تا با مقایسه نتایج دو نظرسنجی بتوان اعتبار روش اندازه‌گیری و نمونه متوازن شده را ارزیابی کرد. بدین منظور مجموعه‌ای از سوال‌های «غیر حساس» در کنار یک سوال «حساس» مورد پرسش قرار گرفت تا نتایج دو نظرسنجی مورد مقایسه قرار گیرد. همانطور که در جدول ۱۳ دیده می‌شود مجموع میزان اهمیت داشتن یا اهمیت نداشتن موضوعات غیرحساس (خانواده، دوستان، شغل و کار) در دو نظرسنجی اختلاف کمی را نشان می‌دهد، درحالی‌که درباره یک موضوع حساس در فضای سیاسی و اجتماعی ایران (اهمیت دین) پاسخ دو نظرسنجی کاملاً متفاوت است.

جدول ۱۳: نتایج سوالات یکسان درباره اهمیت موارد مختلف در زندگی در مقایسه با نظرسنجی WVS (بهار ۱۳۹۹)

هر یک از این موارد تا چه میزان در زندگی شما اهمیت دارد؟	بسیار اهمیت دارد	تا حدی اهمیت دارد	چندان اهمیت ندارد	اصلاً اهمیت ندارد	نمی‌دانم
خانواده	٪۹۳.۹	٪۵.۲	٪۰.۸	٪۰.۱	٪۰
	٪۹۲.۴	٪۴.۷	٪۰.۸	٪۱.۱	٪۰.۹
دوستان	٪۲۸.۶	٪۵۴.۴	٪۱۱.۲	٪۵.۷	٪۰
	٪۳۰.۸	٪۴۹.۹	٪۱۲.۹	٪۴.۳	٪۲.۰
شغل و کار	٪۷۸.۰	٪۱۸.۶	٪۱.۹	٪۱.۳	٪۰.۲
	٪۸۶.۱	٪۸.۷	٪۱.۵	٪۱.۸	٪۱.۹
دین	٪۶۹.۴	٪۲۲.۸	٪۳.۵	٪۴.۲	٪۰.۱
	٪۲۹.۰	٪۱۸.۴	٪۱۵.۳	٪۳۴.۱	٪۳.۲

این بررسی مقایسه‌ای این فرضیه را تایید می‌کند که اندازه‌گیری دیدگاه واقعی مردم پیرامون «سوالات حساس» توسط روش‌های متداول نظرسنجی (تلفنی یا مصاحبه حضوری) در جوامعی مانند ایران با تردیدهای جدی مواجه است.

درباره نویسنده

عمار ملکی مدیر موسسه افکارسنجی گمان و استادیار علوم سیاسی در دانشگاه تیلبرگ هلند است. او در سال ۲۰۲۵ بعنوان نماینده کشور ایران در «انجمن جهانی برای تحقیقات افکار عمومی» (WAPOR) انتخاب شد.

درباره گمان

گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان) یک موسسه پژوهشی مستقل و ثبت شده در هلند است که در زمینه مطالعات افکارسنجی با تمرکز بر اندازه‌گیری و تحلیل دیدگاه‌ها و افکار ایرانیان فعالیت می‌کند.

گمان به‌طور ویژه تلاش می‌کند بخش‌هایی از نگرش و دیدگاه‌های ایرانیان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی را که در شرایط جاری کشور امکان بیان و علنی شدن ندارند، اندازه‌گیری و تحلیل کند.

نتایج پژوهش‌های گمان، علاوه بر بازتاب گسترده در رسانه‌های فارسی، در مجلات و رسانه‌های معتبر بین‌المللی مانند اکونومیست، وال‌استریت ژورنال، گاردین، دویچه‌وله، نیویورک مگزین، نیوزویک، کانورسیشن و دیگر رسانه‌ها به زبان‌های مختلف مورد ارجاع قرار گرفته است.

در انتهای سال ۲۰۲۲ جامعه تحقیقاتی MRS در لندن، جایزه «مدال عالی» خود را به موسسه گمان برای «سهم فوق‌العاده در انجام پژوهش علمی» اهدا کرد.

